

به نام پروردگار یکتا

# توان یاب

سال پانزدهم شماره ۵۴  
(زمستان ۱۳۹۳)



صاحب امتیاز:  
مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد  
مدیر مسئول:  
دکتر قاسم صالح‌خو



سر دبیر:  
دکتر مریم رسولیان  
مدیر اجرایی:  
رضا سخن سنج  
دبیر تحریریه:  
هاله باستانی



همکاران این شماره:  
سهیلا علیخانی،  
افسانه عسگری، آتوسا راوش،  
سودابه بیات، سعید ضروری، نازنین  
رحیم‌زاده  
مترجم:  
علی مجتهدزاده  
طراح جلد و صفحه‌آرا:  
یاسمن روشنی تبریزی  
حروفچینی:  
سودابه بیات  
شورای سیاست‌گذاری:  
صدیقه اکبری، عبدالله توسلی،  
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید  
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،  
لیلا انگوتی و محمدرضا دشتی



نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب (قدس) فاز ۲، خیابان  
هرمزان، خیابان پیروزان جنوبی، پلاک ۷۴.  
کدپستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی: ۱۴۴-۱۴۶۶۵  
شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶ شماره: ۸۸۰۷۶۳۲۶  
info@raad-charity.org  
www.raad-charity.org  
نشانی چاپخانه: خیابان جمهوری، بین حافظ و  
فردوسی، کوچه نوبهار، پلاک ۱۹. چاپ رامین

توان یاب از دریافت مقالات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران استقبال می‌کند. مقالات ترجمه شده همراه با کپی اصل مقاله ارسال شود. مقالات ارسالی پس فرستاده نمی‌شود. توان یاب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

سر آغاز: ۲

پرونده

رخدادهای روز جهانی افراد دارای معلولیت: ۳

سه ضلع مثلث کارآفرینی اجتماعی: ۴

هدف ما ایجاد اشتغال پایدار در بچه هاست: ۷

زمزمه (انتظار): ۱۰

مقاله (انسان توانمند کیست؟): ۱۱

پرونده

افتتاحیه نخستین کنفرانس ملی کارآفرینی: ۱۲

هر کسی با هر توانایی، می تواند به شغل مناسب خود: ۱۴

معرفی یک سمن (علاقه، شرط اول در اشتغال پایدار است): ۱۷

مقاله

به امید آن روز: ۲۰

آراستگی ظاهر در افراد نخاعی و: ۲۱

پرونده

به جای کالای چینی، از ما بخرید! : ۲۲

خانواده موفق (وقتی که عشق، همه خاها را پر میکند): ۲۴

توان یاب موفق (نامید نشوید، تلاش و پشتکار داشته باشید): ۲۸

مقاله ( اشتغال معلولان، آری یا خیر؟): ۳۱

پرونده (اولین نمایشگاه لوازم و تجهیزات کمک توانبخشی): ۳۲

با مشاهیر دارای معلولیت (آلبرت انیشتین): ۳۵

سلامت

به فکر کم کردن نمک غذایان باشید: ۳۶

جوانه ها، مولتی ویتامینهای طبیعی: ۳۷

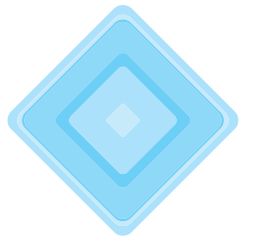
در رعد چه خبر؟: ۳۸

معرفی کتاب: ۴۰

سی سال رعد: ۴۱

(ویژه نامه سی سالگی تاسیس مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد)

چکیده انگلیسی English Index: ۷۲



## سراغ آغاز

با رشد، توسعه و صنعتی شدن جوامع، دانش لازم برای انجام زندگی روزمره افزایش پیدا کرده است و این امر خود نیاز به آموختن را افزایش داده است. ورود ابزارهای الکترونیک و کامپیوتر به زندگی، این پیچیدگی را دو چندان کرده است. از دیگر سو تمایل انسان به مولد بودن و تلاش مفید؛ دسترسی به رفاه و آسایش نسبی، استفاده از تکنولوژی‌های الکترونیک و زندگی در فضای مجازی زمینه‌های نگاه نو و راه حل‌های جدید را فراهم آورده است. بهره‌گیری از فرصت‌ها با توجه به نیازها در طول تاریخ وجود داشته است، واژه کارآفرینی در بستر تطابق برآورده شدن نیازهای جامعه با روشی متفاوت یا جدید تعریف شده است. در این راستا در صورتی که نیازهای اساسی بر زمین مانده هدف اصلی باشد نه کسب درآمد، و پاسخ به یک مسئولیت اجتماعی همراه با روش نو باشد کارآفرینی اجتماعی شکل گرفته است.

سی سال قبل چند نفر دورهم جمع شدند تا پدیده جدید «معلولان جنگی» را تدبیری بیاندیشند و راه حل را در آموزش فنی حرفه‌ای و بازگشت مجدد، مستقل و فعال معلولان به اجتماع یافتند، در همان نقطه شروع خیلی زود پدیده معلولیت بدون توجه به علت آن مورد توجه قرار گرفت و تمامی افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی به عنوان گروه هدف تعریف شدند. در این راستا و بدون توجه به واژه‌ها و تعاریف آنها، یک فعالیت کارآفرینی اجتماعی شکل گرفت و فرزند به حق این فعالیت که اشتغال پایدار و مولد بود به وجود آمد، اما برای رشد چنین فرزندى موانع و پیچ و خم‌های فراوان و راه ناهمواری وجود داشت، از نامناسب بودن محیط شهری، تا موانع ذهنی و فرهنگی تا مشکل بیکاری در جامعه و .....

در راستای بالندگی و برومندی این فرزند که همان اشتغال مولد و پایدار است، ضرورت توجه به کارآفرینی اجتماعی با تأکید بر حوزه معلولیت خود نمایی کرد و در این شماره از نشریه توانیاب به موضوع کارآفرینی اجتماعی پرداخته‌ایم.

سردبیر

## رخدادهای روز جهانی افراد دارای معلولیت در برخی از کشورها

سعید ضروری •

کمک به افراد دارای معلولیت ایرلندی جشنی برگزار خواهد کرد. از دوشنبه ۲۵ نوامبر تا ۳ دسامبر از شنونده‌های معلول نیوزتاک درخواست می‌شود تا درعکس‌هایشان درباره‌ی این‌که چگونه روز خود را می‌گذرانند و مسائلی که برایشان اهمیت دارد را در صفحات اجتماعی مشخص نمایند.

### ۶. ساحل عاج

هرروز از ۲۳ تا ۳۰ نوامبر یک کمپین افزایش آگاهی با اجرای یک نمایش و گفتگوی ۳ ساعته برگزار می‌شود که میزبان کارشناس‌های دارای معلولیت، والدین، سازمان‌های غیردولتی و رهبران مذهبی است تا تجربیات و اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند. این افراد، ۱ دسامبر در یک گرد هم‌آیی شرکت می‌کنند تا پیش‌نویس یک طرح عملی را بنویسند که به موجب آن به رفع موانع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و معماری کمک کنند تا از طریق آن به هدف جامعه‌ای فراگیر و قابل دسترس برای تمامی افراد دست پیدا کنند. پوسترها و بنرها در محل‌های عمومی و در وب سایت رسانه‌ها قرار می‌گیرند

### ۶. آمریکا

در سوم دسامبر (۱۲ آذر) دانشکده حقوق سیراکیوز تمام درهای ورودی خود را به مدت یک روز در اقامتی نمادین باز می‌گذارند و پوستری دلیل این کار را توضیح می‌دهد و به اهمیت آگاهی بخشی نسبت به افراد دارای معلولیت می‌پردازند.

### ۶. پاکستان

انجمن کودکان با نیازهای ویژه با برگزاری نمایشگاهی از کارهای دستی دانش‌آموزان با معلولیت ذهنی نشان دادند که افراد دارای معلولیت نیز می‌توانند نیروی کار مناسبی در خطوط تولید باشند. می‌توان امید داشت با اقدامات و برنامه‌ریزی‌های اصولی که مبانی حقوق معلولان را پوشش می‌دهد، بتوان اقداماتی اساسی جهت رفع تبعیض اجتماعی، اشتغال پایدار و شرایط لازم جهت ورود افراد دارای معلولیت به تمام عرصه‌ها را فراهم کرد.

جهانی افراد دارای معلولیت است که سطح رفاه اجتماعی متفاوتی دارند.

### ۶. کانادا

یک هفته پیش از روز جهانی معلولان، یک کارگاه اشتغال‌زایی برای نشان‌دادن توانایی‌های افراد دارای معلولیت جویای کار، برپا می‌شود. سپس در سوم ماه دسامبر، در فرهنگ‌سرای «راند هاوس» جشن بزرگی که شامل نمایشگاه‌های هنری، آموزشی و یک شب مفرح همراه با اجراهای زنده خواهد بود، برگزار می‌شود. این دو رویداد رایگان و شرکت در آن برای عموم آزاد است.

کمیته‌های مشاوره‌ای موجود در شهرهای پرث و هیورن (انتاریو)، مانند جامعه‌ی آلزایمر شهر پرث، برای جشن روز جهانی افراد معلول بسا هیئت مدیره‌ی مدارس منطقه‌ی مایتلند آن همکاری خواهند داشت. همچنین از تمامی مدارس خواسته می‌شود تا دانش‌آموزانشان را در برخی از فعالیت‌ها شرکت دهند تا منجر به آشنایی بیشتر با تفاوت‌های فردی شود. به‌علاوه، سه مدرسه در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، در برخی از فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده از جمله ساخت ویدئوهای آموزشی، شبیه‌سازی معلولیت و بحث درباره‌ی برداشت‌های نادرست، کلیشه‌ها و انزوای معلولان شرکت خواهند داشت و تمرکزشان بر روی معلولیت‌های خاص دانش‌آموزان مدارس‌شان خواهد بود. برخی از دانش‌آموزان برای یک روز کامل با یک نوع معلولیت زندگی خواهند کرد و سپس در گزارشی موانعی که با آن مواجه شده‌اند و نیز خدمات موجود در مدرسه‌شان را اعلام خواهند کرد.

### ۶. سازمان یونسکو

به مناسبت روز جهانی معلولان، میزگردی درباره‌ی آموزش فراگیر با نام «ساخت پلی میان پژوهش و سیاست» برگزار خواهد کرد که به طور مشترک توسط یونسکو و سازمان «Aide et Action» سازماندهی می‌شود. این سازمان در سال جهانی معلولان، در سال ۱۹۸۱ تاسیس شده‌است.

### ۶. ایرلند

ایستگاه خبری رادیویی ملی ایرلند، برای

روز جهانی افراد دارای معلولیت در سراسر دنیا با اتفاق‌های اجتماعی و فرهنگی متنوعی همراه است که بررسی تعدادی از آنها می‌تواند به افراد فعال و مدیران انجمن‌های حوزه معلولان در برگزاری و جهت‌دهی به رخدادهای روز جهانی کمک کند تا بتوانند از فرصت بدست آمده در جهت افزایش آگاهی در جامعه بهره‌مند شوند.

اتفاق‌های این روز جهانی بر مبنای چهار اصل برنامه‌ریزی می‌شوند که عبارتند از؛ اصل تلفیق اجتماعی، افزایش آگاهی، نمایش توان‌مندی و انجام اقدام‌های عملی و تاثیر گذار. روز جهانی افراد دارای معلولیت فرصتی است تا افراد از بخش‌های مختلف خصوصی، دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد معلولان و اصناف متعدد، دور هم جمع شوند و بر مسائلی تمرکز کنند که منجر به ورود این افراد به جامعه به عنوان سرویس دهنده و سرویس گیرنده شوند که از آن به عنوان اصل تلفیق اجتماعی یاد می‌شود. از دیگر مواردی که عموماً نهاد‌های مختلف در این روز جهانی بدان می‌پردازند، برگزاری جلسات بحث و گفتگو، ایجاد کمپین‌های اطلاع‌رسانی جهت یافتن راه‌های بدیع و نو برای وارد کردن افسراد دارای معلولیت در جامعه و طرح‌های توسعه‌ای با حضور خود معلولان است. به عنوان اقدام سوم، برگزاری جشن‌ها، نمایش‌ها و نمایشگاه‌های متعدد در مکان‌های مختلف به‌ویژه دانشگاه‌ها و مدارس توسط خود افراد دارای معلولیت است که اثرات مهمی در تغییر نگرش نسبت به توانایی‌های این افراد و پذیرش آنها در جامعه را به‌دنبال دارد. به عنوان اصل چهارم، انجام اقدامات عملی از موضوعاتی است که در روز جهانی معلولان به آن توجه می‌شود. اقدام‌های عملی در راستای فراهم کردن فرصت حضور و تعامل با جامعه به‌صورت تاثیرگذار، از جمله مواردی است که سازمان‌ها و تشکلات مردم نهاد و دولتی در این روز به آن توجه ویژه می‌کنند. به‌طور کلی، تمرکز اصلی فعالیت‌ها و اقدامات در این روز جهانی را می‌توان در فراهم کردن فرصت حضور اجتماعی در جامعه خلاصه کرد که نیازمند برداشتن موانع، و باز کردن درها در برابر افراد دارای معلولیت است. آن‌چه که در ادامه می‌آید، تنها بخشی از اقدامات کشورها در روز



علیرضا امیدوار دارای لیسانس در رشته علوم سیاسی و فوق لیسانس در حوزه سیاست‌گذاری عمومی است. ایشان دکترای مدیریت را هم از دانشگاه نائینگهام دریافت نموده است. امیدوار، علی‌رغم سن کم خود به همین اکتفا نکرده و دوره‌های مختلفی را نیز در خصوص نحوه مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها در قبال جامعه و اخلاق کار و کارآفرینی در مراکز مختلف را در سرتاسر دنیا گذرانده است. اگرچه حوزه فعالیت او مشاوره سرمایه‌گذاری خارجی بوده اما از سال ۸۷ در خصوص مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های تولیدی و تجارّتی هم کار کرده‌است. دکتر امیدوار هم‌چنین در تشکیل دو سازمان مردم‌نهاد نقش کلیدی داشته‌است؛ یکی مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی در سال ۸۸ و دیگری کانون کارآفرینی ایران در سال ۹۱، که بر کارآفرینی در حوزه کارآفرینی تکنولوژی و اینترنت فعالیت دارد و به نیروهایی که علاقمند به کار در حوزه تجارت موبایل و تجارت الکترونیکی باشند مشاوره و راهنمایی ارائه می‌نماید. امیدوار در حال حاضر عضو هیئت‌مدیره هر دو سازمان است، دو سازمانی که به نوعی مکمل هم هستند. مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی بر ترویج مسئولیت اجتماعی و توسعه هیات‌مدیره و کانون کارآفرینی تکنولوژی که هم در کارآفرینی و هم در درآمدزایی فعال هستند. وی مدتی نیز در یک مرکز نوآوری اجتماعی در شیکاگو کار آموز بوده‌است. اگرچه خود او مستقیماً اشاره‌ای نمی‌کند اما از لابلای صحبت‌هایش می‌فهمیم که به این سرزمین عشق می‌ورزد. ورود به عرصه تجارت با رویکردی اجتماعی که متأثر از رشته‌ای است که در آن تحصیل کرده‌است، علوم سیاسی باعث‌گردیده که با بینشی اجتماعی به فضای تجارت و سرمایه‌وارد شود که حاصل آن پیوند دغدغه‌های اجتماعی با سودآوری و کارآفرینی است.



## خلاقیت، درآمذزایی، حل چالش‌های اجتماعی سه ضلع مثلث کارآفرینی اجتماعی

در گفتگو با دکتر علیرضا امیدوار، کارشناس کارآفرینی اجتماعی در ایران

مصاحبه: آتوسا راوش •

**لطفاً در ابتدا، تعریفان را از مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی و تفاوت آن را با کارآفرینی اجتماعی بیان کنید:**

مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها و واحدهای تجاری از نظر علمی؛ تعریف متفاوتی با بنگاه‌های خیریه دارد. امروزه کارآفرینی اجتماعی در حوزه یک فعالیت خلاقانه و درآمدزا تعریف می‌شود. سه وجه یا سه ضلع این مثلث شامل خلاقیت، کارآفرینی و درآمدزایی است که برای حل چالش اجتماعی شکل گرفته است. به اعتقاد من هر کسی که از طریق یک کار خلاقانه برای حل یک چالش اجتماعی کسب درآمد نماید یک کارآفرین اجتماعی محسوب می‌شود. کارآفرینی اجتماعی شامل فعالیت‌های درآمدزا برای حل چالش اجتماعی است. به نظر من کارآفرینی اجتماعی فعالیت خلاقانه با هدف کسب درآمد است که با فعال اجتماعی متفاوت است. کارآفرینی اجتماعی، هم کسب و کار

و درآمد است و هم دغدغه حل یک چالش اجتماعی را دارد. نوعی بازی برد برد است. هم برد برای شرکت و شبکه‌های تجاری و اقتصادی و هم برد برای حل بخش‌هایی از چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی که شاید تا قبل از این کسی از این دید به فکر حل آنها نیفتاده است. اما فعال اجتماعی صرفاً به درآمدهای خیریه‌ای محدود است او در فکر کسب و کار نیست، بلکه صرفاً از طریق جذب کمک‌های مردمی است که می‌خواهد به حل یک معضل اجتماعی بپردازد. به طور مثال؛ کارخانه شامپو سازی فیروز یا آب‌معدنی دماوند، بنگاه‌های اجتماعی نیستند یا نمی‌توان لزوماً آنها را به عنوان کارآفرینان اجتماعی یاد کرد اما بنگاه‌هایی هستند که رویکرد مسوولیت اجتماعی شرکتی قوی دارند. کارخانه شامپوی فیروز عمدتاً از نیروی کار افراد دارای معلولیت بهره می‌گیرد و کارخانه آب‌معدنی دماوند بخشی از درآمدش را صرف آموزش و کارآفرینی برای بچه‌های

بی‌سرپرست در استان چهارمحال نموده است. اما سازمان مردم‌نهاد کودکان کار، یک نوع فعالیت اجتماعی است که در آن از طریق جذب کمک‌های مردمی برای بخشی از کودکانی که امکان تحصیل ندارند، شرایط تحصیل فراهم می‌کند. در این نوع فعالیت، از خلاقیت و کارآفرینی و نیز سودآوری خبری نیست، صرفاً یک فعالیت خیریه‌ای است که درآمدهایش از طریق کمک‌های مردمی تأمین می‌شود. تفاوت این دو رویکرد در این است که در آن دو مورد اولی، هم دغدغه حل یک معضل اجتماعی وجود دارد و هم درآمد زایی دارد و لی در دومی تنها نوعی دغدغه اجتماعی، بدون کارآفرینی و درآمدزایی وجود دارد. شرکت فرانسوی تولید عینک، یک مثال مناسب در زمینه‌ی نیاز به تغییر محسوس زنجیره‌ی ارزش برای مواجهه با چالش‌های پیش رو است. این شرکت یک پروژه‌ی آزمایشی را شروع کرد که در آن از ماشین‌های ون به عنوان کلینیک معاینه چشم سیار استفاده می‌کرد و به این صورت به برخی از ۶۰۰۰ روستای موجود در هند خدماتی را ارائه می‌کرد.

**می‌رسیم به تعریف چالش اجتماعی، به نظر می‌رسد تعریف و رویکردی که افراد و یا شرکت‌های مختلف درباره چالش‌های اجتماعی دارند، در موضع‌گیری آنها در مورد اینکه چگونه به سراغ این موضوعات بروند نیز دارای اهمیت است، این گفته درست است؟**

بله، کاملاً درست است. ما باید بتوانیم چالش‌های اجتماعی را در مرحله اول شناخته و به درستی برآورد نمائیم و سپس به سراغ حل آنها از طریق راه‌های جدید و خلاقانه و در عین حال درآمدزا برویم. برآستی چند درصد از مدیران ما می‌دانند که در زیر پوست شهر چه می‌گذرد؟ چند درصد از مدیران تجاری نه حتی مدیران دولتی و اجرایی در ایران می‌دانند که چه تعداد کارتن‌خواب داریم؟ چند درصد می‌دانند که معضل موش‌ها در تهران در حال تبدیل شدن به یک مشکل جدی است که اگر فکری برای آن نشود، تبعات خطرناکی به دنبال دارد. در ایران معضلات اجتماعی بسیاری داریم که کمتر کارآفرینی به سراغ آنها رفته است. معضل کارتن خواب‌ها (در تهران بیش از ۶۰۰۰۰ کارتن خواب داریم)، سوءتغذیه که در ایران در سال‌های اخیر ۴ برابر شده است، باز ماندن

سه میلیون کودک از تحصیل، کودکانی که یکی از والدین آنها معتاد هستند و روز به روز در حال افزایش هستند و بسیاری موارد دیگر. در وهله اول، شناخت درست معضلات دارای اهمیت است. در ایران به دلیل عدم شناخت مسئله معمولاً به سراغ موضوع‌های کلیشه‌ای یا غیر موثر می‌رویم. به طور مثال اگر شرکت‌های تجاری بخواهند در حوزه اجتماعی فعالیت نمایند چون مطالعه و برآورد علمی و درستی از معضلات ندارند عمدتاً به سراغ حوزه‌های تکراری می‌روند مثلاً می‌بینم که چندین مرکز یا شرکت به مدرسه‌سازی روی می‌آورند که در این زمینه نوعی به اصطلاح چشم و هم چشمی هم صورت می‌گیرد. فلان موسسه دو تا مدرسه ساخته پس ما بیایم سه تا مدرسه بسازیم و مواردی این چنینی را بسیار شاهد هستیم. در حالی که باید آگاهانه به سراغ امور اجتماعی رفت. یک نمونه برای‌تان مثال می‌آورم: یک شرکت تولید لوازم آرایشی کانادایی که مشتریانش را خانم‌ها تشکیل می‌دهند مطالعه‌ای روی مسائل و مشکلات زنان کانادایی صورت داد و دریافت خوشونت خانوادگی و سرطان سینه دو معضل اصلی زنان کانادایی است. این شرکت از آن به بعد کمپینی برای حل این دو معضل در سرتاسر دنیا ترتیب داد. می‌بینم که یک شرکت تجاری که فعالیت درآمدزایی دارد با تمرکز بر دو مسئله اصلی زنان در کانادا یعنی خوشونت و سرطان سینه وارد فعالیت اجتماعی می‌شود. اما این دو موضوع را خوب و با مطالعه انتخاب می‌کند و بین برند خودش و یک معضل اجتماعی، پیوند ایجاد می‌کند. یا یکی دیگر از کارآفرینان اجتماعی که در سال ۲۰۱۴ از طرف بنیاد شواب در داووس است یک خانم ترک است. این خانم دریافته بود که خانم‌های ترکیه، از چاقی، عدم تحرک و سوء تغذیه رنج می‌برند و در عین حال، حاضر به حضور در ورزشگاه‌ها یا مراکز ورزشی مختلط نیستند. این خانم ترک با مطالعاتی که انجام داد چندین مجموعه ورزشی مناسب فقط برای خانم‌ها با استانداردهای جهانی در مراکز مختلف ترکیه تشکیل داد که هم اکنون تبدیل شده به یکی از برندهای معتبر به طوری که در هر کجای دنیا که بخواهند مراکز تناسب اندام مخصوص خانم‌ها ایجاد نمایند، این خانم کلیه امکانات و تجارب را به صورت فرانشیز در اختیارشان قرار می‌دهد.

در مثالی دیگر؛ به طور سنتی صنایع دستی معمولاً بازار ندارند و به قیمت بسیار پایینی از سوی تولیدکننده به فروش می‌رسد. در امریکا طی ابتکاری به نام نوویکا که یک پلت فرم آنلاین بود و به طور مستقیم با هنرمندان و صنعتگران کار می‌کرد، دو فاکتور بسیار مهم را که باعث می‌شود تا آنها از هنری که دارند پول لازم را به دست بیاورند و هم‌چنین لایه‌های چندگانه واسطه‌گران را کاهش دهند، را مدیریت کرد. نوویکا بازارهای جهانی را به سوی آن دسته از هنرمندانی که از لحاظ توزیع محلی محدود و محروم واقع شده اند گشود. نوویکا با گروهی بیش از ۳۰۰۰ صنعتگر/هنرمند فعالیت می‌کند و بیش از ۱۵۰۰۰ صنعتگر/هنرمند و خانواده‌شان را در سراسر دنیا معرفی می‌کند. نوویکا وارد بازار رو به رشدی در زمینه دکورهای خانگی، هدیه‌ها، لباس و جامه شده است که در آمریکا به تنهایی از مرز ده‌بیلیون دلار آمریکا فراتر رفته است. وب‌سایت نوویکا تنها کالاهای ساخت دست را ترویج و معرفی نمی‌کند بلکه به معرفی مردمی می‌پردازد که الهاماتشان را در کار هنری خود گنجانده‌اند. یکی از اصلی‌ترین اهداف نوویکا به اشتراک‌گذاری داستان‌های این صنعتگران در وب‌سایت است. این به هنرمندان اجازه می‌دهد تا قیمت واقعی کار خود را که به فروش رفته است ببینند و بازخورد آن را از خریداران دریافت کنند. در ایران به دلیل عدم پرداختن بدون رودرواسی به معضلات، همیشه نوعی سرپوش‌گذاری در مورد آنها صورت می‌گیرد. بنابراین مدیران نیز تمایل به پرداختن به معضلاتی که دولت تمایلی به گشودن مهر سکوت بر آنان ندارد؛ را پیدا نمی‌کنند. در حالی که صدها شرکت و بنگاه تجاری در خارج از کشور بین حوزه کاری خود و معضلات اجتماعی جامعه‌شان رابطه و پیوند منطقی ایجاد می‌کنند.

**در مورد افراد دارای معلولیت و مشکلات آنان در این زمینه چه تجربه‌هایی را از فعالیت‌های کارآفرینان**

**در ایران به دلیل عدم پرداختن بدون رودرواسی به معضلات اجتماعی و سرپوش‌گذاری در مورد این معضلات، مدیران تجاری نیز تمایلی به پرداختن به آن دسته از مشکلات اجتماعی که دولت تمایلی به گشودن مهر سکوت از آنان را ندارند پیدا نمی‌کنند.**

پرونده





## اجتماعی می توانید ذکر نمایید؟

در مورد معلولان عمدتا در دنیا و به خصوص در غرب در حوزه کارآفرینی اجتماعی فعالیت های بسیاری صورت گرفته است. اما قبل از آن باید اشاره کنم که ما در خارج به خصوص در کشورهای اروپایی حضور معلولان را در سطح جامعه بیشتر می بینیم دلیل آن نیز وجود امکانات در سطح شهر و معماری شهری است. پیاده روها، ساختمان ها و حتی اتوبوس ها به گونه ای طراحی شده اند که معلولان می توانند به راحتی از آنها استفاده نمایند.

در حالی که در ایران چنین برنامه ها و طرح ها و سرمایه گذاری هایی وجود ندارد. یک نمونه آن که در سطح دنیا مطرح شد ابتکاری بود که بانک لویدز در انگلستان انجام داد. این بانک با مطالعاتی که انجام داد متوجه شد در سطح انگلستان نزدیک به یک میلیون و هفتصد هزار معلول وجود دارد که بانک ها هیچ گونه خدمات ویژه ای به آنان ارائه نمی دهند. بانک لویدز در ابتدا با فراخوانی از میان کارکنان خود داوطلبینی را که تمایل به خدمات رسانی به معلولان داشتند را شناسایی و برای آنان کلاس های آموزشی کار با معلولان برگزار نمود، سپس در شعب خود خدمات

ویژه ای را به افراد دارای معلولیت اختصاص داد. به طور مثال خودپردازهای مخصوصی برای نابینایان یا کم بینایان در کنار خودپردازهای معمولی در شعب خود ایجاد کرد که داری کلیدهایی با سطح برجسته بودند که نابینایان قادر به لمس حروف در آن باشند و یا دستگاه های خود پردازی را مخصوص معلولانی که روی ویلچر هستند در شعب خود ایجاد نمود که قادر باشند بر راحتی با دستگاه کار نمایند. این بانک ابتدا یک شعبه در لندن را به معلولان اختصاص داد و سپس چند شعبه در مناطق مختلف کشور ایجاد کرد. در حال حاضر یک میلیون از معلولان انگلستان در

بانک لویدز حساب باز کرده اند. می بینیم که چگونه یک بنگاه تجاری در پی حل یک معضل اجتماعی به گروه هایی از جامعه کهتا قبل از این دیده نمی شدند. خدمات رسانی کرد.

**به نظر می رسد امروزه فعالیت اجتماعی در بنگاه های اقتصادی، به طور جدی مطرح است. این موضوع در ایران در مقایسه با سایر کشورها در چه مرحله ای قرار دارد و برای بسط این فرهنگ به نظر شما چه باید کرد؟**

همین طور است. امروزه فعالیت های اجتماعی برای شرکت های بزرگ به طور جدی مطرح است. درست است که این موضوع عمدتا برای اصلاح دیدگاه مردم نسبت به این شرکت ها صورت می گیرد اما ثابت شده که مشکلات امروزی جهان را دولت ها و یا سازمان های مردم نهاد به تنهایی قادر به حل آن نیستند، بلکه شرکت ها نیز باید وارد حوزه مسئولیت های اجتماعی برای حل معضلات اجتماعی بشوند. به طور مثال امروزه کمپانی نفتی شل، پنج درصد از درآمدش را به انرژی های تجدید پذیر اختصاص می دهد.

و یا شرکت فیلیپس انجام فعالیت های داوطلبانه اجتماعی را برای کارکنان خود اجباری نموده است. آنها باید یا بخشی از حقوق خود را سالانه به این کار اختصاص دهند و یا این که مثلا ۳ روز در سال را به انجام امور اجتماعی بپردازند. در ایران با راه افتادن این فرهنگ خیلی فاصله داریم. به طو رمثال ما بایکی از شرکت های اینترنتی در ایران وارد گفتگو شدیم و اعلام کردیم کارمندی که مایل به کار داوطلبانه هستند را معرفی کند. حدود چهل نفر از کارکنان آن شرکت اعلام آمادگی نمودند. اما در روز مقرر مدیر مجموعه اعلام کرد که روز کار داوطلبانه اجتماعی، از مرخصی آنها کسر

**امروزه کار آفرینی اجتماعی در حوزه یک فعالیت خلاقانه و درآمدزا است که تعریف می شود. سه وجه یا سه ضلع این مثلث شامل خلاقیت، کار آفرینی و درآمدزایی برای حل یک چالش اجتماعی شکل گرفته است. به اعتقاد من هر کسی که از طریق یک کار خلاقانه برای حل یک چالش اجتماعی کسب درآمد نماید یک کار آفرین اجتماعی محسوب می شود.**

خواهد شد و همین باعث شد داوطلبان به دوازده نفر تقلیل یابند! در ایران نیز البته کارهایی در حال انجام است و برخی شرکت ها در این زمینه فعالیت هایی را شروع کرده اند؛ شرکت های تولیدی را داریم که به امور اجتماعی مثل بهداشت مادران و یا کودکان بی سرپرست مشغولند. اما هنوز خیلی راه داریم.

**شما خودتان در این زمینه فعالیتی داشته اید؟**

یکی از فعالیت های نسبتا موفق که در ایران انجام شده، راه اندازی کمپین کودکان امید نام دارد که سه پروژه در آن تعریف شده است:

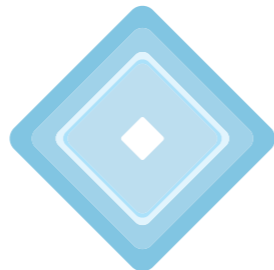
۱- ایجاد ده کتابخانه برای کودکان نابینا در ده منطقه محروم کشور شامل: زاهدان، بروجان، گرگان، کاشان، سنندج، بیرجند، کرمانشاه و بروجرد که این کمپین از سال ۲۰۱۲ آغاز شده است. این مناطق عمدتا با توجه به نسبت تعداد نابیناها و میزان محرومیت استان انتخاب شده اند. هم چنین وبسایتی را هم تهیه کردیم برای کتابخوانی نابینایان.

۲- تجهیز ۱۳ مدرسه در اطراف تهران به تجهیزات اینترنت یا همان آموزش هوشمند

۳- تربیت حدود ۵۰۰ تن از جوانان و نوجوانانی که در مناطق محروم زندگی می کنند به عنوان تکنسین برای تعمیرات یخچال، موبایل و ماشین لباسشویی که ۶۰ نفر آنان در مجموعه سام سرویس (سامسونگ) استخدام می شوند و بقیه به بازار کار معرفی می شوند. این آموزش ها با همکاری سازمان فنی حرفه ای استان تهران و در میدان بهمن، محله کشتارگاه انجام می گیرد.

برای سال ۲۰۱۵ نیز در نظر داریم پروژه ای را با همکاری سامسونگ برای بچه های دارای معلولیت تعریف نماییم. امیدواریم از این گونه فعالیت ها، هر ساله حجم بیشتری از برنامه های شرکت های بزرگ و کوچک تجاری را شامل شوند.

**ما نیز امیدواریم این پیوند بین بخش های اجتماعی و برندهای بزرگ ایجاد شود تا بتوان به حل بخشی از معضلات اجتماعی جامعه مان با رویکردی خلاقانه و درآمدزا پرداخت. از شما نیز برای شرکت در این مصاحبه بسیار سپاسگزاریم.**



## هدف ما ایجاد اشتغال پایدار در بچه هاست

فاطمه السادات غفوریان مسوول دفتر کارآفرینی و اشتغال مرکز رعد است. او که فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته مدیریت کارآفرینی از دانشگاه تهران است، قبل از شروع همکاری با مرکز رعد در حوزه کارآفرینی فعالیت های دیگری هم داشته و تا به حال مدیریت راه اندازی دو کسب و کار را بر عهده داشته است. او کار با مرکز رعد را از سال گذشته آغاز کرده است و امیدوار به گسترش این فعالیت هاست.

**لطفا در مورد فعالیت دفتر کارآفرینی و اشتغال در مجتمع رعد توضیح دهید؟**

یکی از دغدغه های مجتمع رعد همیشه مساله اشتغال افراد دارای معلولیت بوده است. آموزش هایی هم که در این مرکز از قبل و اکنون ارائه می شده و می شود، در جهت رسیدن توانیابان به اشتغال پایدار است. به عبارتی یکی از اهداف رعد، آموزش منجر به اشتغال می باشد. ولی تاکنون بحث اشتغال در این مرکز انسجام کافی نداشته است. همان طور که می دانید مساله اشتغال که برای تمام افراد جامعه یک دغدغه و مشکل به حساب می آید، برای افراد دارای معلولیت، چندبرابر است. برای

این افراد، فقط شرایط فیزیکی نیست که محدودیت ایجاد می کند بلکه مسایل روحی و روانی آنها هم هست. از طرفی خانواده ها نیز دغدغه خاصی نسبت به فرزندان دارای معلولیت خود دارند. ممکن است کار کردن فرزندان غیرمعلولشان در هر جایی و با هر حقوقی قابل قبول باشد ولی نسبت به فرزندان دارای معلولیتشان حساس هستند و نگران بیگاری کشیدن از آنها در محیط کارند. از طرف دیگر، توقعات افراد هم بالا رفته است و وقتی از دانشگاه بیرون می آیند، توقع دارند بلافاصله با حقوق خوب در جایی پذیرفته شوند. در حالی که دید درستی نسبت به کار ندارند و مهارت های شغلی و ارتباطی مورد نیاز را هم کسب نکرده اند. همه این مشکلات برای افراد دارای معلولیت چندبرابر است، خصوصا این که آنها معمولا یک حالت نازپرورده در خانواده دارند و در خانواده عزیزتر هستند. به هر حال مرکز رعد به درستی تصمیم گرفت که به صورت منسجم تر روی مساله اشتغال توانیابان کار کند. در مهرماه سال گذشته این دفتر تشکیل شد که هدف اولیه آن ترویج کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولان بود. به این معنا که افرادی را که تمایل به ایفای نقش در حوزه اجتماعی دارند را با حوزه معلولیت آشنا کند و توانایی هایی را که افراد دارای معلولیت دارند برای آنان



تشریح کند، و ترغیبشان کند که این افراد را بکار بگیرد. در این راستا در چند حوزه مختلف وارد شدیم؛ اولین کاری که مورد قبول هیات مدیره رعد هم قرار گرفت، بحث کارایی بود. ما یک سیستم کارایی آنلاین راه اندازی کردیم که تا به حال حدود ۶۰۰ نفر در آن ثبت نام کرده اند. آدرس این سایت [www.social-ent.ir](http://www.social-ent.ir) است. توانیابان می توانند با ورود به این سایت، رزومه کامل خود از مهارت های شخصی تا توانایی های علمی و عملی و شرایط فیزیکی شان را ثبت کنند. آنچه که بین سیستم کارایی ما با سایر مراکز کارایی تمایز ایجاد می کند این است که شرایط فیزیکی کارایان در آن کاملا تشریح می شود. دفتر کارآفرینی رعد، در هر هفته از چند نفر از داوطلبان دعوت می کند که بیایند و مورد ارزیابی قرار بگیرند. این افراد توسط واحد مددکاری، واحد روانشناسی و واحد آموزشی این مرکز، مورد ارزیابی قرار می گیرند. خیلی وقت ها برداشت افراد از توانایی خودشان با توانمندی های واقعی که دارند متفاوت است به همین دلیل باید مورد ارزیابی قرار گیرند. این ارزیابی به ما کمک می کند تا هم او برای ما بیشتر شناخته شوند و هم بهتر بتوانیم برای موقعیت های مناسب معرفی کنیم. البته در مورد افرادی که از کارآموزان مرکز رعد

هستند اطلاعات بیشتری داریم و برایمان شناخته‌شده‌تر هستند و ارزیابی آنان برای ما راحت‌تر است.

**آیا همه افراد دارای معلولیت حتی کسانی که در رعد آموزش ندیده‌اند هم می‌توانند در این سایت کارایی، ثبت نام کنند؟**

بله، تمام افراد دارای معلولیت و جویای کار می‌توانند به این سایت مراجعه و ثبت نام کرده و سپس در برنامه‌های آموزشی و کارگاهی ما شرکت کنند. البته ما برای معرفی این سایت تبلیغ زیادی نکرده‌ایم چون می‌خواستیم در ابتدا آرام‌آرام پیش برویم و بعد از این که به نتایجی رسیدیم و تعدادی از این دوستان را به اشتغال رساندیم، کار را گسترده‌تر کنیم. بعد از این مرحله با کمک واحد آموزش مرکز رعد، آموزش‌هایی را برای افرادی که می‌کنیم این افراد می‌توانند در سمینارهای مربوط به مهارت‌های شغلی مانند کلاس و کارگاه اعتماد به نفس و روش‌های مذاکره و مهارت‌های دیگر شغلی شرکت کنند.

معمولاً در هر ماه یک برنامه آموزشی در این مورد برگزار می‌کنیم. علاوه بر این آموزش‌ها، یک سری آموزش‌های اختصاصی هم برای افرادی که قرار است به جایی معرفی شوند داریم. مشاوره‌دو دفتر، با آنها صحبت کرده و آشنایی لازم را در مورد مصاحبه‌ای که قرار است انجام شود به آنها می‌دهد. این که مثلاً فن مصاحبه چیست و چه نکاتی هنگام مصاحبه باید مورد توجه قرار گیرد؟ یا وقتی وارد محیط کار می‌شوید باید به دنبال چه چیزهایی باشید؟ و مثلاً اگر همان ماه اول با شما قرارداد نبستند کار را رها نکنید و بیرون نیایید و... بچه‌هایی که برای کار پذیرفته شدند را تا چند هفته دنبال می‌کنیم تا ببینیم اوضاع کاری آنها چگونه است؟ آنها را بلافاصله رها نمی‌کنیم، البته با رعایت این نکته که وابستگی ایجاد نکنیم. پیگیری می‌کنیم که سر چیزهای ساده کار را رها نکنند.

**آیا مصاحبه افراد متقاضی با کارفرما، در دفتر کار آفرینی مجتمع صورت می‌گیرد؟**

ما شرایط مصاحبه را فراهم کرده‌ایم و اگر دو طرف علاقمند باشند، مصاحبه اولیه بین کارفرما و کارباب در همین مکان صورت می‌گیرد. گاهی هم بچه‌ها را به محل کار می‌فرستیم و مصاحبه در همان جا صورت می‌گیرد. وقتی مصاحبه در این دفتر صورت بگیرد فایده‌اش این است که دید و شناخت ما نسبت به کارفرما بیشتر می‌شود.

**مکان‌هایی که بچه‌ها را به آنجا معرفی می‌کنید حتماً مورد تایید شما هستند؟**

سعی می‌کنیم این طور باشد، اما نمی‌توانیم صد درصد کارفرما را تایید کنیم. این کار عملاً امکان پذیر نیست. دوست داریم نقش ما نقش واسط باشد و تا جایی که می‌شود، بچه‌ها را آماده ورود به فضای کارکنیم، ولی نمی‌خواهیم نقش مادری ایفا کنیم که وابستگی ایجاد شود. هدف ما استقلال بچه‌هاست و این که بتوانند خودشان را اداره کنند. اگر کسی سرکار، دچار مشکلی شد اصلاً سعی می‌کنیم دخالتی در رابطه بین کارفرما و نیروی فرستاده شده نکنیم. ما با جلسات مشاوره شغلی و روانشناسی که برگزار می‌کنیم به فرد کمک می‌کنیم که خودش مشکلش را حل کند و گلیمش را از آب بیرون بکشد. نمی‌خواهیم این افراد همیشه وابسته به ما باشند.

**آیا پس از اشتغال به کار، توان یابان بازهم با شما در تماس هستند و می‌توانند مشکلاتشان را با شما در میان بگذارند؟**

بله، ما بچه‌ها را بلافاصله رها نمی‌کنیم. دوردور با بچه‌ها در ارتباط هستیم و برای سمینارهای آموزشی و یا جلسات مشاوره از آنها دعوت می‌کنیم. تا چند هفته‌ای از آنها خبر می‌گیریم که اوضاع کاری‌شان چگونه است و چنانچه متوجه شدیم نیاز به کمک یا مشاوره دارند، برایشان جلسات مشاوره شغلی و روانشناسی به صورت فردی یا گروهی می‌گذاریم. در جلسات گروهی، بچه‌هایی که سرکار رفته‌اند دور هم جمع می‌شوند و در مورد کارشان با هم صحبت می‌کنند. از این طریق متوجه می‌شوند که مشکلی که دارند دیگران هم با آن درگیر هستند و قابل حل کردن است.

**دفتر کارایی و اشتغال رعد در چه حوزه‌های دیگری فعالیت می‌کند؟**

حوزه دیگری که در آن مشغول هستیم مربوط به بچه‌هایی است که کار هنری یاد گرفته و خودشان تولیدکننده هستند. مثل کار معرق، سوخته نگاری یا اشیای تزئینی با مهره و سنگ و...

ما تولیدات این افراد را به سمتی هدایت می‌کنیم که متناسب با بازار باشد. افرادی که آموزش دیده‌اند و توانایی تولید محصول را پیدا کرده‌اند، شاید با تقاضای بازار آشنا نباشند، چون نمی‌توانند به راحتی بازار را ارزیابی کنند و سلیقه مردم را درک کنند. ما به همین منظور، با کمک تعدادی از هنرمندان یک کارگروه تخصصی ایجاد کرده‌ایم. یک سبد محصول طراحی کرده و آنها را به بازارهای مختلفی که وجود دارد متصل کرده‌ایم، مثلاً تولیدات هنری بچه‌ها را به سازمان‌های مختلف معرفی کرده تا بتوانیم سفارش‌های این سازمان‌ها را بگیریم و به این صورت برای بچه‌ها بازار کار فراهم کنیم. قطعاً رعد با توجه به این که یک مجموعه غیرانتفاعی است وارد حوزه فروش و راه‌اندازی فروشگاه نمی‌شود ولی نقش رابط را بین بچه‌ها و مشتری‌هایشان ایفا می‌کند. هنرمندانی که با ما همکاری دارند نکات ویژه‌ای را که در آموزش‌های رایج و اولیه به توانیابان آموزش داده نمی‌شود را به آنان آموزش می‌دهند تا کیفیت کارها بهبود پیدا کند.

ما کارهای بچه‌ها را علاوه بر بازارچه‌های خیریه رعد، در بازارچه‌های مختلف دیگر هم شرکت می‌دهیم. رعد در این بازارچه‌ها غرفه‌ای می‌گیرد و بچه‌ها را به آنجا می‌برد که بچه‌ها خودشان محصولاتشان را عرضه کرده و بفروشند. یکی دیگر از کارهای ما این است که کارهای هنری بچه‌ها را شناسنامه‌دار کنیم. یعنی آن کارهایی که از کیفیت مطلوبی برخوردار بوده و توسط ناظرین هنرمند ما تایید شده‌اند را با آرم رعد، شناسنامه‌دار می‌کنیم. وجود این علامت، به این معنی است که این کار از کیفیت مطلوبی برخوردار است. امیدواریم در آینده بتوانیم روی سایت خودمان نیز کارهای بچه‌ها را به نمایش بگذاریم.

**دفتر کار آفرینی و اشتغال رعد چگونه با بازار کار ارتباط برقرار می‌کند؟**

تا حدودی تبلیغات اینترنتی داشته‌ایم ولی ارتباط ما با بازار کار، تاکنون به صورت

رابطه‌ای بوده‌است. به عبارتی دهان‌به‌دهان چرخیده و افرادی که می‌خواهند مسوولیت اجتماعی‌شان را ایفا کنند خودشان به سراغ ما می‌آیند. آنها فرمی را پر می‌کنند که در آن مشخص می‌شود به چه نیروی کاری احتیاج دارند، ما هم براساس فرمی که آنها پر کرده‌اند، تعدادی نیروی داوطلب را انتخاب می‌کنیم و شرایط مصاحبه با این افراد را برایشان ایجاد می‌کنیم. کارفرمایان هم از بین افراد مصاحبه شده فرد مورد نظر خود را انتخاب می‌کنند.

**تا به حال چند نفر از بچه‌های دارای معلولیت از طریق این دفتر به کار مشغول شده‌اند؟**

دفتر کارایی رعد تقریباً از حدود اسفند و فروردین ماه امسال کارش را به طور جدی شروع کرده‌است. در طی این شش ماه حدود ۱۵۰ نفر را معرفی و برایشان مصاحبه گذاشته‌ایم ولی از بین این افراد فعلاً ۲۵ نفر مشغول به کار شده‌اند. واقعیت این است که وقتی کارفرما چنین افرادی را به کار می‌گیرد اول با یک تصور و حس خیرخواهانه است ولی بعد با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. کاریابان نیز به همین صورت هستند. آنها دوست دارند از خانه بیرون بیایند و در محیط کار و اجتماع قرار بگیرند. آنها هم، می‌خواهند برای خود سرگرمی ایجاد کنند و هم نیازهای مالی خود را برطرف کنند. ولی وقتی در محیط کار قرار می‌گیرند با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند. به همین خاطر است که تا مدتی حالت پشتیبانی را برای آنها داریم و تا سه هفته اول، حتماً هفته‌ای یک بار با آنها تماس می‌گیریم. ما یک روانشناس کار هم داریم که به محل کارشان سر می‌زند. قبل از این که بچه‌ها سرکار بروند با کارفرما راجع به مشکلات فیزیکی آنها صحبت می‌کنیم، این که مثلاً این فرد ویلچری است و محیط کارش نیاز به مناسب‌سازی دارد و... برای بچه‌ها هم در مورد نحوه برخورد در محیط کار و مشکلاتی که ممکن است در برخورد با اطرافیان پیدا کنند، جلسات مشاوره می‌گذاریم و بعد از سه هفته کار کردن، جلسه بازخورد می‌گذاریم و همه بچه‌ها را جمع می‌کنیم تا از مسایل و مشکلاتشان صحبت کنند. روانشناسان هم آنها را کمک و راهنمایی می‌کنند.

**بچه‌ها بیشتر در چه حوزه‌هایی مشغول به کار شده‌اند؟**

یکی از بهترین کارهایی که بچه‌ها می‌توانند انجام بدهند، اپراتوری تلفن است چون نیاز به تحرک ندارد. کسانی هم که با کارهای تخصصی کامپیوتری آشنایی دارند؛ مثل فتوشاپ، گرافیک و... در همین حوزه مشغول به کار شده‌اند. اگر ما بخواهیم توانیابان هنرمند را هم به عنوان افرادی که مشغول به کار شده‌اند حساب کنیم، حدود سی نفر از آنها مشغول تولید محصولات هنری هستند. ما توانسته‌ایم برای یک جمع شش تایی با کمک شهرداری کارگاهی را در یکی از سرای محلات بگیریم. این افراد با هم در این کارگاه کار معرق می‌کنند و تولیداتشان را به فروش می‌رسانند. واقعیت این است که وقتی بچه‌ها خودشان دور هم جمع می‌شوند و با هم کار می‌کنند، بازده‌شان بیشتر می‌شود.

**آیا توانیابانی که برای کار معرفی می‌کنید، شامل بیمه هم می‌شوند؟**

این مساله به توافق کارفرما با بچه‌ها بستگی دارد البته طبق قانون کار همه باید بیمه باشند. یک سری قوانین وجود دارد که مثلاً سهم بیمه این افراد باید توسط دولت پرداخت شود، ولی در مورد افرادی که تاکنون شروع به کار کرده‌اند هنوز این اتفاق نیفتاده‌است و کارفرمایان این افراد را مثل یک پرسنل غیرمعمول بیمه می‌کنند. متأسفانه پشتیبانی و حمایتی که باید از طرف بهزیستی و دولت برای افراد دارای معلولیت وجود داشته‌باشد وجود ندارد و گرنه کارفرمایان با اشتیاق بیشتری به دنبال کار با افراد دارای معلولیت می‌آمدند. امیدواریم در کنفرانسی که با موضوع کار آفرینی اجتماعی در حوزه معلولان در پیش‌رو داریم بتوانیم پیگیر حقوق معلولان در این مورد باشیم. اصلایکی از شعارهای ما در کنفرانس پیش‌رو این است که می‌گوییم؛ وقتی حقوق طبیعی یک فرد دارای معلولیت را به او بدهی، فرصت اجتماعی برابر برایش ایجاد کرده‌ای و او می‌تواند خودش شکوفا شود و نیازی نیست کسی دست او را بگیرد و کمکش کند، فقط کافی است حقوق مسلم اجتماعی‌اش به او داده شود.

**افراد دارای معلولیت جویای کار و کارفرمایان چگونه می‌توانند با این دفتر ارتباط برقرار کنند؟**

افراد جویای کار دارای معلولیت، می‌توانند

از طریق سایت مرکز رعد و یا سایت دفتر کارایی با ما تماس بگیرند و فرم کارایی را پر کنند که به نوبت با آنها تماس گرفته می‌شود و در جریان کلاس‌ها و برنامه‌های آموزشی ما قرار خواهند گرفت. کارفرمایانی که مایلند افراد دارای معلولیت را به کار بگیرند نیز می‌توانند به سایت رعد یا سایت دفتر کارایی مراجعه و فرم پر کنند.

**استقبال کارفرمایان تاکنون چگونه بوده‌است؟**

درفته دو سه کارفرما به ما مراجعه می‌کنند و با وجود این که تبلیغات گسترده‌ای نداشته‌ایم استقبال از آنچه که فکر می‌کردیم بیشتر بوده‌است ولی بعضی از این افراد وقتی با شرایط افراد دارای معلولیت روبه‌رو می‌شوند، منصرف می‌شوند.

شاید از هر ده مصاحبه‌ای که انجام می‌شود یک نفر به کار دعوت می‌شود. البته بیکاری، مشکل کل جامعه است ولی به هر حال این مشکل برای معلولان بیشتر است.

**آیا برای کارفرمایان نیز جلسه توجیهی برگزار می‌کنید؟**

بله، معمولاً روانشناسان ما پیش از انجام مصاحبه با فرد دارای معلولیت، یک جلسه توجیهی هم برای کارفرما برگزار می‌کنند و در مورد شرایط فیزیکی توانیاب توضیحاتی می‌دهند.

**چشم‌اندازتان برای دفتر کارایی و اشتغال رعد چیست؟**

یکی از کارهایی که در برنامه طولانی مدت داریم بحث راه‌اندازی کسب و کارهای ویژه معلولان است. اگر خود این افراد بتوانند کسب و کاری راه بیندازند، ما به آنها کمک و همکاری می‌کنیم تا کارشان بهبود پیدا کند.

مثلاً یکی از افراد دارای معلولیت با همکاری چند نفر از دیگر معلولان در زمینه کار چاپ و کاغذ کارگاهی را راه‌اندازی کرده‌اند، ما هم سعی کرده‌ایم با مراکز مختلف ارتباط بگیریم تا بتوانیم برایشان سفارش بیشتری بگیریم. ما در این زمینه از کارآفرینان دعوت کرده‌ایم که بیایند و کسب و کاری مخصوص این بچه‌ها راه بیندازند.





یکی دیگر از کارهایی که انجام داده‌ایم راه‌اندازی کارگاه بسته‌بندی نان بوده‌است. در این کارگاه گروهی از بچه‌ها که تخصص ویژه‌ای ندارند ولی می‌توانند کارهای یدی انجام بدهند، مشغول به کار شده‌اند. سعی می‌کنیم کارآفرینانی که دغدغه اجتماعی دارند و می‌توانند کسب‌وکاری ویژه افراد دارای معلولیت راه‌اندازی کنند را به توانیابان وصل کنیم و یا ارتباطشان را با دیگر منابع برقرار می‌کنیم. البته این از کارهای دیربازده است ولی از هدف‌های ما کار در این حوزه می‌باشد.

## و سخن آخر..

من امیدوارم روزی برسد که همان‌طور که در هفته‌های چندین کارفرما با ما مراجعه می‌کنند، چندین نفر هم به کار مشغول شوند. یکی از آرزوهایم این است که تولیدات هنری بچه‌ها در جامعه تبدیل به یک برند معتبر شود. بسیاری از محصولات بچه‌ها کیفیت بالایی دارد، آنها مثل یک فرد غیرمعلول کار می‌کنند و کارهای خوبی تحویل می‌دهند. خیلی از سازمان‌ها می‌توانند هدایایی را که می‌خواهند جهت مراسم و روزهای خاص تهیه کنند را از تولیدات این بچه‌ها بخرند. خوب است احساس مسوولیت اجتماعی در افراد جامعه به وجود بیاید که وقتی می‌خواهند به یکدیگر هدیه بدهند، از کار دست‌ها استفاده کنند. نمی‌خواهیم بازارچه خیریه بزنیم تا افراد از روی لطف و ترحم خرید کنند، می‌خواهیم آثار هنری با کیفیتی را عرضه کنیم و مطمئنیم که به تدریج بازار خود را پیدا می‌کند. ♦



## انتظار

مریم کریمی •

وقت بهاری شدن چشم توست  
گل به گل از روی تو زیبا شده  
وقت بهاری شدن عاشقی ست  
بی تو گرفته ست دل آسمان  
می‌چکد از شرح پریشان تو  
فرشی از احوال دلم ساختم  
معتکف چشم سیاهت شدم  
یار چرا زار چه می‌خواهی م  
شعر من آوارر از درد شد  
لحظه به لحظه پی تعبیر تو  
لحظه تحویل نگاهت رسید  
این همه آشفنگی فال ما

آئینه کاری شدن چشم توست  
دست خط دشت چلیپا شده  
عشق به لطف تو پر از زندگی ست  
ابر پر از گریه شده بی‌امان  
هر غزل از چشمه باران تو  
زیر قدم‌های تو انداختم  
صوفی مسجد نگاهت شدم  
این‌همه بیمار چه می‌خواهی ام  
مثنوی اش شاعر شبگرد شد  
عمر من و این همه تأخیر تو  
دیدن آن صورت ماهت رسید  
مژده بده خوب شود حال ما



## انسان توانمند کیست؟

• دکتر فروغ جعفری مشاور و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلام شهر

اگر افراد این سوال را از خود بپرسند که انسان توانمند کیست و چه ویژگی‌هایی دارد، می‌توانند به نتایج جالب و در عین حال تعجب‌برانگیزی برسند. این تعاریف عموماً بر اساس تجارب گذشته آنها و یا باور و اعتقاد اطرافیان شکل گرفته و بدون اقدامی برای تغییر آن از سوی فرد کماکان ادامه می‌یابد. این پاسخ نوع رفتار آنان را با خود و دیگران و همچنین میزان کارآمدی آنها را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد.

هر انسانی تعریفی از ویژگی‌های انسان موفق دارد که ممکن است بر یک یا چند جنبه از وجود او تاکید کند. در این بحث به توصیف چند نمونه از این دیدگاه‌ها پرداخته و در پایان جمع‌بندی کلی ارائه خواهد شد. اولین تعریف از توانمندی مربوط به گروهی از افراد است که به تاثیر عوامل محیطی و شرایط اجتماعی-اقتصادی اعتقاد راسخی دارند. اگر وضعیت اقتصادی خانواده بالا باشد و دوستان و آشنایان حمایت‌کننده‌ای برای معرفی آنان به موقعیت‌های شغلی مناسب و حمایت جهت ارتقای شغلی وجود داشته باشد، این گروه احساس توانمندی می‌کنند. تمرکز این گروه عمدتاً بر عوامل خارج از خود فرد است.

گروه دوم، بر خود فرد تاکید بیشتری دارند تا بر محیط خارجی. این گروه باور دارند انسان با هوش و با استعداد با شرایط فیزیکی مناسب، در صورتی که اهداف عالی داشته‌باشد به تقویت توانمندی‌ها پرداخته و از آنها به بهترین نحو استفاده می‌کند. چنین افرادی وجود ضعف و ناتوانی در یک یا چند بخش از وجود انسان

را توجیهی برای نرسیدن به خواسته‌ها و احساس ضعف و شکست در نظر می‌گیرند و موفقیت را به کامل بودن تمامی ابعاد انسان نسبت می‌دهند.

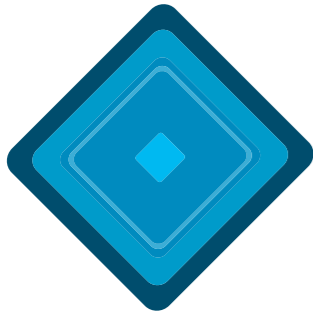
در این میان گروه سوم نیز وجود دارند که باور دارند انسان‌ها موجودات کاملی نیستند و تمامی آنها با نقص‌های ذاتی منحصر به فردی متولد می‌شوند، برخی زیبا نیستند، برخی بهره‌هوشی بالایی ندارند، بعضی توانایی و توان برقراری ارتباطات اجتماعی را ندارند و گروهی نیز از توانایی و سلامت جسمی کافی برای فعالیت‌های خود برخوردار نیستند. با این وجود تعریف از توانمندی از نظر آنان، شناسایی جنبه‌هایی است که قابلیت استفاده بهینه و رشد را دارد. آنها اعتقاد دارند هرچند همه عوامل تحت کنترل آنها نیست اما قابلیت تسلط بر بسیاری از امور اصلی زندگی خود را دارند. تلاش آنها برای پرورش توانمندی‌های موجود امکان تسلط بر محیط شغلی و زندگی را افزایش می‌دهد.

هر یک از این افراد، تعریف شخصی خود از توانمندی را به طور دایمی و با جملاتی در افکار خود تکرار می‌کند. از جمله این که «من تا زمانی که نتوانم افراد مهم و با نفوذ برای معرفی و سفارش به محیط کار پیدا کنم امکان موفقیت بالایی نخواهم داشت» و یا این که «از آنجایی که به دلیل نقص بدنی، توان کافی برای انجام برخی کارها را ندارم امکان اشتغال موفقیت‌آمیز برای من وجود نخواهد داشت» و در مقابل «من هم مثل همه انسان‌ها کامل نیستم، خوشبختانه همه مشاغل به همه توانایی‌ها نیاز ندارد، من می‌توانم موقعیتی را انتخاب

کنم که از همه توانمندی‌هایم به بهترین نحو در آنجا استفاده کنم».

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید این جملات می‌توانند تاثیر بسیار زیادی بر اراده، انگیزه، تلاش و دستیابی به موفقیت داشته باشند. باور به این که انسان کامل کسی است که از همه شرایط فیزیکی، روانی و اجتماعی به طور کامل برخوردار باشد، افسانه‌ای بیش نیست. در دنیای امروز مهم‌ترین عامل موفقیت انسان‌ها، خوش‌بینی، داشتن اطلاعات، ارتباطات مناسب و خلاقیت محسوب می‌شود. خوش‌بینی یعنی کافی دانستن همه آنچه شما دارید برای رسیدن به زندگی رضایت‌بخش در دنیایی که مهم‌ترین تجارت و سرمایه‌گذاری آن بر تبادل اطلاعات و برقراری و گسترش کیفی و کمی ارتباطات موثر و رضایت‌بخش با افراد و سازمان‌های داخلی و خارجی می‌باشد، به طور عادی کم‌ترین تمرکز بر ابعاد جسمی و بیشترین تاکید بر تفکر خواهد بود.

شاید دانستن این موضوع جالب به نظر برسد که برای بسیاری از کارفرمایان، بهره‌وری و میزان بازده کاری شما، مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری برای تداوم همکاری با شماست. بنابراین با تغییر جملاتی که درباره فرد توانمند در ذهن خود تکرار می‌کنیم، می‌توانیم از آن بخش عظیمی از استعدادها و توانایی‌های نهفته در وجود خود به بهترین نحو استفاده کنیم و با علاقه و تلاش به هدف‌های با ارزش خود نزدیک شویم و با برداشتن گام‌های موفقیت‌آمیز احساس شادی و رضایت در زندگی را تجربه کنیم. ♦



ثبت نام کردند که از این تعداد ۱۶ مقاله به مرحله پذیرش نهایی راه یافته و امروز ۷ مقاله از این تعداد ارائه می‌شود. همچنین ۵ مقاله منتخب که فرصت آرایه در کنفرانس را ندارند به صورت پوستر برای آگاهی علاقه مندان در حاشیه کنفرانس اکران شده است.

ممیز تاکید کرد: امیدواریم این کنفرانس به حرکتی علمی و فیزیکی در جامعه برای بسط کارآفرینی اجتماعی تبدیل شود.

دکتر محمدرضا زالی رئیس دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران از دیگر سخنرانان مراسم افتتاحیه کنفرانس با اشاره به اینکه کارآفرینی اجتماعی زاینده امروز و دیروز نیست و پیشینه آن به بنیاد های نیکوکارانه قدیم بازمی‌گردد، گفت: امروزه کارآفرینی اجتماعی به موضوعی مهم در دانشگاه تبدیل شده و بین توسعه کشور و کارآفرینی اجتماعی رابطه ای مستقیم وجود دارد و همین مسئله نشان دهنده اهمیت کارآفرینی اجتماعی است.

زالی افزود: دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران اولین دانشکده کارآفرینی در خاورمیانه و همچنین جهان اسلام است و با وجود محدودیت های فیزیکی تلاش شده است گرایش کارآفرینی اجتماعی را در مقطع کارشناسی ارشد ایجاد کنیم تا از این طریق گامی در جهت گسترش این مفهوم در جامعه برداریم.

و کاربردی رعد با هدف تسهیلگری در ادامه تحصیلات دانشجویی افراد دارای معلولیت، موفق به کسب مجوز و تأسیس شد و در حال حاضر این دانشکده در ۶ رشته تحصیلی با ۵۳۰ نفر دانشجو مشغول فعالیت است که ۱۵ درصد از دانشجویان را افراد توان یاب و ۸۵ درصد دیگر را افراد غیر معلول تشکیل می‌دهند.

رسولیان تأسیس دفتر کارآفرینی و اشتغال در سال ۹۲ را یکی از بخش های فعال این مجتمع دانست و افزود: این دفتر فعالیت های گسترده ای در زمینه تفکیک، انتخاب و جذب کارجویان توان یاب انجام می دهد. همچنین فروش محصولات خوداشتغالی معلولان، انجام قراردادهای کاری و تشکیل بانک اطلاعاتی معلولان جویای کار و تکمیل رزومه آنان را از دیگر فعالیت های این دفتر عنوان کرد.

عضو هیأت مدیره رعد گفت: این مجتمع دارای واحد توانبخشی، فیزیوتراپی، واحد روانشناسی و واحد مددکاری است و علاوه بر حمایت از تأسیس مراکز رعد در استان هایی همچون خراسان رضوی، البرز، زنجان، کرمان، سمنان و قم، تفاهم نامه همکاری با انجمن ضایعات نخاعی را نیز منعقد کرده است.

دکتر آیت اله ممیز دبیر علمی کنفرانس با اعلام محورهای اصلی همایش گفت: در این کنفرانس ۶ حوزه دین و فرهنگ، چالش ها، مسئولیت پذیری اجتماعی، اسناد بالادستی و قانون گذاران و ارتباط نظام های مدیریتی و سازمان های دولتی با کارآفرینان اجتماعی، بررسی می شود. وی افزود: برای این کنفرانس ۴۵ مقاله

و حامیان ثروتمند آنان، فعالیت های اجتماعی امروزی را انجام می‌دادند، پس از آن دولت ها عهده دار این مسئولیت شدند اما ناکامی دولت ها منجر به ورود سازمان های مردمی به خدمات اجتماعی شد و بعدها کارآفرینی اجتماعی به خلق ارزش های اجتماعی پرداخت.

آراستی با تاکید بر تفاوت های کارآفرینی اقتصادی و کارآفرینی اجتماعی ادامه داد: هدف اصلی در کارآفرینی اقتصادی سودآوری است اما در کارآفرینی اجتماعی حتی اگر سودی حاصل شود، اولویت ایجاد ارزش های اجتماعی است. همچنین یکی از عمده ترین چالش های پیش روی کارآفرینی اجتماعی کمبود منابع مالی است که با گسترده شدن رقابت ها بین سازمان های اجتماعی عمیق تر نیز می شود و عدم وجود شاخص های اندازه گیری اثرگذاری این سازمان ها از دیگر چالش های مهم کارآفرینان اجتماعی است.

دکتر مریم رسولیان، رئیس کنفرانس ملی و عضو هیأت مدیره رعد با معرفی تجربه تأسیس مجتمع رعد، گفت: سال ۶۳ با گذشت ۴ سال از جنگ و افزایش آسیب های انسانی، تأسیس رعد به عنوان سازمانی مسئولیت پذیر اتفاق افتاد.

وی با اشاره به آموزش مهارت های فنی و حرفه ای در مجتمع رعد، افزود: فعالیت آموزشی این مجتمع در ابتدا با ۵ نفر که ۲ نفر جانباز و ۳ نفرشان سالم بودند در درمانگاه غیاثی در محله یافت آباد شروع شد و بعدها در سال ۷۱ فعالیت آموزشی، فنی و حرفه ای این مجتمع به اوج رسید تا اینکه سال ۹۰ مرکز آموزش علمی

## گزارش اجمالی از برنامه افتتاحیه

# نخستین کنفرانس ملی کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولیت

شناسی این حوزه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

مهندس احمد میرزاخانی رئیس هیأت مدیره رعد به عنوان سخنران افتتاحیه کنفرانس طی سخنانی اعلام کرد: آموزش های فنی و حرفه ای به معلولان در جهت توانبخشی اصلی ترین هدف ماست که برای رسیدن به آن برنامه های آموزشی متناسب با اشتغال در این مجموعه تدوین شده و در طول ۳۰ سال خدمت پیش از ۵۰۰۰ نفر را آموزش داده است.

میرزاخانی افزود: ما در مجتمع رعد با در نظر گرفتن توانبخشی مبتنی بر جامعه به آموزش حقوق اجتماعی، مهارت های زندگی، گفتاردرمانی، فیزیوتراپی و همچنین آموزش خانواده معلولان در کنار آموزش های مهارتی و علمی کارآموزان پرداخته ایم که تأسیس مرکز آموزش علمی کاربردی رعد در همین راستا و برای تأمین آموزش برای زندگی بهتر مددجویان اجرا شده است.

دکتر زهرا آراستی یکی از روسای کنفرانس و سخنران مراسم افتتاحیه با بیان این نکته که امکانات فعلی کشور پاسخگوی نیاز معلولان نیست، گفت: امیدواریم کنفرانس امروز شروع راهی برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در کشور باشد.

وی با توضیح مفهوم کارآفرینی، افزود: پیشرفت کارآفرینی اجتماعی در ۳۰ سال گذشته بسیار قابل توجه بوده به طوری که پیشرفت های ۳ دهه فعالیت اجتماعی با تحولات ۳ قرن کار اقتصادی قابل مقایسه است و در گذشته سازمان های مذهبی

نخستین کنفرانس ملی کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولیت، روز چهارشنبه سیام مهرماه با شعار «مسئولیت اجتماعی ما چیست؟» در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار شد.

مهدیه نجفی زاده دبیر کنفرانس ملی کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولیت، در توضیح اهداف این فعالیت گفت: این کنفرانس از سوی مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با همکاری دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران با هدف ترویج کارآفرینی اجتماعی و افزودن غنای علمی این حوزه، معرفی توانمندی های معلولان به فعالان اجتماعی و ایجاد هم افزایی میان آنها برگزار شد، او یادآوری کرد: در این کنفرانس دکتر احمد روستا، فیروزه صابر، دکتر زهرا آراستی، و دکتر حسین خنیفر مقالات خود را ارائه کردند و همچنین دکتر مریم رسولیان، مهندس منصور برجیان، منصوره پناهی، دکتر رمضان جهانداری، مهندس محمد موسوی گزارش هایی از تجارب موفق سازمان های مردم نهاد در حوزه کارآفرینی اجتماعی ارائه دادند.

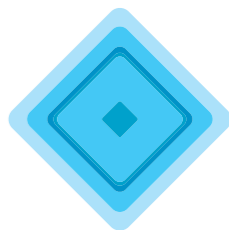
وی اعلام کرد: میزگرد علمی این کنفرانس با عنوان «نقش اسناد بالا دستی، قانون گذاران و دولت در کارآفرینی اجتماعی» با حضور دکتر علی صابری، عضو شورای شهر تهران، دکتر محمد کمالی، رییس مرکز تحقیقات توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران، دکتر ناصر عبادتی، مشاور شورای شهر تهران و چند تن از صاحب نظران برگزار شد و راهکارهای ارتقا و ترویج کارآفرینی افراد دارای معلولیت و همچنین آسیب



شماره ۵۴ زمستان ۱۳۹۳

شماره ۵۴ زمستان ۱۳۹۳





## شهرزاد چهره نگار: هر کسی با هر توانایی، می تواند به شغل مناسب خود دست یابد



**همکاری شما با دفتر کارآفرینی و اشتغال مرکز رعد در چه حوزه‌ای است؟**

چهره‌نگار: وقتی که دفتر کارآفرینی در مرکز رعد تاسیس شد، سایتی را راه‌اندازی کرد و قرار شد یک ارزیابی اولیه بر روی افرادی که در این سایت ثبت‌نام می‌کنند انجام شود. هدف از این ارزیابی آشنایی با شرایط جسمی روحی و توانایی‌های افراد جویای کار بود تا بتوانیم با شناخت کامل، آنها را به کارفرماهای داوطلب معرفی کنیم. مراحل کار به این صورت است که افراد توانیاب جویای کار چه از کارآموزان رعد باشند و چه نباشند، می‌توانند با مراجعه به سایت، نام‌نویسی کرده و فرم پر کنند. بعد از بررسی این فرم‌ها توسط دفتر کارآفرینی، متقاضیان به نوبت برای ارزیابی اولیه به مرکز دعوت می‌شوند و از نظر مواردی مثل بهره‌هوشی، قضاوت و سازگاری با محیط مورد بررسی قرار می‌گیرند.

**در مورد ارزیابی اولیه بیشتر توضیح دهید؟ نقش شما در این ارزیابی‌ها چگونه است؟**

چهره‌نگار: همه افراد با هر بهره‌هوشی می‌توانند کاری را انجام دهند، کسی که از هوش بالاتری برخوردار است توانایی انجام کارهای بیشتری را دارد و افرادی هم که از بهره‌هوشی معمولی یا پایین‌تری برخوردارند، می‌توانند کارهای مناسب

بله. بعضی مواقع افراد سرکار فرستاده شده‌اند ولی پس از مدتی بیرون آمده‌اند و حتی بعضی از آنها چندین بار سرکار رفته‌اند ولی ادامه نداده‌اند. بنابراین قرار شد که من و خانم کریم‌خانی برای افرادی که قرار است به کار معرفی شوند کلاس‌های رفتار سازمانی برگزار کنیم. این جلسات دو ساعته و گروهی برگزار می‌شوند و تعدادی از متقاضیان کار در آن شرکت می‌کنند. هدف این کلاس‌ها تفکیک محیط کار و مقتضیاتش با خانه است. به بچه‌ها گفته شود که محل کار با محیط خانه فرق دارد، در محل کار کارفرمایی وجود دارد که به شما حقوق می‌دهد و در قبال آن از شما انتظاراتی دارد. وقتی که با هر شرایط جسمی قبول کردی که کار کنی، باید تلاش کنی توانایی‌های خودت را در محیط کار نشان دهی. بنابراین سعی نکنید از شرایط جسمی خود سوء استفاده کنید و بخواهید امتیاز بگیرید. اگر یکی دو بار هم توانستید امتیاز بگیرید، قطعاً نمی‌توانید ادامه دهید.

در این جلسات به توانیابان توصیه می‌کنیم که احترام کارفرما و همکاران خود را داشته باشد و قوانین را رعایت کند. اینکه بگویید من توانیاب هستم و راهم هم دور است و به این دلیل دو ساعت دیرتر سرکار حاضر شوید، برای کارفرما قابل قبول نیست. یعنی انتظار استثنای قائل شدن را نداشته باشید. اغلب توانیابان دوست ندارند که برایشان دلسوزی شود ولی بعضی‌ها اگر بدانند می‌توانند از شرایط جسمی خود استفاده کنند، این کار را می‌کنند. من همیشه به آنها می‌گویم که خودشان را با یک فرد تندرست مقایسه کنند و سعی کنند به توانایی‌های حرفه‌ای بیشتری برسند که کارفرما با وجود معلولیت، آنها را انتخاب کند. اگر بگویی من مدرک کامپیوتر دارم، زبان هم می‌دانم و مثلاً در فلان رشته هم مدرک فنی و حرفه‌ای دارم در این شرایط کارفرما تو را به یک فرد تندرست ترجیح می‌دهد. در این کلاس‌ها به توانیابان آموزش می‌دهیم که توقعات خود را پایین بیاورند و در عین احترام گذاشتن به دیگران، اعتماد به نفس داشته باشند. ما راجع به اعتماد به نفس خیلی با آنان صحبت می‌کنیم. به آنها توصیه می‌کنیم که وارد حاشیه‌های کاری نشوند و فقط کار خود را انجام دهند. به آنها می‌گوییم که از خودشان انتظارات واقع‌بینانه داشته باشند. وقتی روی ویلچر نشسته‌اند، انتظار به‌دست آوردن مدال در مسابقات دو میدانی از خود

نداشته باشند، ولی بدانند که می‌توانند در مسابقه ویلچررانی اول شوند! کریم‌خانی: در کلاس‌های رفتار سازمانی به بچه‌ها می‌گوییم که رفتار در محیط کار، رفتاری نیست که در خانه و یا در مرکز رعد با شما دارند. از نظر تئوری در جایی که بالاترین رضایت کارکنان و بالاترین میزان بهره‌وری وجود داشته باشد، آنجا است که رفتار سازمانی اعمال گردیده است. در اینجا بحث ما با کارکنان است که یاد بگیرند چطور می‌توانند خودشان بیشترین رضایت را در کار و بیشترین بهره‌وری را برای کارفرما داشته باشند. این احساس رضایت، نهایتاً منجر به آرامش روانی برای خودشان و پیشرفتشان در کار می‌شود. هدف از برگزاری این کلاس‌ها این است که افراد بتوانند خود را با محیط کار تطبیق دهند.

**وقتی که توانیابان مشغول به کار می‌شوند ارتباط آنها با شما قطع می‌شود یا هنوز ادامه دارد؟**

چهره‌نگار: حتماً ادامه دارد. اصلاً قسمت دیگری از فعالیت ما مربوط به پیگیری افرادی است که به کار مشغول شده‌اند.

معمولاً دو ماه پس از شروع به کار این افراد، یک جلسه بازخورد می‌گذاریم و از آنها دعوت می‌کنیم به صورت گروهی در این جلسه حاضر شوند. در این جلسات بچه‌ها تجربیات خود را با یکدیگر رد و بدل می‌کنند و در خیلی از موارد متوجه می‌شوند که مشکلاتشان با یکدیگر مشترک است. ما هم در این جلسات از این مشکلات باخبر می‌شویم و راهنمایی‌های لازم را انجام می‌دهیم. مثلاً می‌گوییم که کجا حق با آنهاست و کجا حقشان نیست و در جایی هم که حق با آنهاست چگونه می‌توانند حقشان را بگیرند.

**این مشکلات بیشتر شامل چه مواردی است؟**

چهره‌نگار: یکی از مشکلات آنها مساله رفت و آمدشان به محل کار است. اکثری می‌گویند

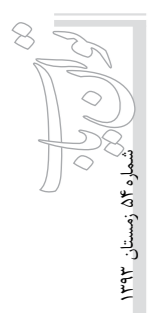
را همان دور است و دادن پول سرویس شهرداری یا آژانس برایمان سنگین است. سعی می‌کنیم قانعشان کنیم که هزینه رفت و آمد به محل کار با خودشان است و به هر ترتیب باید سعی کنند که سر وقت در محل کار حاضر باشند. به آنها می‌گوییم؛ این مشکل را با کارفرما مطرح کنید ولی توقع این که او سرویس رفت و آمد برایتان بگذارد و حقوق هم بدهد، انتظار نایجابی است. مشکل دیگر در مورد دستمزدهایشان است که فکر می‌کنند باید پول بیشتری بگیرند. برایشان توضیح می‌دهیم که در خیلی از ممالک پیشرفته دنیا، کسی که می‌خواهد وارد بازار کار شود باید سابقه کار داشته باشد و برای همین ممکن است ماه‌ها بدون حقوق و داوطلبانه در جایی کار کند تا سابقه پیدا کند. به بچه‌ها توضیح می‌دهیم که از همان اول نباید انتظار حقوق بالا داشته باشند و بیشتر به دنبال خوب کار کردن و کسب تجربه باشند. می‌گوییم، تلاش کنید و تجربه کسب کنید تا پله پله بالا بروید.

کریم‌خانی: عده‌ای از افرادی که در دفتر کارآفرینی رعد فرم پر می‌کنند کسانی هستند که با رعد ارتباطی نداشته و از طریق سایت ثبت‌نام کرده‌اند و گروهی هم هستند که در رعد دوره دیده‌اند. آن‌چه که من دیده‌ام این است که کارآموزان رعد کمتر از گروه دیگر آمادگی حضور در محیط کار را دارند. معمولاً تصور این افراد نسبت به خودشان غیر واقعی است و انتظار دارند در یک پست خیلی مهم مشغول به کار شوند. در صورتی که در محیط کار، کسانی واجد شرایطند که اهل کار کردن باشند، نه این که به‌صورت تئوری چیزهایی یاد گرفته باشند.

**حمایت‌های شما از این افراد تا چه زمانی ادامه دارد؟**

چهره‌نگار: قرار نیست حمایت ما از بچه‌ها به مدت طولانی ادامه داشته باشد. چون نمی‌خواهیم به ما وابسته باشند و فکر کنند که نقش مادری برایشان داریم. این حمایت‌ها مدت کوتاهی ادامه پیدا می‌کند تا هم خودمان اشکال کارمان را بفهمیم و

بعضی از توانیابان، قضاوت خود ندارند و انتظاراتشان نیز از محیط کار درست نیست که باید آموزش‌های لازم را به آنها داده شود





در عین حال، کارفرما هم بداند که کسانی هستند که دنبال حق و حقوق این افرادند. این حمایت‌ها تا دو، سه ماه اول شروع به کار توانیابان وجود دارد. البته دفتر کارآفرینی رعد، با تعدادی از اعضای علاقمند در گروه جوانان جلساتی ترتیب داد و قرار شد هرچند وقت یک بار با توانیابانی که مشغول به کار شده‌اند، از طریق تماس تلفنی و بدون معرفی خودشان، از شرایط کاری آنها باخبر شوند.

**به هر حال بحث کار و اشتغال یک بحث دوطرفه است که یک طرف آن هم کارفرماست. آیا شما قبل از معرفی توانیابان به محل کار، با کارفرما هم صحبت می‌کنید؟**

چهره‌نگار: خانم کریم‌خانی چندین سال در یکی از کارخانه بزرگ صنعتی، کار مددکاری و روانشناسی می‌کرده‌اند و دید صنعتی خیلی خوبی دارند. یکی از کارهایی که ایشان می‌کنند این است که قبل یا بعد از اینکه بچه‌ها سرکار بروند، محیط کار را می‌بینند و با کارفرما صحبت می‌کنند.

کریم‌خانی: من مدت دوازده سال در یک مرکز صنعتی به عنوان مشاور کار کرده‌ام و به دلیل این تجربه، با محیط‌های کاری و مشکلات کارکنان به خوبی آشنا هستم و می‌دانم قبل از شروع به هر کاری حتماً محیط کار باید دیده شود، چون شرایط محیط کار بر کار کارکنان بسیار تاثیر گذار است. در مورد توانیابان خصوصاً با توجه به مشکلات جسمی و شرایط بدنی آنان نیاز است که حتماً محیط کار آنها مناسب‌سازی شده باشد. این مناسب‌سازی شامل صندلی که فرد از آن استفاده می‌کند که باید از نظر ارگونومی شرایط لازم را داشته باشد، گرمایش و سرمایش محل کار، داشتن آسانسور و دستشویی‌های مناسب‌سازی شده و... است. از طرفی حضور من در محل قبل از شروع به کار، این اثر را دارد که کارفرما بداند این فرد پشتیبان دارد و نظارتی بر محیط کار او وجود دارد. البته این نظارت به صورت نامحسوس است، در غیر این صورت موجب تکیه بچه‌ها به ما می‌شود. وقتی من به محیط کار می‌روم اولاً هدفم این است که محیط را ببینم و از طرفی با کارفرما هم آشنا شوم و ببینم آیا فرد موجهی هست یا نه؟ معمولاً من زمانی به محیط کار می‌روم که یا بچه‌ها در محل کار نباشند و یا به طور ناشناس می‌روم که

مرا نشاناسند. در جلساتی که با کارفرمایان دارم در مورد شرایط جسمی و روانی توانیابان صحبت می‌کنم و آنها را آماده می‌کنم که رفتار مناسب و درخوری با آنها داشته باشند. در شرایطی هم که محیط کار نیاز به مناسب‌سازی داشته باشد این نکات را هم به کارفرما منتقل می‌کنم.

**آیا کارآموزان رعد، در کنار دوره‌های آموزشی، مباحثی هم در جهت آماده شدن و آشنایی با مسایل کار دارند؟**

چهره‌نگار: تا به حال سمینارها و کارگاه‌هایی در رابطه با خلاقیت و انگیزش و رفتار سازمانی توسط واحد آموزش و دفتر کارآفرینی برای کارآموزان رعد برگزار شده است. از اساتید و گروه‌هایی دعوت می‌شود که این کلاس‌ها را برگزار کنند. کارآموزانی که علاقمند باشند می‌توانند برای شرکت در این سمینارها ثبت‌نام کنند. در این کلاس‌ها رزومه‌نویسی و روش‌های ایجاد انگیزه و موفقیت در کار به آنها آموزش داده می‌شود.

**نظر تان در مورد کار در موسسه رعد چیست؟ چرا رعد را برای کار کردن انتخاب کرده‌اید؟**

چهره‌نگار: من سال‌ها در خیریه‌های دیگر به صورت داوطلبانه کار کرده‌ام و دوست داشتم در این بخش از مشکلات انسانی هم کار کنم. همیشه کارهای این‌چنینی را دوست داشتم، چون حس خوبی به من می‌دهد. منزل من نزدیک مجتمع رعد است و همیشه پیگیر برنامه‌های آن بوده و در مراسم و جشنواره‌های شرکت می‌کردم. وقتی پس از دوره‌ای دوباره خواستم به کار برگردم، تصمیم گرفتم به رعد بیایم چون دوست داشتم در حوزه توانیابان کار کنم. قبل از این که به رعد بیایم شناختی از معلولیت نداشتم و این به خاطر دید اشتباهی است که در جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت وجود دارد که همان حس ترحم و دلسوزی است و چیزی است که این افراد به شدت از آن ناراحت می‌شوند. الان خیلی خوشحالم که اینجا هستم. وقتی با بچه‌ها کار می‌کنم و می‌بینم که انگیزه‌شان بیشتر می‌شود، اعتماد به نفسشان بالا می‌رود و خودشان را می‌پذیرند و آماده می‌شوند که وارد جامعه شوند، احساس رضایت و خشنودی زیادی در من ایجاد می‌شود. ♦

ماندرتاً درباره آنچه که داریم فکر می‌کنیم، درحالی‌که پیوسته در اندیشه چیزهایی هستیم که نداریم.

آرتور شوپنهاور  
فیلسوف آلمانی  
(۱۷۸۸-۱۸۶۰ میلادی)



مدیر مرکز توانبخشی حرفه‌ای میسا:

## علاقه، شرط اول در اشتغال پایدار است

منصوره پناهی مدیر مرکز توانبخشی حرفه‌ای میسا در کشور سوئد است. او که به دعوت موسسه رعد برای شرکت در همایش کارآفرینی و اشتغال به ایران آمده، در سخنرانی خود در این همایش، با اشاره به فعالیتش در مرکز میسا، به چگونگی آماده کردن افراد دارای معلولیت جوای کار برای ورود به حوزه اشتغال پرداخت. او که مدت سی سال است در کشور سوئد زندگی می‌کند، دارای مدرک فوق لیسانس در رشته‌های کاردرمانی و روانشناسی کار است. پناهی ۲۲ سال در حوزه رشته تحصیلی خود به کار مشغول بوده و هشت سال است که مدیریت دو مرکز کارایی را در استکلهم برعهده دارد.

**نگاه به افراد دارای معلولیت در کشور سوئد چه مرحله‌ای طی کرده و حالا این افراد چه جایگاهی در جامعه خود دارند؟**

هفتاد سال پیش در کشور سوئد، افراد

با حقوق خود آشنا شدند و به دفاع از آن برخاستند. این انجمن‌ها دولت و جامعه را مجبور کردند که به خواسته‌هایشان توجه کنند و قوانین مناسبی را به تصویب برسانند. اولین قانون حمایت از افراد دارای معلولیت در سوئد، مربوط به ۳۵ سال پیش است. به مرور زمان این قوانین کامل‌تر و بهتر شدند چون این انجمن‌ها خسته نمی‌شدند و از تلاش در جهت احقاق حقوق خود کوتاه نمی‌آمدند. در ایران نیز تا آنجا که می‌دانم بیش از صد انجمن غیردولتی در حوزه معلولان در حال فعالیت هستند که این علامت خیلی خوبی است. خیلی مهم است که افراد دارای معلولیت به امید این که کسی بیاید و کاری برایشان انجام دهد نباشند، باید خودشان دست به کار شوند و از تغییرات کوچک شروع کنند. طبق تجربه‌ای که من دارم این فعالیت‌ها و پیگیری‌ها حتماً به نتیجه خواهند رسید.

**از تجربه کاری خود در مرکز تحت نظر تان در سوئد بگویید؟**

فعالیت من در این مرکز، پشتیبانی کاری است. به این معنی که افراد دارای معلولیت جوای کار به ما مراجعه می‌کنند و تحت یک ارزیابی سه هفته‌ای توسط ما قرار می‌گیرند. البته گاهی این ارزیابی‌ها تا سه ماه هم به طول می‌انجامد. این ارزیابی برای به‌دست آوردن شناخت از آنها و از توانایی‌هایشان است و این که بدانیم این افراد دنبال چه نوع کاری هستند. در خیلی از موارد خود این افراد هم نمی‌دانند چه می‌خواهند و شناخت درستی از توانایی‌های خود ندارند، فقط به دنبال کار هستند و انتظار دارند که ما کمکشان کنیم. ارتباط ما با این افراد به این گونه نیست که من در نقش یک متخصص می‌دانم که او باید چه کار کند و او که در طرف مقابل من است، هیچ چیزی نمی‌داند. این ارتباط یک ارتباط دوطرفه و متقابل با فرد جوای کار است. ما مدتی با هم وقت می‌گذرانیم، صحبت می‌کنیم و با هم به جاهای مختلف سر می‌زنیم و می‌گردیم و از همین طریق، علاقمندی‌ها و توانایی‌های او را پیدا می‌کنیم. برای مثال، من مراجعه‌کننده‌ای داشتم که به دلیل بیماری روحی، از حمام رفتن و دوش گرفتن وحشت داشت. او حمام نمی‌کرد و به همین دلیل بدنش به شدت بدبو بود. به طوری که وقتی به دیدن من می‌آمد، نمی‌توانستم بوی بدنش را تحمل کنم و باید حتماً پنجره را باز

می‌کردم. خود او هم ناراحت بود و خجالت می‌کشید اما نمی‌توانست کاری کند. وقتی با او برای بازدید از محل‌های کاری مختلف می‌رفتیم، تا مدت‌ها خودش نمی‌دانست که دوست دارد چه کاری را انجام دهد. در طول این رفت و آمدها متوجه شدم که اطلاعات خوبی نسبت به ماشین و موتورسیکلت دارد. از او در مورد علاقه‌اش به ماشین و اینکه آیا در مورد تعمیر موتور ماشین اطلاعاتی دارد یا نه، سوال کردم. او پاسخ داد در این مورد چیزی نمی‌داند ولی خیلی علاقمند به یادگیری تعمیرات ماشین است. وقتی از این علاقه‌اش مطلع شدم، یک دست لباس کار برایش تهیه کردم و به او آموزش دادم که با دستمالی بدنش را تمیز کند و او را با خود به یک تعمیرگاه ماشین بردم که محیط بازی داشت و هوای تازه در آن جریان داشت و بوی گریس و روغنی که در محیط وجود داشت، مانع از احساس بوی بدن او توسط بقیه همکاران می‌شد. این فرد با این شرایط به این تعمیرگاه معرفی و مشغول به کار شد و بعد از مدت کوتاهی به دلیل رضایتی که کارفرما از کار او داشت استخدام شد. این فرد چون به

کاری مشغول شد که به آن علاقمند بود، توانست در آن کار پیشرفت کند. من هیچ وقت به او نگفتم که خیلی بد است که تو بوی عرق می‌دهی و باید حتماً خودت را بشویی، چون این فرد به دلیل مشکل روحی نمی‌توانست حمام کند. من با قبول این شرایط، او را به جتهی که به آن علاقمند بود هدایت کردم.

**پس روش شما به این‌گونه است که براساس شناخت علاقه‌ی فرد دارای معلولیت، برایش کاریابی کنید، نه این‌که شما تشخیص دهید که چه کاری برایش بهتر است؟**

بله، دقیقاً همین‌طور است. اصل بر علاقه

و میل شخصی هر فردی است. البته این افراد معمولاً نمی‌دانند که علاقه یا نیازشان چیست ولی ما از راهکارها و ابزارهایی استفاده می‌کنیم که بفهمیم علاقه آنها چیست؟ آشنایی با این راهکارها نیاز به آموزش دارد و فردی که به عنوان مربی در این مراکز کار می‌کند، حتماً باید آموزش ببیند و راهکارهایی را بیاموزد تا بتواند نیاز و علاقه مراجع‌کنندگان را بفهمد. فرد مربی، هم خودش باید آموزش‌هایی را ببیند و هم به افراد دارای معلولیت آموزش‌های لازم را بدهد. یک فرد کند ذهن را در نظر بگیرید که می‌خواهد در قسمت بایگانی اداره‌ای کار کند. مربی از طریق رنگ‌ها به او آموزش می‌دهد که مثلاً پوشه‌ای که رویش دایره قرمز رنگ است را در قفسه یا فایل قرمز رنگ قرار دهد. او یاد می‌گیرد و مشغول به کار می‌شود.

**آمیختگی با شغل یعنی فرد دارای معلولیت را با همان شرایط جسمی‌ای که دارد بپذیریم و سعی کنیم استعداد و علاقه‌اش را پیدا کرده و در آن جهت، به او آموزش داده و حمایتش کنیم. این دید نباید وجود داشته باشد که من به عنوان یک کارشناس و متخصص، بهتر می‌دانم که چه کاری برای تو مفید است. بلکه این تو هستی که مهمی و شایسته‌ای و من مفتخرم که با تو کار می‌کنم.**

فرق نمی‌کند که فرد چه نوع معلولیتی داشته باشد. فلسفه کار ما این است که همه افراد با هر نوع محدودیتی، باید بتوانند کار کنند و نتوانند هیچ کاری انجام دهند. من به عنوان یک مربی باید بدانم که با چه زبانی و با چه راهکاری انگیزه و موتور محرک فرد را پیدا کنم و از آن کمک بگیرم تا به هدف نهایی که همان اشتغال اوست برسم.

**آیا کارفرمایان در آن کشور (سوئد) به راحتی این افراد را می‌پذیرند؟**

بستگی به این دارد که افراد چگونه به آنها معرفی شوند و چگونه آموزش دیده باشند. ما قبل از این‌که فردی را به محل کار ببریم با او مصاحبه‌هایی را تمرین می‌کنیم؛ این‌که چطور صحبت کند، چه سوال‌هایی بپرسد و چه جواب‌هایی بدهد که کارفرما احساس کند او علاقمند به کار است. خود ما هم قبل از معرفی افراد به محیط کار با کارفرما

صحبت می‌کنیم و خودمان و شرکت را معرفی می‌کنیم و توضیح می‌دهیم که با افراد دارای معلولیتی که علاقمندند کار کنند در ارتباطیم. می‌گوییم این افراد نیاز به حمایت دارند، ما این حمایت را انجام می‌دهیم ولی از شما می‌خواهیم که اجازه بدهید در محیط کارتان به کاری مشغول شوند. کارفرما وقتی ببیند شخص علاقمند است و کارش را هم خوب انجام می‌دهد پس از مدتی او را استخدام می‌کند.

**افرادی را که به سرکار می‌فرستید، از جانب شما مورد پشتیبانی و حمایت قرار می‌گیرند؟**

بله، تا وقتی که نیاز باشد این حمایت از آنها وجود دارد. ما افرادی را داشتیم که حتی تا ۵ سال بعد از شروع به کارشان هنوز با آنها در تماس بودیم و به آنها سر می‌زدیم. ممکن است در روزهای اول مربی مجبور باشد تمام مدت با این شخص در محل کارش حاضر شود، ولی به مرور این ارتباط کم می‌شود و به ماهی یک بار و حتی به یک پیام تلفنی هرچند وقت یک بار می‌رسد. بستگی به فرد مددجو دارد. ولی ممکن است تا ۵ سال هم نیاز به این ارتباط و حمایت وجود داشته باشد.

**چه مدت است که با چنین روش‌هایی در کشور سوئد کار می‌کنید؟**

من هشت سال است که با این روش کار می‌کنم. ولی روش‌های دیگری را هم تجربه کرده‌ام. من کارگاه‌هایی را دیده‌ام که مانند ایران به افراد دارای معلولیت کارهای دستی آموزش می‌دهند. البته به نظر من به این کار شغل نمی‌گویند و بیشتر یک نوع سرگرمی است و برای این است که بچه‌ها را از خانه‌ها بیرون بکشند. این فعالیت‌ها خیلی خوب هستند ولی شغل محسوب نمی‌شوند.

**نمی‌توان به این کارها به عنوان تولید کار هنری نگاه کرد که گاه به فروش هم می‌رسند؟**

ممکن است بعضی از این کارها در سطحی باشند که به فروش بروند و درآمدزایی داشته باشند ولی اکثر این‌طور نیست. خیلی از این کارها از لحاظ هنری ارزش چندانی ندارند و نمی‌توانند درآمدزا باشند. در مراکز مخصوص معلولان ذهنی از صبح

تا عصر افراد مهره‌ها را در نخ می‌کنند و عصر که می‌روند مریبان این نخ‌ها را پاره می‌کنند و مهره‌ها را در جعبه می‌ریزند و دوباره روز بعد به همین ترتیب تکرار می‌شود. این فعالیت‌ها یک نوع تفریح است و برای فرد دارای معلولیت ذهنی خیلی هم مفید است ولی کار محسوب نمی‌شود. در حوزه اشتغال نیاز است که ارتباط چهره به چهره میان مربی و فرد متقاضی شغل وجود داشته باشد تا علاقمندی او معلوم شود. مربی و فرد دارای معلولیت باید مدتی با هم بگردند و بفهمند که این فرد به چه کاری علاقمند است و بعد از آن، آموزش‌های لازم را به او بدهند و او را به سرکار بفرستند. این ارتباط باید ادامه داشته باشد تا وقتی که، هم کارفرما و هم خود شخص احساس امنیت کند که می‌تواند مستقلاً کار کند.

من موردی داشتم که دختر جوانی بود که می‌خواست در رستوران کار کند. او کار را بلد بود و توانایی انجامش را هم داشت ولی از من می‌خواست که در محیط رستوران بنشینم تا او کار کند! من روزها می‌نشستم و کارهای روزمره‌ام را انجام می‌دادم و پس از خوردن ناهار، باهم به خانه برمی‌گشتم. بعد از مدتی به من گفت فقط موقع ناهار بیا و من مدت‌ها موقع ناهار می‌رفتم و با او ناهار می‌خوردم. بعد از دو ماه فقط هفته‌ای یک روز با او ناهار می‌خوردم. یعنی این ارتباط را نمی‌شود یک دفعه قطع کرد.

**آیا شما با انجمن‌هایی که در ایران در این خصوص فعال هستند هم ارتباط دارید؟**

خیر، ارتباط جدی با این انجمن‌ها ندارم. من در سوئد یک انجمن معلولان مربوط به فارسی زبانان ایجاد کرده‌ام و هدفم این است اشتغال حمایتی را در قاره آسیا پیاده کنم این‌ روش در امریکا، کانادا و اروپا اجرا می‌شود و من می‌خواهم این روش را به ایران هم بیاورم. اتحادیه‌ای با این نام در اروپا وجود دارد که من با آنها تماس گرفته‌ام و از این کار استقبال خوبی کردند و قول حمایت‌های آموزشی را به من داده‌اند. این کشورها به خاطر وجود نامنی در کشورهای آسیایی خودشان حاضر به شروع به این کار نیستند ولی از انجام این طرح‌ها توسط افراد دیگر استقبال می‌کنند.

**ارتباط شما با دفتر کارآفرینی و اشتغال مرکز رعد چگونه است؟**

من ارتباطم با مرکز رعد از سال پیش و از طریق خانم نجفی‌زاده و آقای دشتی شروع شده‌است. فکر می‌کنم این مرکز شروع خوبی داشته است گرچه هنوز با آن‌چه که در کشورهای اروپایی انجام می‌شود فاصله دارد.

**به نظر شما این فاصله در کجاست؟**

فاصله در این است که مرکز رعد بیشتر یک مرکز آموزشی است و سال‌هاست که به افراد آموزش می‌دهد که ممکن است آنها وارد محیط کار بشوند یا نشوند. ولی چون از آنها در محیط کار حمایت نمی‌کند، اغلب نمی‌توانند کار را ادامه دهند. مساله دیگر مساله آمیختگی با شغل است. نمی‌توانیم بگوییم که یک بانک کارایی داریم و چندین کارفرما هم هستند که نیروی کار می‌خواهند و من از میان افراد دارای معلولیت متقاضی کار، کسانی را به کارفرماها معرفی می‌کنم و تمام. این روش منجر به موفقیت نمی‌شود چون ممکن است از این ده متقاضی کار هیچکدام متناسب آن شغل نباشند. مهم‌تر از وجود جای خالی، علاقمندی فرد به آن کار است که به ادامه فعالیت او می‌انجامد.

آمیختگی با شغل یعنی فرد دارای معلولیت را با همان شرایط جسمی‌ای که دارد، بپذیریم و سعی کنیم استعداد و علاقه‌اش را پیدا کرده و او در همان جهت آموزش دهیم و حمایتش کنیم. منظورم این است که آدم‌ها را عوض نکنیم، ببینیم همانطوری که هستند در کجا می‌توانند کار کنند. نه اینکه چون می‌خواهند کار کنند باید عوضشان کنیم.

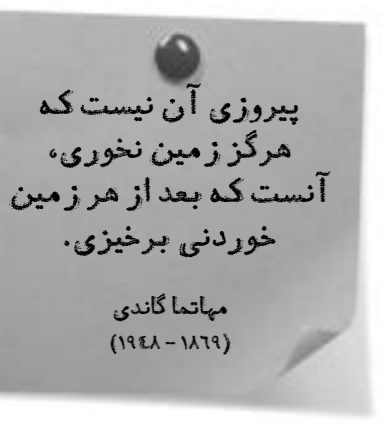
این دید نباید وجود داشته باشد که من به عنوان یک کارشناس و متخصص، بهتر می‌دانم که چه کاری برای تو مفید است بلکه این تو هستی که مهمی و شایسته‌ای و من مفتخرم که با تو کار می‌کنم. ایجاد این باور احتیاج به فرهنگ‌سازی دارد که در آموزش مربی‌ها باید به آن توجه بشود.

**برنامه دفتر کارآفرینی و اشتغال رعد هم همین مسیر را دنبال می‌کند. این دفتر تا دو سال افراد معرفی شده به کار را مورد حمایت قرار می‌دهد ولی چون نمی‌خواهد احساس وابستگی و نقش مادری ایجاد کند، این حمایت تا همیشه وجود ندارد.**

کاملاً درست است. اگر کسی احساس

وابستگی همیشگی داشته‌باشد و فکر کند که مربی همیشه باید در کنارش باشد نشان‌دهنده این است که آن مرکز درست کار نکرده و او را آماده‌ی ورود به بازار کار نکرده‌است. هدف پشتیبانی کاری، این است در فرد دارای معلولیت استقلال و خودباوری بوجود بیاورد. به او بگوید «همین که هستی کفایت و چقدر خوب است که تو همین هستی».

قرار است که من گروهی از مریبان سوئدی را به ایران برای آموزش افراد علاقمند به این کار بیاورم که این افراد پس از آموزش دیدن قادر شوند حمایت و پشتیبانی از افراد دارای معلولیت را بر عهده گیرند، کار برایشان پیدا کنند و با کارفرما در تماس باشند. هم‌چنین قرار است سمیناری با عنوان پشتیبانی کاری در آسیا، را در ایران برگزار کنیم. قرار است از کشورهای دیگر هم در این سمینار شرکت کنند تا بتوانیم این روش را در کشورهای آسیایی هم رواج دهیم.







## به امید آن روز

فاطمه سادات غفوریان، دفتر کار آفرینی و اشتغال رعد

بیکاری برای جوانان امروز معضل بزرگی است و کمبود شغل در جامعه، کوچکترین دلیل آن است. تجربه نشان داده افراد جویای کار یا به واقع به دنبال کار نیستند و یا توانمندی‌های عمومی و تخصصی کافی برای اشتغال را ندارند. این افراد با تجربه سال‌ها پشتیبانی همه جانبه پدر و مادر و شناخت نادرست از بازار کار، توقع بالایی از شغل آینده خود دارند و عملاً به جای آمادگی برای گذراندن یک مسیر رشد کاری، یک موقعیت موفق و پولساز کاری را از ابتدا انتظار دارند. متأسفانه این‌که دانشگاه‌ها هم آموزش خود را با محوریت اشتغال ارائه نمی‌کنند مزید بر علت شده و تمایل کارفرمایان به جذب تازه فارغ‌التحصیلان را بسیار پایین آورده است، زیرا جذب این افراد به معنای پذیرش ارائه یک دوره کامل آمادگی شغلی از سوی کارفرماست.

حال بر تمام این شرایط، معلولیت را نیز بیافزایید. معلولیت به این معناست که فرد در انجام برخی از کارها توانایی ضعیف‌تری نسبت به فرد سالم دارد. ممکن است این مطلب در بسیاری از افراد دارای معلولیت، موجب فعال‌تر شدن در دیگر حوزه‌ها شده باشد اما باید این واقعیت را پذیرفت که در عده زیادی از ایشان، موجب باور شکست و ضعف می‌شود. همین احساس ضعف در برخی حوزه‌ها، موجب محدود شدن مشاغل مناسب برای فعالیت افراد دارای معلولیت خواهد بود.

باز بر همه این موارد دریافت پشتیبانی همه‌جانبه از سوی خانواده را نیز بیافزایید؛ چیزی که موجب شده برخی از افراد

دارای معلولیت به واسطه شرایط خود صرفاً تبدیل به دریافت‌کنندگان خدمات شده‌باشند. در ضمن نباید فراموش نمود که تلاش‌هایی که خانواده و جامعه برای ایجاد اعتماد به نفس در این افراد نموده گاه از حد طبیعی خارج شده و موجب اعتماد به نفس کاذب هم در ایشان شده‌است. لذا ممکن است فرد با گرفتن مدارک دانشگاهی و غیردانشگاهی احساس توانمندی بیش از واقعیت داشته‌باشد و یا حتی خانواده‌ای که او را به سختی پرورش داده و حالا باور دارد که او با یک مدرک دانشگاهی وارد بازار کار شده موجب می‌شود که او تن به هر کاری ندهد و هیچ‌گونه سختی را نپذیرد. علاوه بر همه این‌ها، حذف کمک‌های مراکز مختلف به افراد دارای معلولیت در آستانه فعالیت شغلی اوست که او و خانواده‌اش را در مقابل معادله ناموزونی قرار می‌دهد که یک سوی آن دریافت کمک‌های بدون زحمت و در سوی دیگر، دریافت حقوقی اندک به‌همراه مشکلاتی نظیر سختی رفت و آمد، فشار کار و مشکلات دیگر است.

همه این مشکلات دست به دست هم داده تا اشتغال معلولان را تبدیل به مسأله‌ای پیچیده کند. البته با دیدن خیل عظیمی از افراد با اراده و حرفه‌ای از میان جمعیت افراد دارای معلولیت که خود دست به کار حضور در اجتماع و فعالیت و خدمت شده‌اند و موفقیت‌های بی‌شماری را رقم زده‌اند مشاهده‌ای مستند برای فعالیت در این راه است.

متأسفانه ارزشی که در اشتغال وجود دارد هم‌چون رازی است که تنها آنان که شاغل

هستند از ارزش و لذت آن بهره می‌برند و این امر همواره از افراد غیرشاغل مخفی می‌ماند. این احساس، احساس ارزشمندی، تاثیرگذاری و خدمت است که تبعاتی چون اعتماد به نفس راستین و موفقیت را به دنبال دارد. برای افرادی که سالها به دور از اجتماع و با باور «من نمی‌توانم» زندگی کرده‌اند، دستیابی به این ارزش‌ها می‌تواند عامل دگرگونی زندگی برای همیشه باشد.

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با تجربه سی ساله خود در ارتباط با افراد دارای معلولیت، به این راز ارزشمند واقف شده و از هر فرصتی برای راهیابی این عزیزان به حوزه اشتغال استفاده می‌کند.

در سال ۹۲ این مجتمع جهت ایجاد انسجام در این گونه فعالیت‌ها، دفتر کار آفرینی و اشتغال را تاسیس نمود تا کلیه ابعاد اشتغال افراد دارای معلولیت جویای کار را مورد بررسی قرار داده و راهکارهای مناسبی جهت نیل به این هدف را ارائه نماید.

دفتر کار آفرینی اجتماعی ضمن فراهم‌سازی موقعیت‌های مختلف شغلی برای این عزیزان، به ارائه آموزش‌های آمادگی برای اشتغال، ارائه مشاوره، ارزیابی شخصیتی افراد جویای کار و پشتیبانی‌های مختلف از این افراد پرداخته‌است. به این امید که با همکاری توانیابان مصمم جویای کار، معضل بیکاری این قشر تا حدودی کاهش پیدا کند.

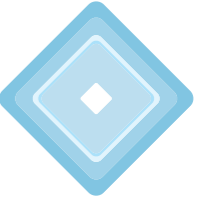
به امید آن روز

## آراستگی ظاهر در افراد مبتلا به ضایعه نخاعی و نقش آن در برقراری ارتباط موثر

نویسنده: حمید میرزاآقایی - انتشار مرکز ضایعات نخاعی

۱. پاکیزگی و تمیز بودن صندلی چرخدار و اگر این ارتباطات به خوبی انجام شود، تاثیرات بسیار مهمی در سلامت جسمی و روانی آنها خواهد داشت. یک ارتباط موفق می‌تواند علاوه بر اینکه زمینه ساز انتقال تجربیات میان انسان‌ها باشد، از منزوی شدن افراد نیز جلوگیری کند. عوامل مختلفی در شروع یک ارتباط موفق نقش دارند و یکی از آنها، آراستگی ظاهر است.
  ۲. آراستگی موها و پاکیزگی صورت
  ۳. پاکیزگی لباس‌ها و در صورت امکان استفاده از لباس‌هایی با رنگ شاد و زیبا
  ۴. واکس زدن کفش‌ها
  ۵. معطر بودن
  ۶. وجود تبسم در صورت. اگر چه بسیاری از عزیزان مبتلا به ضایعه نخاعی از دردهای مختلف رنج می‌برند و وجود تبسم در این شرایط کاری بسیار سخت است، اما با این وجود، داشتن تبسم بر لب، نشانه یک شخصیت صبور و مستحکم است.
  ۷. مودب و متین برخورد کردن
  ۸. منظم و به وقت بودن که نشانه انسان‌های خود ساخته است.
- این عوامل باعث می‌شود که یک فرد مبتلا به ضایعه نخاعی علی‌رغم مشکلات، دردها و سختی‌هایی که می‌کشد، تاثیر بسیار خوبی را بر دیگران برجای گذارد و به یک شخصیت جذب کننده تبدیل شود و زمینه نزدیکی بیشتر میان جامعه و او پدید آید که این خود باعث می‌شود جامعه شناخت بیشتری نسبت به افراد نخاعی پیدا کرده و در جهت مناسب‌سازی شرایط زندگی برای این عزیزان بیشتر کوشش نماید.
- انسان‌ها نیازمند برقراری ارتباط هستند و اگر این ارتباطات به خوبی انجام شود، تاثیرات بسیار مهمی در سلامت جسمی و روانی آنها خواهد داشت. یک ارتباط موفق می‌تواند علاوه بر اینکه زمینه ساز انتقال تجربیات میان انسان‌ها باشد، از منزوی شدن افراد نیز جلوگیری کند. عوامل مختلفی در شروع یک ارتباط موفق نقش دارند و یکی از آنها، آراستگی ظاهر است.
- اصولاً هر کسی برقراری ارتباط با افراد توانمند، خوش ظاهر و متین را دوست دارد. یک فرد مبتلا به ضایعه نخاعی به علت مشکلات عدیده‌ای که دارد، به مرور زمان ممکن است، توجهش نسبت آراستگی ظاهرش کاهش یابد و بدون آنکه متوجه شود با ظاهری درهم ریخته در جامعه حضور یابد و این خود می‌تواند تاثیری منفی در برقراری ارتباط با دیگران در پی داشته باشد. بر عکس وقتی چنین شخصی علی‌رغم داشتن دردها و مشکلات فراوان، با آراستگی ظاهر و پوششی زیبا و معطر در جامعه حضور یابد، تاثیر فوق‌العاده بر دیگران خواهد داشت و افراد در برقراری ارتباط با چنین شخصی احساس آرامش می‌کنند. این می‌تواند عاملی برای نزدیک شدن جامعه به افراد مبتلا به ضایعه نخاعی باشد. بر عکس مواردی بوده است که یک فرد مبتلا به ضایعه نخاعی بر روی صندلی چرخدار نشسته است و به وضعیت آراستگی خود توجه نداشته است و متأسفانه عابران او را با یک فرد محتاج و نیازمند اشتباه گرفته‌اند.
- انسان‌ها از افرادی که توانمند نبوده و همیشه خود را محتاج کمک دیگران نشان می‌دهند، دوری می‌جویند و این عدم توجه به ظاهر ممکن است چنین تاثیری را بر روی دیگران برجای گذارد و او را فردی ضعیف و ناتوان ببینند. پس مهم‌ترین نکاتی که یک فرد مبتلا به ضایعه نخاعی باید به آنها توجه داشته باشد به شرح زیر است:





## به جای کالای چینی، از ما بخرید!

برای دیدار و گفتگو با تعدادی از هنرمندان معرق کار به «سرای محله برق آلستوم» رفتیم. همه هنرمندان این گروه شش نفره، کارآموزان موسسه رعد در رشته معرق بودند. این افراد بعد از گذراندن کارگاه آموزشی معرق و به دست آوردن توانایی تولید در این رشته، تصمیم گرفتند گروهی تشکیل داده و با همکاری هم، تولید کنند. اسامی افراد این گروه به این ترتیب هستند؛ خدیجه عسگری، حمیده خاندان، زهرا ثابت، منصوره مقصودی، مهدیه توانا و هدی دین محمد. روزی که ما به دیدار آنها رفتیم فقط دو نفرشان حضور داشتند که با آنها به گفتگو نشستیم. دیگران به دلایلی حضور نداشتند.

### خودتان را معرفی کنید و در مورد ارتباطتان با مرکز رعد بگویید؟

**خدیجه عسگری:** من از کودکی در اثر ابتلا به فلج اطفال، دچار مشکل جسمی، حرکتی شدم. مدرک کارشناسی حقوق دارم و حدود ۵ سال در مجتمع رعد کارآموزی کردم. در مجتمع رعد دوره‌های مختلف کامپیوتری، حسابداری و معرق را گذرانده‌ام. **حمیده خاندان:** و از کارآموزان مرکز رعد هستم و در رشته معرق به مدت دو سال و نیم دوره دیدم. به طور مادرزادی در ناحیه دست و پای راستم مشکل دارم. دیپلمه هستم و علاوه بر معرق، در کلاس‌های کامپیوتر مجتمع رعد هم شرکت کرده‌ام.

### در مورد راه‌اندازی کارگاه معرق برابمان بگویید؟

**عسگری:** ما یک تیم شش نفره از



کارآموزان رعد هستیم و همه ما دوره معرق را در رعد گذرانده‌ایم. بعد از مدتی تصمیم گرفتیم کارگاهی راه‌اندازی کرده و مستقل از رعد کار کنیم. با همکاری دفتر اشتغال و کارآفرینی مرکز رعد و شهرداری منطقه، این کارگاه در سرای محله برق آلستوم در اختیار ما قرار گرفت که حدود یک سال است در آن مشغول به کار هستیم.

### شیوه کارتان به چه صورت است؟

**عسگری:** ما یکسری کار تولیدی برای نمایشگاه‌ها آماده می‌کنیم. هر جا که نمایشگاهی برگزار می‌شود، چه نمایشگاه‌های شهرداری و چه نمایشگاه‌های مرکز رعد به ما اطلاع می‌دهند و ما کارهایمان را در این نمایشگاه‌ها در معرض نمایش و فروش می‌گذاریم. در عین حال در همین کارگاه آموزش هم می‌دهیم. افراد علاقمند به کار معرق به این مرکز مراجعه و ثبت نام می‌کنند و در کارگاه ما آموزش می‌بینند. البته در تابستان کارآموزان ما بیشترند. حدود یک سال است که در این کارگاه مشغولیم و به تدریج کارمان شناخته شده‌است.

### علاوه بر کار معرق فعالیت دیگری هم در این کارگاه انجام می‌دهید؟

**عسگری:** بله، علاوه بر کار معرق، سوخته‌نگاری هم انجام می‌دهیم. دو نفر از بچه‌ها نیز کار خراش روی فلز را انجام می‌دهند که همه این آموزش‌ها را در رعد

دارد خریداری می‌کنیم. چوب را سفارش می‌دهیم و برابمان می‌آورند.

### چگونه محصولات خود را بازاریابی می‌کنید؟

**عسگری:** ما در نمایشگاه‌هایی که شهرداری منطقه و مرکز رعد سالی دوبار برگزار می‌کنند، شرکت می‌کنیم. در همین سرای محله نیز ماهانه نمایشگاهی برگزار می‌شود که در آن، کارهای کوچک و ارزان قیمت‌مان را عرضه می‌کنیم. یک سری از نمونه کارهایمان را هم به مدارس فرستاده‌ایم تا برای مناسبت‌هایی مثل روز دانش‌آموز، سفارش کار بگیریم. البته در شش ماه اول شروع کارمان، مرکز رعد در بازاریابی به ما کمک می‌کرد ولی الآن خودمان بازاریابی می‌کنیم.

**خاندان:** بیشتر کارهای ما کارهای کوچک و تبلیغاتی هستند چون متقاضیان این کارها بیشترند. کارهای بزرگ چون تولیدشان هزینه بالایی دارد و گران تمام می‌شود، کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرند. به همین دلیل ما کار بزرگ نمی‌سازیم مگر اینکه سفارش داشته‌باشیم.

**عسگری:** البته هر کدام از ما تابلوهای بزرگی هم داریم که در اوقات فراغت رویشان کار می‌کنیم. دفتر کارآفرینی رعد، ارتباط خوبی با ما دارد و این قول را به ما داده که از سازمان‌های دیگر برای ما کار بگیرد. ما می‌توانیم سفارش کارهای تبلیغاتی ارگان‌های مختلف را قبول کنیم و انجام دهیم.

**خاندان:** امیدواریم از طریق نشریه توانیاب بتوانیم بهتر شناخته شویم و بازار کار بهتری پیدا کنیم. دوستانی که می‌خواهند به دیگران هدیه بدهند یا سازمان‌هایی که در مراسم مختلف می‌خواهند از پرسنل خود تقدیر کنند می‌توانند از این تولیدات خریداری کنند و یا به ما سفارش کار بدهند.

**معرق علاوه بر این که به عنوان یک شغل برای شما درآمدی ایجاد می‌کند یک کار هنری هم هست، چه اندازه جنبه‌های هنری کار برایتان مهم است؟ آیا سعی می‌کنید کار خود را هنری‌تر و حرفه‌ای‌تر کنید تا مخاطب بهتر جذب شود؟**

**عسگری:** مسلماً هر چه کار ما حرفه‌ای‌تر و امروزی‌تر باشد استقبال از آن بیشتر خواهد شد. تلاش زیادی می‌کنیم که جنبه هنری

کارمان را ارتقا دهیم و متناسب با تقاضای بازار، تولید کنیم.

**خاندان:** البته کارهای کوچک و تبلیغاتی مثل جا کلیدی و یا تندیس‌های کوچک چون ارزان‌تر تمام می‌شوند فروش بهتری دارند و مردم بیشتر از آنها استقبال می‌کنند ولی ما سعی می‌کنیم هنر خودمان را هم ارتقا دهیم تا مشتریان بیشتری داشته‌باشیم. یک تابلوی بزرگ معرق ممکن است قیمتی بیش از یک میلیون تومان داشته‌باشد که کمتر کسی توان خریدش را دارد.

**عسگری:** ما می‌دانیم که اگر جنبه‌های هنری و حرفه‌ای کار رعایت شود به هر حال مشتری خود را خواهد داشت، گرچه ممکن است قیمت تمام شده بالاتر هم باشد. ما تولیدات خود را برای نمایشگاه‌ها و بازارچه‌ها با توجه به محل نمایشگاه، برنامه‌ریزی می‌کنیم که قرار است در چه مکان‌هایی عرضه شوند و از چه کارهایی بیشتر استقبال می‌شود. سعی می‌کنیم متناسب با مکان نمایشگاه، کارهایی را که بیشتر متقاضی دارند را تولید کنیم. از طرفی به دنبال ایده‌های جدیدتر هم هستیم تا بتوانیم کیفیت کارمان را بالا ببریم.

### چه توصیه‌ای به دوستان خود دارید؟

**عسگری:** من به آنها توصیه می‌کنم که مستقل فکر کنند و به آینده خود واقع‌بینانه نگاه کنند. فقط به فکر گذران حال نباشند. سعی کنند از تجربه و آموزشی که دیده‌اند حداکثر استفاده را ببرند تا بتوانند روی پای خود بایستند. به نظرم بچه‌هایی که آموزش‌هایی را دیده‌اند، می‌توانند دور هم جمع شوند و کاری راه بیندازند. به هر حال هر کدام از این افراد تجربه و ایده‌ای دارد که وقتی با هم جمع شوند می‌توانند از همه این تجارب استفاده کرده و در جهت پیشرفت و بهبود کارشان استفاده کنند. به نظرم با هم کار کردن می‌تواند نتیجه بهتری داشته‌باشد تا اینکه هر کسی برای خودش کار کند.

من با این که لیسانس داشتم ولی چون دیدم نیاز دارم که دوره‌های کامپیوتر و حسابداری را هم بیاموزم به مرکز رعد آمدم و این کلاس‌ها را گذراندم و مدرک فنی حرفه‌ای را هم گرفتم. ولی بعد دیدم که با توجه به شرایط جسمی‌ام امکان کار در محیط‌های اداری را ندارم چون این مکان‌ها معمولاً مناسب‌سازی نشده‌اند. به همین دلیل به هنر معرق روی آوردم و الآن با سایر دوستان در این کارگاه کار می‌کنم

و درآمد هم دارم. بچه‌ها باید ببینند در چه زمینه‌هایی می‌توانند کار کنند و در چه کاری می‌توانند موفق باشند.

**خاندان:** به نظرم ایجاد انگیزه در کارآموزان خیلی مهم است. اگر بچه‌ها انگیزه کافی نداشته‌باشند یا احساس کنند قادر به انجام کاری نیستند، اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند و زندگی کردن برایشان سخت می‌شود. باید تلاش کنند کاری را یاد بگیرند و روی پای خودشان بایستند.

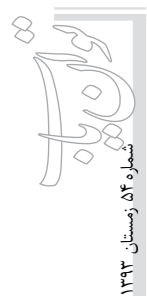
**عسگری:** متأسفانه خیلی از سازمان‌ها برای تهیه چنین محصولاتی از کالاهای چینی که بازار را اشباع کرده‌است، استفاده می‌کنند در صورتی که آنها می‌توانند با خریداری کالاهایی که افرادی مثل ما تولید می‌کنند به اشتغال و استقلال‌مان کمک کنند.

**خاندان:** من از دوستان می‌خواهم آنچه را که یاد گرفته‌اند به دوستانشان هم یاد بدهند. فکر نکنند که اگر آموخته‌های خود را به دیگران بیاموزند آنها رقیبشان خواهند شد، بلکه آنها همکارشان خواهند بود.

### چشم‌اندازتان برای آینده شغلیتان چیست؟

**عسگری:** امیدوارم بتوانیم کار خود را گسترش دهیم و درآمدزایی بهتری پیدا کنیم. درست است که پشتیبان ما مرکز رعد است ولی تا چه زمانی می‌توانیم به رعد تکیه کنیم؟ باید بتوانیم روی پای خود بایستیم و استقلال کاری پیدا کنیم. برنامه دوستان ما این است که در آینده هر کدام بتوانند کارگاه مستقلی را راه‌اندازی کنند و هر کسی بتواند کارش را اداره کند. هدفمان این است و امیدواریم به این مرحله برسیم.

**خاندان:** امیدوارم همه دوستانم به آرزوهای قشنگشان برسند و روزی بیایند که همه افراد دارای معلولیت بتوانند به استقلال مالی برسند و هیچکدام بیکار نباشند. ♦







## وقتی که عشق، همه خلاها را پر میکند!

برای گفتگو با یک زوج هنرمند به خانه آنان رفتیم. خانه‌ای که پر بود از آثار هنری دستساز و دیدنی. آثار ارزشمندی که این خانه را به یک گالری هنری مبدل کرده بود. ولی عشقی که در فضای این خانه موج میزد، دیدن این آثار را لذتبخش‌تر و ماندن در آن فضا را برای ما دلچسب‌تر کرده بود. در همین فضا بود که با فیروزه احمدی و مهرج بریمان زوج هنرمندی که سال‌هاست در یک زندگی بسیار صمیمی با هم به سر میبرند به گفتگو نشستیم. در اولین سوال از آنها خواستیم که خود را معرفی کنند و چنین آغاز کردند: فیروزه احمدی، کارشناس رشته مشاوره روانشناسی هستم و در یک

شرکت بازرگانی مشغول به کارم. مشکل جسمی من ابتلا به دیستروفی عضلانی است که از ده سالگی ام شروع شد و به جایی رسید که در سن بیست و یک سالگی مجبور به استفاده از ویلچر شدم.

مهرج بریمان هستم، کارشناس رشته آهنگسازی و نوازندگی ایرانی. کار اصلی من مرمت و بازسازی آثار باستانی است ولی برنامه‌سازی تلویزیونی را هم انجام میدهم.

**چگونه با هم آشنا شدید که به ازدواجتان منجر شد؟**

فیروزه: ما در مرکز رعد کرج با هم آشنا شدیم. من قبل از ازدواج دیپلم کامپیوتر

داشتم. در سال ۷۷ بعد از آشنا شدن با مرکز رعد در کلاس‌های فنی و حرفه‌ای آن شرکت می‌کردم ولی به دلیل مشکلات رفت و آمد به تهران نتوانستم به این کار ادامه دهم تا اینکه شعبه رعد در سال ۸۱ در کرج تاسیس شد و من ادامه کلاس‌هایم را در این مرکز دنبال کردم. من از اولین افرادی بودم که در آنجا ثبت‌نام کردم و مشغول به فعالیت شدم. در آن زمان رعد کرج یک نشریه داخلی راه اندازی کرد که من در قسمت صفحه‌آرایی آن مشغول به کار شدم. گاهی هم مطالبی مینوشتم که در نشریه به چاپ میرسید. این فعالیت‌ها بسیار برایم رضایت‌بخش بود و از لحاظ روحی خیلی به من کمک میکرد. در سال ۸۳ همسرم به همراه آقای هدایی در مرکز رعد کرج یک کارگاه صنایع دستی به منظور اشتغال معلولان راه‌اندازی کرد. من هم در این کارگاه مشغول به آموزش و کار شدم. همسرم علاوه بر آموزش صنایع دستی، محصولات تولیدشده را در نمایشگاه‌ها عرضه میکرد و به فروش میرساند. این آشنایی‌ها منجر به ازدواج ما در سال ۸۴ شد.

مهرج: ازدواج ما اتفاق مبارکی بود که ربطی به معلولیت همسرم نداشت. این آشنایی ممکن بود در یک جمع فامیلی یا مثلاً در محیط دانشگاه هم اتفاق بیفتد. یعنی علاقه و رابطه‌ای که ایجاد شد ارتباطی با مشکل جسمی همسرم نداشت و اگر ایشان با این مشکل روبه‌رو هم نبود، این اتفاق می‌افتاد. به هر حال بعد از آشنایی ما با هم در کلاس‌های مرکز رعد کرج، به تدریج علاقه‌ای در من شکل گرفت و بعد از آشنا شدن با خانواده ایشان در تصمیم به ازدواج مصمم‌تر شدم. باید بگویم که من زندگی را مدیون آقای دکتر مهدی هدایتی هستم. ایشان در زمینه‌های مختلف استاد من بوده‌اند. در بحث ازدواج و انتخاب فیروزه هم با ایشان مشورت کردم که من را به این کار ترغیب نمودند.

### برخورد خانواده‌هایتان با ازدواج شما چگونه بود؟

مهرج: وقتی خانواده‌ام مطلع شدند که میخواهم با دختری که دارای مشکل جسمی است ازدواج کنم در برخورد اول مخالفت کردند که البته طبیعی بود. ولی در اولین جلسه آشنایی خانواده‌ها با همدیگر، نظرشان کاملاً تغییر کرد و

به فیروزه علاقمند شدند. بعد از آن هم هیچگونه مشکلی در این رابطه نداشتیم.

فیروزه: وقتی مهرج از من خواستگاری کرد خوشحال شدم اما مطمئن بودم که خانواده او به راحتی موافقت نخواهند کرد. خودم را به جای پدر و مادر ایشان می‌گذاشتم و میدانستم که آنها مثل هر خانواده دیگری راحتی و آسایش فرزندشان را میخواهند و این در حالی بود که موافقت خانواده همسرم برای من بسیار مهم بود. مهرج در جواب این نگرانی من را قانع کرد که در زندگی شخصی خود، همیشه آزادی عمل داشته و از موافقت خانواده‌اش مطمئن است. من قبول کردم ولی این شرط را گذاشتم که اگر خانواده او در ابتدا مخالفت کردند هیچ وقت به من نگوید، چون ممکن است این دلچرکینی برای همیشه با من بماند. چیز دیگری که از همسرم خواستم این بود که هر وقت از من خسته شد و مایل به ادامه زندگی با من نبود، اول از همه به خودم بگوید. چون من اصلاً راضی به ادامه زندگی‌ام به هر قیمتی نبودم.

وقتی که خانواده ایشان برای خواستگاری آمدند مادرشان که زنی بسیار با ایمان و فرهنگ هستند، به من گفتند آن چنان مهتر بر دلم نشسته که هیچ مانعی را در راه ازدواج شما نمی‌بینم. واقعا هم در این نه سال که از زندگی مشترک ما میگذرد هیچ وقت مشکل جسمی‌ام را مطرح نکرده و همیشه از من حمایت کرده‌اند و هر وقت هم کاری که از دستشان برآمده از من دریغ نکرده‌اند. من از این لحاظ همیشه خدا را شکر میکنم.

### خانواده شما چگونه با این ازدواج برخورد کردند؟

فیروزه: وقتی با خانواده‌ام در مورد پیشنهاد ازدواج از طرف مهرج صحبت کردم، گفتم که نگران این هستم که خانواده‌اش مرا نپذیرند و من دوست ندارم که خودم را به آنها تحمیل کنم. پدر و مادرم جواب دادند که مطمئن باش وقتی تو را ببینند و با تو آشنا شوند، حتماً مورد قبولشان خواهی بود. شرط خانواده من هم این بود که مهرج حتماً با خانواده برای خواستگاری بیاید نه به تنهایی. چون میدانستند که خیلی از دوستانم که به این صورت ازدواج کرده بودند با مشکلاتی روبه‌رو شده‌اند. به هر حال ما ازدواج کردیم و مراسم خواستگاری و ازدواج به خوبی و بدون مانع پیش رفت

و در یاد همه دوستان و میهمانانمان ماند.

### اکنون بعد از نه سال زندگی مشترک، از زندگی خود راضی هستید؟

مهرج: بله، من کاملاً راضی هستم. فیروزه: به هر حال هر زندگی مشکلاتی دارد و هیچکس نمی‌تواند بگوید من غرق در شادی و لذت هستم. اما در مجموع بسیار راضی و شاکرم. به هر حال برای هرکسی که در اجتماع حضور دارد امکانات متعددی برای ازدواج پیش می‌آید و گرچه برای کسی که مشکل جسمی دارد این موارد کمتر است اما برای من هم پیش آمده بود ولی من در هیچ یک از افرادی که جلو می‌آمدند، آن مردانگی و مرد عمل بودن را نمی‌دیدم. وقتی ایشان به من پیشنهاد ازدواج دادند، من گفتم باید مرا بدون ویلچر هم در خانه ببیند و بدانند که چگونه زندگی میکنم. پدرم هم این را پذیرفت و قبل از اینکه رسماً ازدواج کنیم به همراه خانواده

### فیروزه:

اگر من قبل از ازدواج، علاقه و دوست داشتن را یکی از ارکان ازدواج میدانستم، الآن صد درصد عقیده‌ام بر این است که این علاقه است که انسان‌ها را پایبند به زندگی میکند و نیروی مضاعفی به آنها میدهد که با مشکلات زندگی کنار بیایند.

ازدواج کنیم به همراه خانواده مسافرت رفتیم. این سفر باعث شد که یکدیگر را بهتر بشناسیم و او هم با مشکلات زندگی من بیشتر آشنا شود. همین الآن هم در طول شب که بارها ایشان را صدا میکنم و از خواب بیدار میکنم، یک بار به من نمی‌گوید «هان» همیشه میگوید «جان» و این برای من خیلی ارزش دارد. او همیشه میگوید زندگی هرکسی کمبودهایی دارد و کمبود زندگی ما هم میتواند مشکل جسمی تو باشد. این حرف‌ها به من قوت قلب میدهد.

ایشان در قبال معلولیت من هیچ وقت کم نگذاشته و حتی جاهایی که من کم می‌آورم مرا تشویق میکند که باید بلند شوی و فعالیت کنی و حق خودت را بگیر. او همیشه مشوق من بوده و هیچ وقت احساس ترحمی در رفتارش ندیدم. به تشویق او و با کمک او در رفتن و آمدن، ادامه تحصیل دادم. خیلی از کارهای اداری و ثبت نام مرا ایشان انجام میداد و در زمان‌هایی که او مشغله کاری داشت، خانواده‌ام مرا حمایت و کمک کردند که جا

دارد از خانواده‌ام نیز تشکر کنم.

### الآن به چه کاری مشغول هستید؟ آیا به کارهای هنری هم میپردازید؟

فیروزه: من مدیر داخلی یک شرکت بازرگانی وارد کننده قطعات صنعتی هستم و هر روز هفته به جز پنجشنبه‌ها، از نه صبح تا سه بعدازظهر کار میکنم. مدتی است که کارهای هنری انجام نداده‌ام ولی با کمک همسرم کارهای زیادی یاد گرفته‌ام و آخرین کاری که از ایشان یاد گرفتم کار چرم بود. هرکاری که ایشان انجام میدهد من هم در کنارشان کار میکنم و یاد میگیرم.

مهرج: وقتی ما زندگی خود را شروع کردیم من خیلی از کارهایی را که قبل از ازدواج انجام میدادم را به خاطر وقت و زمانی که از من میگرفت، ادامه ندادم. در آن زمان خانهای گرفته بودیم که زیر زمینی داشت و آن را به کارگاه تبدیل کرده بودیم. صبح‌ها با هم به کارگاه میرفتیم و کار میکردیم و ظهر برای استراحت

بلا می‌آمدیم و بعدازظهر باز به کارگاه میرفتیم و صنایع دستی تولید میکردیم. از همین راه زندگی خود را میگذرانیم.

یعنی زندگی‌مان را از صفر شروع کردیم. حتی در مقطعی اجرای دکوراسیون و طراحی داخلی را با هم انجام میدادیم، ولی با شروع تحصیل، ایشان مدتی از کار دور شد. الآن سعی من بر این است که کار فیروزه در زمینه تحصیلی خودش باشد چون به رشته‌اش بسیار علاقه‌مند است. فیروزه در چندین ترم متوالی به عنوان بهترین دانشجوی دانشگاه آزاد کرج انتخاب شد. هم از لحاظ رتبه و معدل که چندین ترم متوالی معدل بالای نوزده داشت و هم در بحث معلولان که بهترین دانشجوی دارای معلولیت دانشگاه شناخته شد. من امیدوارم که در آینده در همین رشته بتواند ادامه تحصیل بدهد.

## فعالیت و همکاری شما با مرکز رعد کرج چگونه و در چه زمینه‌ای بود؟

مهرج: من کار را در سال ۸۳ در رعد کرج شروع کردم و پس از یک ماه کارگاه خوداشتغالی را به بهره‌برداری رساندم. در آن زمان از دوازده نفر ثبت نام کردیم. این افراد با توجه به توانایی‌هایشان از ۵درصد تا ۹۵درصد مشکل جسمی داشتند. در آن زمان کار ما تولید صنایع دستی بود و من خودم بازار این کارها را تامین میکردم. بخشی از کارها را در نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های خیریه میفروختیم و بخشی از این محصولات را در سطح تهران بازاریابی میکردیم. کم کم توانستیم در شهرستان‌های دیگر نیز به صورت عمده با بنکداران و بازاریابان قرارداد ببندیم. تا آن زمان هیچ تجربه‌ای در بحث فروش و بازاریابی نداشتیم ولی خوشبختانه

چرم بود که شامل دوخت چرم و تولید محصولات چرمی بود. در عرض سه ماه این کارگاه را راه‌اندازی کردم و در این صنعت از مربیانی که در شهر مشهد ساکن بودند کمک گرفتیم، کارگاه مشهد خیلی خوب راه افتاد و پیشرفت کرد. طرح‌های که من و آقای هدایی جمع‌بندی میکردیم طرح‌هایی جامع بود و صرفاً راه‌اندازی کارگاه نبود. ما فروشگاه‌هایی را در مشهد فقط برای فروش محصولات بچه‌های دارای معلولیت با نام «فروشگاه خوداشتغالی معلولان» طراحی کردیم. آقای مهندس هدایی مدیرعامل مجتمع توانیابان که فردی بسیار دلسوز و پیگیر هستند با نفوذی که داشتند توانستند برای قسمتی از فضای مجتمع توانیابان در وکیل آباد مشهد، کاربری تجاری بگیرند و از سال گذشته این فروشگاه شروع به کار کرده‌است. صنعت چرم در مشهد بازار قوی دارد و بچه‌هایی که



توانستیم رابطه‌های خوبی ایجاد کنیم تا جایی که کارگاه ما سفارش دائمی داشت. بعد از مدتی به دلایلی از رعد کرج جدا شدم و یک کارگاه مستقل در خارج از رعد راه‌اندازی کردم. یک سری از بچه‌های رعد نیز با ما همکاری کردند، در این کارگاه صنایع دستی تولید میکردیم. در همان ایام ارتباط من با مجتمع توانیابان مشهد بیشتر شد. در توانیابان مشهد هم بحث آموزش منجر به اشتغال را دنبال کردم و چند رشته صنایع دستی را با بچه‌های مرکز توانیابان مشهد شروع کردم، یکی صنعت

هنرمندان و بازیگران موفق بودند را از تهران دعوت کردیم که خیلی مورد استقبال مردم قرار گرفت. از دیگر فعالیت‌های من برگزاری بازارچه‌های خیریه در تهران است که در آن تولیدات بچه‌های دارای معلولیت را معرفی میکنیم. در حال حاضر به این فکر میکنم که کارهایی دیگری را هم برای جذب سرمایه به این مرکز شروع کنم. در این راستا با آقای دکتر فرهنگ (روانشناس) صحبت کرده‌ام. دکتر و ایشان نیز خیلی استقبال کرده‌اند. دکتر فرهنگ سمینارها و کارگاه‌های خوبی در حوزه روانشناسی و عرفان برگزار میکنند که بسیار مورد استقبال مردم است. ایشان قبول کرده‌اند که چندین سمینار و کارگاه آموزشی را به نفع موسسات خیریه برگزار کنند. از طرفی به دنبال این هستم که بنیادی را با نام بنیاد حمایت از موسسات خیریه مردم نهاد، راه‌اندازی کنم که شامل سمن‌های مرتبط با معلولان نیز میشود. به دنبال این هستیم که بتوانیم با موسسات مختلف تعامل برقرار کرده و موسساتی که واقعا احتیاج مالی دارند را شناسایی کنیم. ما موسسات خیریه و مردم نهادی داریم که در تامین هزینه‌های جاری‌شان دچار مشکل هستند. مثلا موسساتی داریم که سرویس ایاب و ذهاب برای معلولان دارند ولی حقوق رانندگان یا هزینه سوخت این ماشین‌ها را نمی‌توانند تامین کنند! هدف ما شناسایی و کمک به چنین موسساتی است. اکنون اساسنامه این بنیاد تنظیم شده و امیدواریم که بتوانیم مجوزها را بگیریم و این فعالیت اقتصادی عام‌المنفعه را راه‌اندازی کنیم.

## چه توصیه‌ای در مورد ازدواج به دوستان خود که شرایط مشابهی دارند میکنند؟

فیروزه: به نظر من ازدواج مرحله‌ای از رشد است. با وجود این‌که همیشه از حمایت برخوردار بودم ولی ازدواج به من انگیزه بیشتری برای زندگی و حس بهتری داد. صبح‌ها وقتی بیدار میشوم دیگر فکر نمیکنم که امروز هم یک روزی مثل دیروز است، بلکه انگیزه پیدا کرده‌ام و فکر میکنم که باید به امور منزل برسیم و غذا بپزم و احساس توانمندی بیشتری نسبت به قبل میکنم. حالا خیلی کارها را که قبلا انجام نمی‌دادم را انجام میدهم.

مهرج: فیروزه همه کارهای خانه را خودش مدیریت میکند. از پختن غذا و شستن ظرف‌ها و لباس‌ها و... همه از دست پخت

او تعریف میکنند. او خیلی از کارها که قبیل از ازدواج توان انجام دانش را در خود نمی‌دید و یا لزومی برای انجام دادن آنها حس نمیکرد، به خوبی انجام میدهد.

فیروزه: قبل از ازدواج همیشه ویلچر من بیرون از خانه بود. آن را به داخل خانه نمی‌آوردم، چون در خانه افراد زیادی به من سرویس میدادند و من بیشتر به فعالیت‌ها اجتماعی‌ام میپرداختم. ولی پس از ازدواج انگیزه خوبی برای انجام کارهای خانه پیدا کردم. البته همسر در کارهای منزل خیلی به من کمک میکند. ولی من با توجه به تجربه‌ای که دارم ازدواج را به دوستان دارای معلولیت توصیه میکنم.

به هر حال مسوولیت زندگی واقعا زیاد است و من مدام فکر می‌کنم که چگونه محدودیت‌هایم را کم کنم و چگونه کارهایم را خودم انجام دهم. البته همسر همیشه طوری برنامه‌ریزی میکند که در مواقع مورد نیاز در کنار من باشد، چون به هر حال نیاز به کمک دارم. اگر کمک‌های همسرم نباشد شاید نتوانم راحت سرکار بروم و به کارهای خانه برسیم. چتر حمایتی او همیشه وجود دارد و من هم به اندازه توان صحبت ازدواج ما پیش آمد یکی از دوستان نزدیکم به من گفت ازدواج کن، نهایتش این است که نمی‌توانی و ادامه نمی‌دهی ولی حداقل مدتی با عشق زندگی کرده‌ای و این حسرت در ذهنت نمی‌ماند که کاش ازدواج کرده بودم! ولی بدان که سختی‌های زیادی در پیش‌رو داری چون به هر حال علاوه بر مشکل جسمی است که با آن درگیر هستی مسوولیت زندگی نیز سختی‌های بیشتری را برایت پیش می‌آورد.

به هر حال دوستان باید بدانند که ازدواج یعنی پذیرش یک مسوولیت سنگین.

## مهم‌ترین مساله‌ای که لازم میدانید در پایان این گفتگو مطرح کنید چیست؟

مهرج: مهم‌ترین مساله‌ای که خیلی از افراد دارای معلولیت را اذیت میکند، بحث فرهنگی است که اول شامل برخورد افراد جامعه با معلولان و دوم بحث مناسب‌سازی شهری است. بحث مناسب‌سازی هم مثل شهری است. بحث مناسب‌سازی هم مثل اشتغال معلولان چیزی است که قانون آن موجود است ولی اجرا نمی‌شود. زمانی من از کرج سه نفر از بچه‌ها را با ویلچر با ماشین خود برای تفریح به تهران می‌آورم. وقتی مترو راه‌اندازی شد، خوشحال شدم

که مترو حتما مناسب‌سازی شده‌است ولی دیدم که افراد دارای معلولیت نمی‌توانند از آن استفاده کنند. چون در بسیاری از ایستگاه‌ها آسانسور وجود ندارد و در ایستگاه‌هایی هم که آسانسور دارد، یا کار نمیکنند و یا افراد غیرمعلول به آن هجوم می‌آورند و اجازه استفاده به فرد معلول را نمی‌دهند. اتوبوس‌های خط ویژه که در شهر تردد میکنند، علامت ویلچر بر روی بدنه‌شان وجود دارد و محل خاص معلولان نیز در آنها در نظر گرفته شده‌است ولی این اتوبوس‌ها با فاصله زیادی از لبه سکوی ایستگاه میایستند و یا در مقابل رمپ ورودی به ایستگاه، میله گذاشته‌اند که حتی افرادی که عصا به دست دارند هم نمی‌توانند از این رمپ‌ها استفاده کنند چه برسد به شخصی که روی ویلچر است! البته کار خوبی که شهرداری انجام داده اختصاص تعدادی وسایل نقلیه، مخصوص ایاب و ذهاب معلولان است که با قیمت مناسبی در اختیارشان قرار میگیرد. البته خیلی از افراد دارای معلولیت توان مالی استفاده از همین ماشین‌ها را هم ندارند. بحث این است که امکانات شهری موجود برای تمام افراد جامعه که شامل معلولان نیز میشود قابل استفاده نیست. امیدوارم روزی حقوقی که در کشورهای دیگر برای معلولان قائل می‌شوند، در کشور ما هم قایل شوند.

مورد دیگر این است که طبق قانون هیچ خانه‌ای نباید پایان کار بگیرد مگر اینکه رمپ یا بالابر برای آن تعبیه شده باشد ولی در بسیاری از ساختمان‌های نوساز چنین مواردی رعایت نمی‌شود. ما قوانین زیادی در مورد حقوق معلولان داریم ولی این قوانین که در سال ۸۳ به تصویب رسیده است، هیچ ضمانت اجرایی ندارد.

فیروزه: متأسفانه هنوز خیلی از مردم فکر میکنند یک فرد با دست و پا و جسمش فکر میکند! البته فرهنگ‌سازی در بین قشر تحصیلکرده تا حدودی انجام شده است و رسانه‌ها کارهای خوبی انجام داده‌اند ولی کافی نیست. گاهی من محیط‌های کاری خود چیزهایی میبینم که آزارم میدهد. من اصولا با این شکافی که بین افراد معلول و غیرمعلول وجود دارد مشکل دارم. دوست ندارم بگویم چون مشکل جسمی دارم محق هستم و یا اولویت نسبت به دیگران دارم مثلا من هم مثل دیگران منتظر آسانسور میایستم ولی میبینم که دیگران بدون رعایت نوبت از کنارم عبور میکنند و داخل آسانسور میشوند من در

این مواقع چیزی نمی‌گویم و فقط به آنان نگاه میکنم و میبینم گاهی دیگران به آنان اعتراض میکنند و حتی آنها را از آسانسور بیرون میکنند. البته فرهنگ سازی تا حد زیادی به حضور افراد دارای معلولیت در سطح جامعه و مناسب‌سازی برمی‌گردد.

اگر این ماشین‌های مخصوص ایاب و ذهاب معلولان وجود نداشت من امکان کار کردن برایم وجود نداشت. خوشبختانه نسبت به قبل شرایط خیلی بهتر شده است. همین که من در دانشگاه ده نفر را میبینم که با وجود معلولیت تحصیل

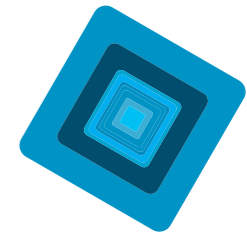
میکنند و حضور اجتماعی دارند نشان میدهد که فرهنگ سازی تا حدودی انجام شده‌است گرچه هنوز کافی نیست. حضور در مرکز رعد برای من خیلی مفید بود چون من کسانی را میدیدم که مثل من مشکل دارند ولی از خانه بیرون می‌آیند و فعالیت میکنند. خیلی از بچه‌ها که به رعد می‌آمدند اعتماد به نفس خوبی پیدا میکردند، ادامه تحصیل میدادند و وارد فعالیت‌های اجتماعی میشدند. البته هنوز اجتماع ما برای حضور افراد دارای معلولیت کاملا آماده نیست. من امیدوارم با تصویب قانون حقوق جامع معلولان و اجرای مفاد آن افراد دارای معلولیت بتوانند به حقوق شهروندی خود دست پیدا کنند. ♦



از دیروز بیاموز. برای امروز زندگی کن و امید به فردا داشته باش.

آلبرت اینشتین  
فیزیک‌دان نظری آلمانی  
(۱۸۷۹/۱ - ۱۹۵۵)





رئیس هیات مدیره شرکت «امیران کاغذ بلند همتان»:

## ناامید نشوید، تلاش و پشتکار داشته باشید تا موفق شوید



امیر مسافری و زهرا محسنی کارآفرینانی هستند که با همکاری یکدیگر «شرکت امیران کاغذ بلند همتان» را تاسیس کرده‌اند. امیر مسافری مدیرعامل و زهرا محسنی رئیس هیات مدیره این شرکت هستند. کارکنان این شرکت که در زمینه بسته‌بندی کاغذ و چاپ فعال است، افرادی هستند که همگی دارای معلولیت می‌باشند. مکانی که این دوستان در آن مشغول به کارند را معاونت شهرداری منطقه ۱۸ در سرای محله شادآباد در قسمت کارآفرینی در اختیارشان قرار داده‌است. فعالیت این شرکت از دو سال قبل آغاز شده‌است. فضایی که کارکنان در آن مشغول به کارند مملو از بسته‌های کاغذ A4 با ارم این شرکت و انواع و اقسام ماشین‌های تحریر و چاپ است. با موسسان این شرکت به گفتگو نشستیم

### لطفا خودتان را معرفی کنید؟

امیر مسافری (مدیرعامل شرکت امیران کاغذ بلند همتان) دانشجوی IT در مقطع کارشناسی و متولد سال ۱۳۶۷ هستم. بعد از تولد دچار برقان (زردی) شدم ولی چون زمان بمباران بود بلافاصله مادرم را از بیمارستان مرخص کردند و چون من فرزند اول خانواده بودم، پدر و مادرم در مورد زردی آگاهی چندانی نداشتند. ولی بعد از ۵ روز که مرا به بیمارستان بردند با وجود این که خونم را دوبار عوض کردند دچار عوارض این بیماری شدم که در من برای همیشه باقی ماند.

زهرا محسنی ۴۸ ساله هستم که در سن دو سالگی بر اثر ابتلا به تب سرخک، فلج شدم. البته پس از معالجات بسیار، به تدریج وضعیت جسمانیم بهتر شد و قادر به راه رفتن با بریس شدم.

### از سابقه کارتان بگویید؟

زهرا محسنی: من بعد از گرفتن دیپلم، یک دوره دو ساله بهیاری و پرستاری را در شهرری گذراندم. وقتی که برای این دوره دوساله ثبت نام می‌کردم خیلی‌ها به من گفتند که با این وضعیت جسمانی نمی‌توانم به عنوان بهیار که مسوولیت سنگینی دارد کار کنم. ولی بعد از پایان این دوره و استخدام شدنم همان افراد اعتراف کردند که من از افراد غیرمعلول که این دوره را دیده‌اند بهتر کار و فعالیت می‌کنم. محل کار من درمانگاهی بود در روستای حسن آباد در جاده قم. به مدت ۲۷ سال در این محل خدمت کردم و در کارم بسیار جدی و پرتلاش بودم. به طوری که بعد از ۲۷ سال که تقاضای بازنشستگی پیش از موعد کردم، با تقاضایم موافقت نمی‌کردند و می‌گفتند نمی‌خواهیم یکی از نیروهای فعال خودمان را از دست بدهیم.

### به عنوان بهیار چه فعالیت‌هایی می‌کردید؟

محسنی: کار من انجام تزریقات و پانسمان، بخیه کردن زخم‌ها، تزریق واکسن و انجام زایمان طبیعی در درمانگاه بود. در درمانگاه روستای حسن آباد، اتاقی را برای زایمان طبیعی در نظر گرفته بودند که از روستاهای اطراف برای زایمان به این محل می‌آمدند. من بسیار فعال و پرکار بودم و به روستاهای اطراف می‌رفتم و در مدارس و کارخانه‌ها واکسن‌هایی مثل کزاز و هپاتیت

و... را تزریق می‌کردم. هر موقع هم که وقت داشتم در قسمت آزمایشگاه، دندانپزشکی یا داروخانه کمک می‌کردم.

### چرا این همه علاقه به کار داشتید؟

محسنی: چون این تجربه را داشتم که به خاطر کوتاهی والدین و نزدن واکسن دچار فلج شده‌بودم، نمی‌خواستم دیگران هم به این سرنوشت دچار شوند. فکر می‌کردم می‌توانم به دیگران خصوصاً به خانواده‌های محروم روستایی که اطلاعات کافی از مسایل بهداشتی ندارند، کمک کنم.

### چطور شد که بعد از بازنشستگی، به فکر راهاندازی کار در حوزه کاغذ و چاپ افتادید؟

محسنی: وقتی که بازنشسته شدم اول فکر می‌کردم با توجه به شرایط جسمانیم بهتر است بیشتر استراحت کنم. ولی پس از مدتی متوجه شدم که نمی‌توانم در خانه بمانم و بیکار باشم. در سفری که از طریق سازمان بهزیستی تهران راهاندازی شده‌بود، با راهبان نور همراه شدم و در این سفر با آقای مسافری آشنا شدم. ایشان پیشنهاد راهاندازی شرکتی در زمینه بسته بندی کاغذ و چاپ و ایجاد فرصت اشتغال برای افراد دارای معلولیت را دادند. هدف آقای مسافری این بود که شرایطی را ایجاد کند که افراد دارای معلولیتی که علاقه به کار دارند و این امکان برایشان فراهم نیست را بکار بگیرد تا به استقلال مالی برسند. من وقتی از طرح و هدف ارزشمند ایشان مطلع شدم، تصمیم گرفتم که در این کار سرمایه‌گذاری کنم. ما با هم شریک شدیم و این فعالیت را راهاندازی نمودیم. نیتمان در این فعالیت، حمایت و ایجاد کار برای افرادی بود که به دلیل معلولیت امکان کار در محیط‌های دیگر را ندارند و به کار گرفته نمی‌شوند.

امیر مسافری: من قبل از این که به این کار مشغول شوم، به مدت سه سال در سازمان بازنشستگی کشور کار می‌کردم و وظیفه صادر کردن کارت‌های منزلت را برای بازنشستگان برعهده داشتم. وقتی کار به صورت اینترنتی درآمد، من بیرون آمدم و به شرکت بیمه دانا رفتم و ۴ سال هم در این شرکت کار کردم. زمانی که با خانم محسنی آشنا شدم هنوز مشغول به کار بودم ولی هدفم این بود که کاری را راه بیندازم که هم مستقل باشم و هم به دوستانم که شرایط مشابه با خودم دارند کمک کنم. البته من همچنین عضو سامانه تدارکات ریاست

جمهوری هم هستیم. با خانم محسنی در مورد این کار صحبت کردم و ایشان هم استقبال کردند. قرار شد هر دو به یک میزان سرمایه بگذاریم و شرکت را به ثبت برسانیم. من دو سال به دنبال مجوزهای راهاندازی این شرکت بودم و چهار مجوز از قوه قضائیه، وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان امور مالیاتی و سایر ارگان‌ها گرفتم. در ضمن نامه‌ای هم به معاونت امور فرهنگی شهرداری تهران نوشتم و اعلام کردم که ما تعدادی از بچه‌های بهزیستی هستیم و به دنبال راهاندازی شرکتی در زمینه کار بسته‌بندی و چاپ کاغذ هستیم و از این معاونت درخواست حمایت کردیم. خوشبختانه معاون محترم شهرداری با این درخواست موافقت کردند و مکانی را با اجاره پایین، در سرای محله شاد آباد، در اختیارمان قرار دادند و ما دو سال است که کارمان را شروع کرده‌ایم.

### نام این شرکت چیست و شما با چند نفر مشغول به کار هستید؟

محسنی: نام شرکت «شرکت امیران کاغذ بلند همتان» است که این نام از همت بلند دوستان دارای معلولیت گرفته شده، چون هدف ما ایجاد اشتغال برای دوستانی است که مانند خودمان با معلولیت دست و پنجه نرم می‌کنند. فعلاً ۴ نفر در این شرکت مشغول به کار هستند. امیدواریم که بتوانیم فعالیت کاری خود را گسترش داده و افراد بیشتری را به کار بگیریم.

### در مورد کار این شرکت، بیشتر توضیح دهید؟

محسنی: کار ما بسته‌بندی کاغذ A4 و A5 و کارهای چاپی روی کاغذ است. ما کاغذ را به صورت بندی و تعداد بالا می‌خریم، برش می‌زنیم و در اندازه‌های مختلف بسته‌بندی می‌کنیم و می‌فروشیم. علاوه بر این هر نوع کاری که بر روی کاغذ انجام می‌شود مثل چاپ فرم‌های اداری و مختلف و تولید برچسب و ... را هم انجام می‌دهیم.

### چگونه برای تولیدات خود بازاریابی می‌کنید؟

محسنی: من و آقای مسافری خودمان کار بازاریابی را انجام می‌دهیم. ما به ادارات و سازمان‌های مختلف می‌رویم، نمونه کاغذمان را به آنها نشان داده و کارمان را معرفی می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم از نیت خیرخواهانه ما حمایت کنند. در حال حاضر سازمان بهزیستی شهرستان تهران، با ما همکاری می‌کنند و کاغذ مورد احتیاجشان را از ما می‌خرند. فرم‌هایشان را هم برای چاپ به ما می‌سپارند. با شرکت متروی تهران نیز همکاری داریم و فرم‌های مورد نیازشان را در تعداد و اندازه‌های مورد درخواستشان چاپ می‌کنیم. سازمان بازنشستگی کشوری، سازمان هلال احمر، سازمان توسعه و نوسازی صنعت و معدن و اداره پست از دیگر مشتریان ما هستند. دفتر کارآفرینی مجتمع رعد به تازگی ما را به شرکت همراه



اول معرفی کرده که از ما کاغذ بخرند.

### چه شرکت‌هایی می‌توانند با شما همکاری کنند؟

**محسنی:** هر سازمان و شرکتی که با کاغذ سروکار داشته باشد، از شرکت‌های بازرگانی تا مراکز چاپ و نشر کتاب، مدارس، دانشگاه‌ها و همه ارگان‌های دولتی و غیردولتی می‌توانند از ما کاغذ خریداری کنند و یا سفارش کارهایشان را به ما بدهند. ما در امر بازاریابی ضعیف هستیم و کاغذ ما برای سازمان‌ها مختلف هنوز شناخته شده نیست. اکنون که شعار دولت حمایت از کار و تولیدات داخلی است، انتظار داریم سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی از ما حمایت کنند.

### تا به حال چه حمایت‌هایی از ارگان‌های دولتی دریافت کرده‌اید؟

**محسنی:** شهرداری به ما کمک کرده و این مکان را در سرای محله شادآباد با اجاره پایین در اختیار ما قرار داده. ما با سازمان بهزیستی استان تهران و بهزیستی شهری صحبت و کارمان را به آنها معرفی کرده‌ایم و آنها قول‌هایی هم به ما داده‌اند، ولی این قول‌ها هنوز عملی نشده‌اند. در صورتی که بهزیستی، متولی امور معلولان است و باید حامی ما باشد. البته بهزیستی شهرستان تهران، با ما همکاری می‌کند و خرید کاغذ و چاپ فرم‌هایش را به ما سفارش می‌دهد. اگر سازمان‌هایی با ما قرارداد ببندند و کاغذ مصرفشان را از ما بخرند، می‌توانیم به پرسنل خود این اطمینان را بدهیم که کار به صورت دائمی وجود خواهدداشت، چون بعضی اوقات که سفارش کافی نداریم بچه‌ها بی‌کار می‌مانند.

### دستگاه‌های صنعتی مورد استفاده‌تان را چگونه تهیه کرده‌اید؟

**محسنی:** ما دستگاه‌ها را با هزینه خودمان خریداری کرده‌ایم. دستگاه چاپ، پرینتر رنگی لیزری، منگنه‌زن، دستگاه سیمی کردن کتاب و دفتر، پرس کارت، برش و فتوکپی و... را خریداریه‌ایم.

### چه درخواستی از سازمان‌ها و مراکز دولتی دارید؟

**مسافری:** من از این سازمان‌ها و ارگان‌ها

می‌خواهم که از ما حمایت کنند و کارهای چاپی‌شان را به ما بسپارند و کاغذ مورد نیازشان را هم از ما خریداری کنند. خصوصاً این‌که ما کاغذ را ارزان‌تر از جاهای دیگر می‌فروشیم در حالی که، کیفیت کاغذمان با کاغذهای شناخته‌شده معروف یکی است.

### پرسنل شما بیمه هستند؟

**محسنی:** در حال حاضر چون کار ما دائمی نیست، نتوانسته‌ایم پرسنل خود را بیمه کنیم ولی اگر قراردادهای بلند مدت و دائمی داشته باشیم می‌توانیم آنها را بیمه نماییم.

**مسافری:** فقط وقتی که مطمئن باشیم برای آینده کار و درآمد داریم می‌توانیم کارکنان خود را بیمه کنیم. در این صورت بچه‌ها هم با اطمینان خاطر بیشتری کار خواهند کرد. اگر کار داشته باشیم می‌توانیم دستگاه‌های بهتر و پیشرفته‌تری تهیه کنیم. البته دستگاه‌های ما همین حالاهم مورد تایید هستند و کار خوب تحویل می‌دهند.

### آیا محدودیت جسمی شما مانعی در فعالیت اجتماعی شما ایجاد نکرده‌است؟

**مسافری:** افراد دارای معلولیت در بسیاری از مشاغل حتی بهتر از افراد غیرمعلول کار می‌کنند چون تلاش بیشتری می‌کنند. مثلاً من در رشته آمادگی جسمانی، بارفیکس و دراز و نشست نفر اول در منطقه و در رشته بارفیکس در کل کشور، اول شدم. تلاش افرادی مثل من خیلی بیشتر از تلاش دیگران است.

**محسنی:** از قدیم گفته‌اند خواستن توانستن است. اگر انسان هدف داشته باشد و واقعا بخواهد کاری را انجام دهد و تلاش خودش را بکند به نتیجه می‌رسد. ولی اگر محدودیت‌ها را برای خودش عمده کند و آنها را بزرگ‌تر از توانایی‌هایش ببیند، در هیچ کاری موفق نمی‌شود. زمانی که من به عنوان بهیار کار می‌کردم آنقدر کارم زیاد بود که گاهی فراموش می‌کردم مشکل جسمی دارم و دیگران نیز مشکل جسمی مرا نمی‌دیدند، چون من پایه‌پای آنان و حتی بیشتر کار می‌کردم. در دوران نوجوانی خیلی به مشکل فکر می‌کردم و خودم را با دیگران مقایسه می‌کردم و حتی به مادرم می‌گفتم چرا مرا به دنیا آوردی؟ همیشه به این فکر می‌کردم که چرا در بین این همه آدم من باید اینگونه باشم؟ با گذشت



زمان از این گفته‌هایم پشیمان شدم چون از سرزادانی و بچگی بود. من توانایی‌های خیلی زیادی دارم و بسیاری از کارها را حتی بهتر از افرادی که ظاهراً معلولیت ندارند انجام می‌دهم.

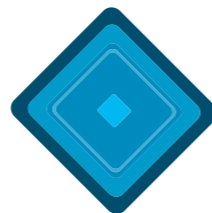
### چشم اندازتان چیست و برنامه‌تان برای آینده چیست؟

**محسنی:** چون ما به صورت شرکت تعاونی کار می‌کنیم چنانچه حمایت لازم از ما صورت بگیرد می‌توانیم در جاهای مختلف شهر شعبه بزیم. امیدوارم روزی بتوانیم در سایر مناطق شهر خصوصاً در مرکز شهر کارگاه بزیم و تعداد بیشتری از دوستانمان را به کار بگیریم. در این منطقه هنوز خیلی شناخته شده نیستیم و دسترسی‌مان به بسیاری از سازمان‌ها و مراکز دولتی و غیردولتی سخت است. از طرفی هم رفت و آمد بچه‌ها به این مکان مشکل است. البته امیدواریم بتوانیم با کمک شهرداری رفت و آمد پرسنل خود را تسهیل کنیم. مساله دیگر ضرورت مناسب سازی کارگاه است. ما حتماً باید در جایی که مناسب‌سازی شده‌باشند، کار کنیم. اگر می‌توانستیم این کارگاه را به مکان بزرگ‌تری در مرکز شهر منتقل کنیم در گسترش و توسعه کارمان خیلی موثر بود.

**مسافری:** کار کردن در مرکز شهر برای ما بسیار مهم است، چون دسترسی ما به مشتریانمان را بهتر می‌کند و رفت و آمدنمان نیز راحت‌تر می‌شود.

### به عنوان کسی که خودش کارآفرین است چه توصیه‌ای به بچه‌های دارای معلولیت دارید؟

**محسنی:** به دوستان دارای معلولیت می‌گویم که اگر به دنبال کاری رفتند و به نتیجه نرسیدند، ناامید نشوند. باید تلاش و پشتکار داشته باشند تا موفق شوند. بچه‌ها می‌توانند دور هم جمع شوند و یک شرکت تعاونی تاسیس کنند و روی پاهای خودشان بایستند. باید توانایی‌هایشان را دست کم نگیرند و خودشان را به جامعه نشان بدهند و بدانند که خدا نیز به آنها کمک خواهد کرد. ♦



## اشتغال معلولان، آری یا خیر؟

○ فرزانه حبوطی

یکی از مهم‌ترین اصول در زندگی هر فرد، مساله اشتغال و تامین مایحتاج زندگی است. اشتغال به کار نه تنها برای تامین مایحتاج لازم است، بلکه بسیاری از مشکلات روحی روانی را نیز برطرف می‌کند. داشتن حس استقلال، امری مهم در تامین روحیه فرد و بالتبع آن، انگیزه‌های برای حضور در اجتماع است. همان‌طور که افراد غیرمعلول برای رسیدن به استقلال و تامین زندگی، نیازمند شغل هستند، افراد دارای معلولیت نیز از این نیاز مشتنی نیستند و این در حالیست که زندگی فرد دارای معلولیت هزینه‌های بیشتری نسبت به فرد غیرمعلول دارد.

فرد دارای معلولیت برای حضور در اجتماع و برای اشتغال به کار، نیاز به وسایل توانبخشی و حرکتی، وسایل ایاب و ذهاب و بسیاری از ملزومات دیگر که هر یک هزینه‌های خاصی را می‌طلبد، دارد.

وقتی دولت و سازمان بهزیستی که متولی امور افراد دارای معلولیت هستند قادر به تامین نیازهای شغلی این قشر نیستند آیا نباید شرایطی بوجود آورند که خوداین افراد بتوانند نیازشان را برطرف کنند؟ نه تنها دولت بلکه تمامی ارگان‌های مرتبط با امور معلولان و حتی ارگان‌های غیر مرتبط نیز از این قاعده مستثنی نیستند و همگی درجهت ایجاد شغل برای افراد دارای معلولیت موظف هستند.

بسیاری از افراد دارای معلولیت مشغول به کار می‌شوند ولی توسط کارفرمایان بیمه نمی‌شوند و چون این نوع شغل‌ها به صورت دوره‌ای و کوتاه مدت هستند، بنابراین نه سابقه‌ای بوجود آمده و نه بیمه‌ای اختصاص یافته‌است. فرد هم چاره‌ای ندارد که بدین

نوع شغل‌ها روی آورد تا زندگی خویش و نیازهایش را تامین نماید.

اما اگر دولت اقدام به برقراری بیمه تامین‌اجتماعی برای افراد دارای معلولیت نماید، یا حداقل قسمتی از هزینه بیمه ایشان را تقبل نماید ( قسمتی از هزینه را هم خود فرد تامین کند) آن‌گاه اگر شغل‌های دوره‌ای و کوتاه مدت را هم داشته‌باشد، توسط سابقه‌ی بیمه حمایت می‌شود. شاید به ندرت برای تعدادی از این افراد، بیمه تامین اجتماعی تخصیص داده شده‌باشد ولیکن آیا لزوم ندارد این روش همه‌گیر شود تا همه معلولان تحت حمایت شغلی بیشتری قرار گیرند؟

هم‌چنین امر مهم خود اشتغالی و ایجاد کارگاه‌هایی که مناسب افراد دارای معلولیت باشد، بهترین گزینه است. اختصاص وام‌های بدون بهره، برای ایجاد کارگاه برای چند نفر، نیز از فعالیت‌هایی است که می‌تواند بسیار مفید باشد. افراد توانیاب می‌توانند درهرنوع فعالیت و هنری که در آن تبحر دارند و دوره‌های آموزشی آن را گذرانده باشند، در چنین کارگاه‌هایی مشغول شوند و ازطرف دولت نیز تحت حمایت بیمه قرار بگیرند. البته تامین هزینه‌های راه‌اندازی چنین کارگاه‌هایی که تحت نظارت ارگان‌ها و یا سازمان‌های مردم نهاد باشد نیز یاری و حمایت دولت را می‌طلبد.

علت شدت معلولیت، اشتغال بیرون از منزل برایشان امکان‌پذیر نیست «اشتغال در منزل» و «دورکاری» بهترین گزینه برای آنها است. برای این مورد هم دولت و سازمان بهزیستی باید نهادهای کوچکی ایجاد نماید تا براساس تقاضای این افراد، به ایجاد



شغل‌هایی مناسب در منزل بپردازند تا فردی که دارای معلولیت شدید است هم در منزل مشغول به کار شود و نتیجه را به‌صورت روزانه، هفتگی یا ماهانه به کارفرما تحویل دهد. این نوع اشتغال می‌تواند شغل‌های مرتبط با صنایع‌دستی، شغل‌های هنری، خیاطی، و حتی کار با «رایانه و تلفن» در منزل باشد. به عنوان مثال فرد دارای معلولیت می‌تواند با داشتن یک دستگاه رایانه و اینترنت پرسرعت و یا بصورت تلفنی، در منزل خویش به شغل‌هایی مانند اپراتوری، منشی‌گری و بسیاری از موارد مرتبط بپردازد و یا با داشتن دستگاه چرخ خیاطی یا لوازم لازم، به کارهای هنری در منزل اقدام نماید. دقیقاً مانند بسیاری از شغل‌هایی که امروزه در بازارهای کار و آگهی‌های استخدامی مشاهده می‌شود اما برای افراد دارای معلولیت لازم است که این‌گونه شغل‌ها تحت نظارت دولت و سازمان‌های مردم نهاد ایجاد شود تا امنیت شغلی این افراد تامین شود.

اگر برنامه‌ریزی‌ها دقیق و حمایت مسئولان جهت اشتغال معلولان، همیشگی باشد با تامین هزینه‌های بسیار کم، می‌توان شغل‌های مناسبی ایجاد کرد، چرا که مساله اشتغال مهم‌ترین اصل در زندگی افراد دارای معلولیت است و تا زمانی که هزینه‌های حس استقلال و آرامش حرف زد. با حل مساله اشتغال می‌توان به مساله ازدواج افراد دارای معلولیت نیز امیدوار بود زیرا تا هزینه‌های زندگی تامین نشود، مساله ازدواج امری لاینحل است. ♦





## اولین نمایشگاه لوازم و تجهیزات کمک توانبخشی، برگزار شد

گزارش: سودابه بیات

اولین نمایشگاه ملی لوازم و تجهیزات کمک توانبخشی از هفدهم تا بیستم شهریور ماه سال جاری در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع در خیابان حجاب برپا شد. این نمایشگاه به همت سازمان بهزیستی کشور و با همکاری انجمن علمی و آفرینش‌های هنری معلولان ایران در سالی به وسعت دوهزار مترمربع با حضور ۴۰ شرکت تولیدکننده و واردکننده وسایل توانبخشی برگزار شد.

مهندس منصور برجیان، دبیر اجرایی نمایشگاه و مدیرعامل شرکت توان همگام، با اشاره به این که این نمایشگاه برای اولین بار برای عرضه تولیدات وسایل کمک توانبخشی به معلولان و جانبازان و سالمندان در کشور و با همکاری سازمان بهزیستی برپا شده است، هدف از برگزاری آن را شناسایی شرکت‌های فعال تولیدکننده و واردکننده تجهیزات کمک توانبخشی و شناساندن این شرکت‌ها به گروه‌های هدف مثل معلولان و جانبازان و سالمندان و همچنین کارشناسان بهزیستی جهت خرید محصولات می‌داند. او ادامه می‌دهد؛ ایجاد زمینه برای تبادل نظر

بین دو گروه تولیدکننده و مصرف کننده در جهت بالا بردن کیفیت محصولات ارائه شده از دیگر اهداف برپایی این نمایشگاه است. ایشان اضافه می‌کند: برگزارکننده این نمایشگاه سازمان بهزیستی کشور و مجری آن انجمن علمی و آفرینش‌های هنری معلولان ایران است. به گفته او، انجمن تلاش کرده این نمایشگاه را به بهترین نحو و با کیفیت بالا برگزار کند که خوشبختانه تا حدود زیادی نیز موفق بوده است. مهندس برجیان تجهیزات کمک توانبخشی ارائه شده در نمایشگاه را در سه حوزه اصلی وسایل کمک توانبخشی معلولان جسمی و حرکتی، نابینایان و ناشنوایان شامل انواع ویلچر، واکر، عصا، انواع تشک‌های موج، تخت‌های بیمارستانی، اورتز و پروتز، انواع ابزار کمکی و نرم افزارهای آموزشی خاص نابینایان و انواع سمعک و وسایل ارتقادهنده شنوایی برشمرد و اعلام کرد، در طول برگزاری این نمایشگاه، پانل‌های آموزشی مختلف در سالن کنفرانس مرکز برگزار می‌شود که هدف از این پانل‌ها هم ایجاد ارتباط بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان است.

برجیان افزود: بیش از صد نفر از کارشناسان بهزیستی از عمده بازدیدکنندگان این

نمایشگاه بوده‌اند که برای شناسایی محصولات کمک توانبخشی جدید و با کیفیت و با قیمت مناسب به این نمایشگاه مراجعه کرده‌اند.

وی ادامه داد: در این نمایشگاه محصولات و تجهیزات ارائه شده با قیمت مناسب و با تخفیف ویژه به مصرف کنندگان عرضه می‌شود و حتی بعضی از شرکت‌ها تا ۵۰ درصد تخفیف برای محصولات خود قایل شده‌اند که فرصت بسیار خوبی برای مصرف کنندگان ایجاد کرده‌است. از طرفی شرکت توان همگام در این نمایشگاه خدمات رایگانی برای معلولان دارای ویلچر و واکر و... در جهت تعمیر و تعویض قطعات معیوب عرضه می‌کند. دبیر اجرایی نمایشگاه، ابراز امیدواری کرد که این نمایشگاه به صورت سالیانه برگزار شود و بازده خوبی برای مخاطبان داشته‌باشد.

در حواشی نمایشگاه با دو شرکت تولیدکننده داخلی وسایل توانبخشی گفتگو کردیم. محمد و امیر براتی پدر و پسر هستند که در کارخانه خود، (صنایع توانبخشی تکنوپیشرو) سال‌هاست که ویلچر و لوازم جانبی آن را تولید می‌کنند.



## نه وام می‌خواهیم و نه امکانات، فقط از ما خرید کنند

محمد براتی در پاسخ به تاریخچه شروع به کارش گفت: من از سال ۱۳۵۷ از طریق انجمن توانبخشی وقت به عنوان اولین تولیدکننده ویلچر در ایران برای گذراندن دوره‌های لازم به شرکت تعاونی وسایل توانبخشی معرفی شدم. با توجه به این که خودم مشکل جسمی و حرکتی دارم از پایان تحصیلات متوسطه با خدای خود عهد کردم که بتوانم به هم‌نوعانم کمک کنم. او ادامه می‌دهد شرکت ما در سال ۱۳۵۵ تاسیس شد و این خواست خدا بود که در سال ۵۷ به شرکت تعاونی توانبخشی برای ادامه بهتر کار معرفی شوم. ۸۰ درصد پرسنل این شرکت تعاونی، افراد دارای معلولیت بودند و در همان زمان نیز توانستیم بیست نفر از مددجویان سازمان بهزیستی را جذب کار کنیم. براتی ادامه می‌دهد: بنیانگذار این تعاونی در آن زمان دکتر شیخ‌الاسلام‌زاده بودند که خدمات زیادی در بخش ارتوپدی انجام می‌دادند. در هیات مدیره شرکت ما از ۵ نفر عضو، سه نفر افراد دارای معلولیت و ۸۰ درصد از کارکنان هم از معلولان بودند. او ادامه می‌دهد: بازار تولیدات ما بازار مناسبی بود تا این که از سال ۸۳ به محض واردات ویلچرهای چینی، مجبور شدیم شرکت را با ۵۰ نفر پرسنل فعال، تعطیل

کنیم و چندسال کار نکنیم. اما به دلیل این که من نمی‌توانستم بی‌کار بمانم از پسرم که رشته تحصیلی‌اش مهندسی صنایع است خواستم که با من در شروع مجدد فعالیت کاری همکاری کند. ایشان هم در حال حاضر به عنوان مدیر تولید کارخانه، با من همکاری و همفکری می‌کند.

براتی به مشکلات تولید در کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: از مسوولان و کارشناسان بهزیستی درخواست دارم که از تولید کنندگانی مثل ما حمایت کنند. او ادامه می‌دهد، ما از آنها نه وام می‌خواهیم و نه امکانات فقط می‌خواهیم از تولید ما خرید کنند.

امیر براتی، مدیرتولید کارخانه که سال‌هاست با پدرش همکاری می‌کند از تولیدات این کارخانه می‌گوید: ما قبلاً انواع و اقسام عصا، واکر، توالنت فرنگی و وسایل دیگر توانبخشی را تولید می‌کردیم، اما بعد تصمیم گرفتیم که فعالیت خود را در زمینه تولید صندلی‌های چرخدار جدید تخصصی کنیم. او ادامه می‌دهد: ما از یک واشر کوچک ویلچر تا چرخ کامل آن را خودمان قالب ریزی و تولید می‌کنیم و وابسته به هیچ شرکت یا تولیدکننده دیگری نیستیم. او می‌افزاید: شاید در ایران بیش از یکی دو شرکت نباشند که این‌گونه کار کنند. او در مورد بازار کارشان می‌گوید: بازار ما نه خیلی خوب و نه خیلی بد است اما به هر حال این کار را ادامه می‌دهیم و در فکر گسترش آن نیز هستیم.

## ورزش برای افراد دارای معلولیت، حکم درمان را دارد

با یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در این نمایشگاه که ویلچرهای تخصصی ورزشی تولید می‌کند هم به گفتگو نشستیم. فریدون خشت‌زر بازیکن سابق تیم ملی بسکتبال با ویلچر است. او که مدیرعامل شرکت «سه‌ه‌ند ویلچر اسپورت» می‌باشد، در حال حاضر در حوزه طراحی و تولید ویلچرهای ورزشی فعالیت دارد. از او در خصوص فعالیت‌های تولیدی‌اش سوالاتی کردیم:

### الگوی تهیه این نوع ویلچرهای ورزشی را از کجا به دست آورده‌اید؟

من چون خودم سال‌ها بسکتبال با ویلچر انجام می‌دادم، به انجام این کار متمایل

شدم. من در سال ۱۳۵۹ جذب ورزش بسکتبال با ویلچر شدم. آن زمان ویلچر ورزشی در ایران وجود نداشت و ما با ویلچرهای ارتوپدی ایرانی که وضع خوبی هم نداشت بازی می‌کردیم. همان موقع جرقه‌ای در ذهن من زده شد که حداقل شرایطی برای خودم ایجاد کنم که بتوانم راحت‌تر بسکتبال بازی کنم، چون ورزش برای معلولان حکم درمان و پیشگیری کننده از عوارض معلولیت را دارد. زمانی



که من بسکتبال با ویلچر را شروع کردم معلولیتم خیلی شدید بود. حتی دست راستم دچار معلولیت و دامنه حرکتی من خیلی محدود بود. زمانی که ورزش را شروع کردم روزبه‌روز شرایطم بهتر شد و از همان زمان به این فکر افتادم که باید ویلچری داشته باشم که بتوانم راحت‌تر بازی کنم. از همان سال‌ها کار را شروع کردم، ولی چند سالی فقط برای خودم و چند نفر از دوستانم که از این ویلچرها استقبال می‌کردند، می‌ساختم. اما از سال ۶۵ به بعد به طور جدی دنبال این کار رفتم و کارگاه «سه‌ه‌ند ویلچر اسپورت» را تاسیس نمودم. من توانستم طرح‌های زیادی را ارائه بدهم و این افتخار را دارم که فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان سال گذشته برای حضور در مسابقات جهانی بسکتبال با ویلچر، ویلچرهای مورد نیازشان را از ما خریداری کردند و با آنها در مسابقات شرکت کردند.

### چه تفاوتی بین ویلچرهای ورزشی و ویلچرهای معمولی وجود دارد؟

ویلچرهای معمولی که اصطلاحاً به آنها ویلچر ارتوپدی گفته می‌شود، مخصوص بیمارستان‌هاست. این نوع ویلچرها ترمز دارند و به دلیل داشتن قابلیت تا شدن حمل و نقل آنها در خودرو آسان‌تر است. اما ویلچرهای ورزشی مهم‌ترین فاکتورشان وزن

سبک آنهاست. وقتی می‌خواهیم وزن ویلچر را کاهش دهیم ناگزیر هستتیم یک سری قطعات را کم کنیم، مثل ترمزها و یا قطعات مربوط به تا شدن ویلچر. این قطعات باید



آیروینامیک باشد و بازیکن بتواند سرعت بیشتری بگیرد و از قابلیت مانور بیشتری برخوردار باشد. این وجه تمایز ویلچرهای معمولی و ورزشی است.

### چگونه به این تکنولوژی دست پیدا کردید؟

می‌گویند احتیاج، مادر اختراع است و چون من شرایط جسمانی‌ام به این شکل بود و خودم هم بازیکن بسکتبال بودم می‌دانستم که به چه نوع ویلچری نیاز دارم. همه این موارد را در تولیداتم اعمال کردم، ضمن اینکه از طریق اینترنت اطلاعات لازم را از شرکت‌های خارجی تولیدکننده ویلچر ورزشی که دارای برندهای جهانی بودند هم گرفتم. ولی تجربه‌ای را که خودم از سی و چندسالی که بسکتبال بازی می‌کردم به دست آورده‌بودم را در این طرح‌ها لحاظ کردم و توانستم ویلچرهایی تولید کنم که با استانداردهای جهانی مطابقت داشت.

### آیا در کارگاه خود از پرسنل دارای معلولیت هم استفاده می‌کنید؟

بله. ما از تعدادی از بچه‌های دارای معلولیت که شرایط فیزیکی و بدنی آنها طوری است که می‌توانند در خط تولید کار کنند، استفاده می‌کنیم. این اولویت من به عنوان یک تولیدکننده دارای معلولیت است که این دوستان را به کار بگیرم.

### آیا شما فقط ویلچر ورزشی تولید می‌کنید؟

ما یک نوع ویلچر ارتوپدی خاصی هم تولید می‌کنیم که به آنها نیمه اسپرت می‌گویند. بازیکن بسکتبالیست ما که از ویلچرهای خاصی استفاده می‌کند، نمی‌تواند با همان ویلچر به بیرون از سالن بیاید، آنها فقط مخصوص سالن هستند. ما به این مساله هم فکر کردیم و یک ویلچر نیمه اسپرت ارتوپدی برای معلولان طراحی کردیم که برای شخصی که قرار است به یک بسکتبالیست معلول سرویس بدهد و ویلچر را در ماشین بگذارد راحت باشد. مواد اولیه تمام محصولات ما از جنس آلومینیوم صنعتی است که کمک می‌کند که ویلچرهای ورزشی قابلیت سرعت و مانور بالایی داشته باشد. البته ویلچرهای ارتوپدی ما هم خیلی سبک هستند.

### آیا شما با فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان در ارتباط هستید؟

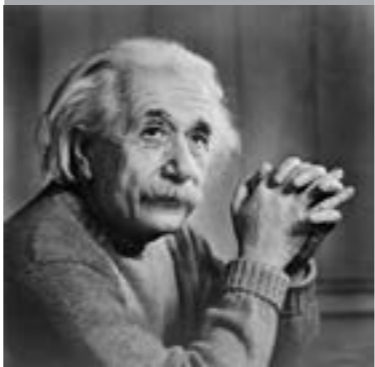
بله ما ارتباط خوبی با این فدراسیون داریم. ما، هم به آنان ویلچر می‌دهیم و هم در زمانی که اعزام دارند تیم‌های ورزشی را مورد حمایت قرار می‌دهیم. اکیپ ما با گروه همراه می‌شوند و کارهای تعمیراتی ویلچرهایشان را انجام می‌دهند.

### با چه مشکلاتی در فعالیتتان روبه‌رو هستید؟

این‌طور فعالیت‌ها نیاز به حمایت دارند. من تا این‌جا با هزینه‌های شخصی خودم کار کرده‌ام. متأسفانه طی این سال‌ها نه سازمان بهزیستی و نه ارگان‌هایی که داعیه حمایت از تولید ملی و تولیدکننده داخلی را دارند، هیچ‌کدام به سراغ ما نیامده‌اند. می‌گویند تا بچه گریه نکند به او شیر نمی‌دهند، ما گریه هم کرده‌ایم ولی خبری از حمات سازمان‌های دولتی و ارگان‌های

دیگر نیست! اگر به غرفه‌های این نمایشگاه نظری بیاندازید، می‌بینید که اکثر شرکت‌ها، وارد کننده محصولات توانبخشی هستند و به ندرت شرکتی را می‌بینید که خودش تولیدکننده باشد. ولی من این افتخار را داشته‌ام که به عنوان یک تولیدکننده در این نمایشگاه شرکت کنم و محصولاتم را به نمایش بگذارم. آقای‌هاشمی ریاست محترم سازمان بهزیستی از نمایشگاه دیدن کردند و نمونه کارهای ما را دیدند و قول‌هایی هم دادند که امیدواریم به نتیجه برسد. همان‌طور که گفتم ورزش برای فرد دارای معلولیت حکم درمان را دارد و از پیشرفت معلولیت جلوگیری می‌کند. ورزش خودش یک نوع توانبخشی است. من مسوولان محترم کشوری را مورد خطاب قرار می‌دهم و می‌گویم که اگر از ورزش معلولان حمایت کنند می‌شود از عوارض معلولیت پیشگیری کرد. وقتی یک فرد معلول ورزش بسکتبال با ویلچر را انجام می‌دهد خواه ناخواه تمام معلولیت هستند و چه اندام‌های سالم او در حال فعالیت هستند. بسکتبال با ویلچر رشته‌ای است که قدرت کمر فرد معلول را افزایش می‌دهد و به دلیل سرعت گرفتن و مانور دادن در حین بازی، باعث می‌شود همه اعضای بدن فرد دارای معلولیت فعال شود.

اکنون من سلامتی دست راستم را مدیون ورزش هستم. از نظر اقتصادی هم دولت باید از تولید ویلچرهای ورزشی حمایت کند. در این شرایط اقتصادی اگر دولت بخواهد همین ویلچرهای ورزشی را وارد کند باید متقبل هزینه‌های زیادی شود. در حالی که قیمت محصولات ما که با همان مواد اولیه و همان بازدهی ویلچرهای وارداتی تولید می‌شوند، باقیمت آنها خیلی متفاوت است. برای مثال نمونه ایتالیایی ویلچرهای دوومیدانی یا ویلچرهای سرعتی حدود ۱۵۰ میلیون تومان است که ما با سی میلیون تومان این ویلچرها را تولید می‌کنیم. ما تمام قطعات این ویلچرها را خودمان تولید می‌کنیم و با قیمت مناسب در اختیار ورزشکاران و فدراسیون‌های ورزشی قرار می‌دهیم. حمایت‌های دولتی می‌تواند به توسعه و افزایش تولیدات داخلی منجر شود که از اهداف شرکت‌هایی مانند ما است. ♦



## انیشین، آلبرت (۱۸۷۹-۱۹۵۵م) فیزیکدان، معلولیت در یادگیری

از کتاب «نواغ و مشاهیر معلول جهان» گردآورنده: منصور برجیان

انیشین آنچه برای وی لازم بود مدادی بود و کاغذی و مغز فعالش. انیشین در سال تاریخی و به یاد ماندنی ۱۹۰۵ م. در مجله آلمانی؛ رویدادهای فیزیکی سال، پنج مقاله منتشر کرد که سه عنوان آن از مهم‌ترین نوشته‌های علمی است که تاکنون انتشار یافته و هر یک پایه شعبه جدیدی در علم فیزیک شده‌است. این مقالات عبارتند از:

۱- اثر فتوالکتریک و تطبیق نظریه کوانتوم در توجیه پدیده نور و برق.

۲- تجزیه و تحلیل ریاضی حرکت براونسی و قابلیت استفاده آن برای تعیین اندازه مولکول مواد.

۳- شرح نظریه نسبیت که موجب تحولی بزرگ در علوم شد. وی در این مقاله تحولی بزرگ را که دیگران فقط درباره آن اندیشیده بودند، عملاً صورت داد.

در سال ۱۹۲۱ م. به پاس دستاوردهایش در فیزیک نظری به ویژه برای کشف قانون حاکم بر پدیده فتوالکتریک به اخذ جایزه نوبل نایل آمد. انیشین در ۱۹۲۹ م. نظریه میدان واحد را عرضه کرد که هدفش توجیه پدیده‌های گرانشی و زیراتمی به وسیله یک دستگاه قوانین واحد است. وی مدت بیست و پنج سال آخر عمر خود را صرف بسط و تحقیق در نظریه میدان واحد کرد، ولی تا هنگام مرگ تحقیقات خود را در اثبات این نظریه کافی نمی‌دانست. آلبرت در ۱۹۳۰ م به آمریکا رفت و از کالیفرنیا دیداری کرد تا بنابر دعوتی که از وی به عمل آمده بود در انستیتوی تکنولوژی کالیفرنیا سخنرانی‌هایی ایراد کند. پس از روی کار آمدن هیتلر دیگر برای وی موقعیتی برای بازگشت به آلمان نبود خاصه آن‌که در ۱۹۳۳ م دولت آلمان نازی اموال او را مصادره کرد و او را از کار برکنار کرده‌بود. انیشین نیز دعوت موسسه تحقیقات عالیه پرنستون را که قبل از این حادثه از وی به عمل آمده‌بود پذیرفت و در آن‌جا مقام گزید و در سال ۱۹۴۰ م به تبعیت دولت آمریکا درآمد.

آلبرت انیشین متفکر و فیزیکدان نامی در چهاردهم مارس ۱۸۷۹ م. در شهر اولم‌اندردونو واقع در ایالت ورتمبرگ آلمان در خانواده‌ای یهودی دیده به جهان گشود. دوران کودکی او در شهر مونیخ سپری شد. کودکی تندرست و نیرومند و کنجکاو بود ولی برخلاف سایر کودکان به بازی با همسالان خود تمایل زیادی نشان نمی‌داد. آلبرت انیشین در مونیخ تحصیل کرد. وضع او در مدرسه مشابه وضع نیوتن بود. نه فقط هیچ‌گونه آثار هوشمندی و نبوغ در وی دیده نمی‌شد بلکه در مدرسه چنان کند ذهن می‌نمود که عده‌ای او را جزو کودکان عقب‌افتاده می‌پنداشتند. خصوصیات بسیار دیگری نیز در مشابعت او و نیوتن در دست است و به راستی از زمان نیوتن تاکنون یگانه دانشمندی است که می‌توان او را همتراز این دانشمند انگلیسی به حساب آورد.

در سال ۱۸۹۴ م هنگامی که والدینش به شهر میلان در ایتالیا کوچ کردند آلبرت کماکان در آلمان ماند تا تحصیلات متوسطه خویش را به پایان برساند. وی جز ریاضیات، به سایر دروس مدرسه علاقه‌ای نداشت و ذوقی نشان نمی‌داد به همین مناسبت هم مدرسه را ترک کرد تا تمام سعی و کوشش خود را مصروف این رشته بدارد. پس از دیداری از ایتالیا برای تحصیل به سوئیس رفت، لکن از آن‌جا که جز در ریاضیات در سایر رشته‌ها فوق‌العاده ضعیف بود ثبت نامش با اشکالات عدیده‌ای صورت گرفت. پس از فارغ‌التحصیل شدن کوشید شاید شغلی به دست آورد. لکن واگذاری شغل به جوانی یهودی آن هم تبعه دولتی بیگانه، به سهولت مقدور نبود و دشواری‌های فوق‌العاده در برداشت. سرانجام در سال ۱۹۰۱ م در اداره ثبت اختراعات شهر برن شغل کم اعتباری به دست آورد. در همین جا بود که کارهای علمی خود را آغاز کرد. خوشبختانه تحقیقات علمی او نیازی به آزمایشگاه و وسایل و تجهیزات







## به فکر کم کردن نمک غذایان باشید

● بروشور غذاهای شور مرکز بهداشت و درمان صداوسیما

افراد را بعد از مصرف غذاهای کم نمک و غذاهای شور آزمایش کردند و دریافتند در کسانی که غذاهای شور مصرف می‌کنند، این توانایی به نصف کاهش می‌یابد. توانایی گشاد شدن سرخرگ‌ها برای کمک به کار قلب در بدن اهمیت بسیاری دارد و از دست رفتن این توانایی نشانه اولیه روند تصلب شرایین (سخت شدن دیواره‌ی سرخرگ‌ها) است که می‌تواند منجر به سکته قلبی و مغزی می‌شود.

نمک نخوریم، پس چی بخوریم؟! خودتان نمک سالم بسازید

لازم نیست حتما فشار خون بالا داشته‌باشید تا پرهیز از نمک را در برنامه غذایی‌تان قرار دهید. این کار برای پیشگیری از مبتلا شدن به فشار خون هم مفید و سودمند است. از آنجا که مصرف غذاهای شور با تغییر ذائقه شما باعث می‌شود به این مواد عادت کنید، بهتر است همین حالا به فکر کم کردن نمک غذایان باشید. البته این روزها نمک‌های جایگزین در داروخانه‌ها پیدا می‌شوند که سدیم کمتری نسبت به نمک طعام دارند

ولی این مواد هم خالی از ضرر نیستند چراکه به جای سدیم در آنها پتاسیم وجود دارد و مصرف پتاسیم هم عوارض زیاد محدودیت‌های خاص خود را دارد. نمک دریایی، خالی از سدیم نیست، بلکه نسبت به نمک طعام معمولی سدیم کمتری دارد. در اینجا دو مدل ادویه جایگزین نمک را که می‌توانید در خانه تهیه کنید شرح می‌دهیم:

یک جایگزین خوب دو قاشق غذاخوری پودر آویشن، یک قاشق چای خوری فلفل قرمز، ۱/۵ قاشق غذاخوری پودر خردل، یک قاشق چایخوری پودر پیاز و نصف قاشق چایخوری پودر شوید را با هم در آسیاب برقی بریزید و خوب مخلوط کنید تا پودر نرم یکنواختی به دست بیاید.



ادویه خانگی جایگزین نمک یک قاشق غذاخوری پودر سیر، یک قاشق غذاخوری پودر پوست پرتقال، یک قاشق غذاخوری شکر، دو قاشق غذاخوری بذر کرفس، دو قاشق چای خوری فلفل سیاه، دو قاشق غذاخوری پودر پیاز، یک قاشق چای خوری فلفل سفید، یک قاشق چای خوری پودر پوست لیموترش و نوک قاشق چای خوری فلفل قرمز را در آسیاب برقی ریخته و خوب مخلوط کنید تا جایی که پودر یک دستی حاصل شود. این مخلوط را در یک نمکدان با اندازه سوراخ‌های مناسب ریخته و در آن را محکم ببندید. این پودر باید در جای خشک و خنک و دور از نور نگهداری شود. ♦

منبع: www.irfi.ir

## جوانه‌ها، مولتی ویتامین‌های طبیعی

**جوانه‌ها مولتی ویتامین‌های طبیعی** آیا این درست است که می‌گویند جوانه از خود دانه غنی‌تر است؟ آیا جوانه‌ها از نظر ارزش تغذیه‌ای بر یکدیگر برتری دارد؟ مزیت اصلی هر جوانه در چیست؟ پودر جوانه در مقایسه با جوانه تازه مزیتی هم دارد؟ آیا جوانه‌ها سهمی در تغذیه کودکان یا سالمندان دارد؟

### دانه جوانه زده غنی‌تر است

اما چرا می‌گوییم غلات یا حبوبات جوانه زده مفیدتر است؟ طی جوانه زدن، نشاسته، پروتئین و چربی‌های موجود در دانه به واحدهای کوچک‌تری تجزیه می‌شود و قابلیت هضم و جذب بهتری پیدا می‌کند.

در این فرآیند میزان ویتامین و املاح معدنی دانه همچون کلسیم، فسفر، منیزیم، ویتامین‌های گروه ب و پروتئین آن دو تا سه برابر و حتی بیشتر افزایش می‌یابد، اما از کالری و کربوهیدرات آن دو برابر کاسته می‌شود. البته لازم است بدانید کاهش کالری به معنای حذف کالری نیست.

اگر در صد گرم گندم ۴۰۰ کالری انرژی نهفته باشد در همین میزان جوانه آن ۲۰۰ کالری انرژی وجود دارد و مصرف یک فنجان جوانه می‌تواند تامین کننده بخش عمده ای از نیاز روزانه بدن ما باشد.

### هر جوانه هزار مزیت دارد

**جوانه گندم:** ارزش غذایی چهار قاشق غذاخوری جوانه گندم معادل یک کف دست نان است. این جوانه نسبت به دانه آن سه تا ۱۲ برابر ویتامین ب و سه برابر ویتامین ای دارد و به واسطه سلنیوم، منیزیم و ویتامین ای رادیکال‌های آزاد مضر بدن را حذف می‌کند و موجب تقویت سیستم ایمنی بدن و افزایش فعالیت‌های مغزی و غدد جنسی می‌شود. سمنو، سوهان و حلیم به شرطی که با جوانه گندم تهیه شده باشد تا حدودی خواص این جوانه را دارد.

**جوانه ماش:** خاصیت بارز این جوانه

برطرف کردن خستگی و رخوت است. باعث ازدیاد شیر مادران شده و ادرار آور خوبی است. سموم بدن را دفع کرده و صفرا بر است. این جوانه به دلیل خاصیت غذایی بالا، فرد گرسنه را زود سیر می‌کند. میزان اسید فولیک و پتاسیم آن بسیار بالاست و مصرف آن برای پیشگیری از بیماری‌های قلبی - عروقی و پرفشاری خون توصیه می‌شود، اما کسانی که اسید اوریک یا نقرس دارند باید در مصرف آن محتاط باشند.

**جوانه شبدر:** کلسیم فراوانی داشته و کم کالری است. باعث تنظیم هورمون‌های بدن می‌شود، برای آرامش اعصاب مفید است، گرگرفتگی و بدخلقی ناشی از علائم یائسگی را بهبود بخشیده و تصفیه کننده خون و تقویت کننده کبد است.

**جوانه یونجه:** به دلیل دارا بودن منگنز و کروم در ساخت انسولین طبیعی بدن نقش مهمی داشته و عرب‌ها آن را سلطان جوانه‌ها می‌نامند. جوانه یونجه به جهت داشتن ساپونین موجب کاهش کلسترول بد خون شده و از سختی و رسوب عروق می‌کاهد. کلسیم بالای آن برای استخوان سازی کودکان در حال رشد مفید است و دو برابر اسفناج آهن دارد. به یاد داشته باشید که این جوانه تا حدودی نفاخ و ملین است.

**جوانه عدس:** شستشودهنده کلیه‌ها و افزایش انرژی است و به دلیل پروتئین زیاد، خاصیت سیرکنندگی بالایی دارد. بد نیست بدانید جوانه عدس قرمز در مقایسه با انواع دیگر آن آهن و کلسیم بیشتری دارد.

**جوانه نخود:** پروتئین زیادی دارد و سرشار از فسفر و کلسیم است و میزان مواد معدنی آن پنج برابر دانه نخود است.

### جوانه‌ها در تغذیه سالمندان چه نقشی دارد؟

گاهی سالمندان به دلیل احساس تنهایی بی‌اشتها می‌شوند. در واقع تنهایی عاملی است که سالمند علاقه‌ای برای تهیه و

طبخ غذا برای خود نداشته باشد. البته گاهی تاثیر برخی داروها یا افزایش سن هم سبب کم شدن اشتها به غذا می‌شود. گاهی هم برخی سالمندان به دلیل پرهیز غذایی مجبور به استفاده از خوردنی‌های کم چرب و کم شیرین با حداقل نمک هستند و همین عامل موجب بی مزه یا بدمزه شدن غذای آنان می‌شود. بر این اساس برای آن که سالمندان دچار سوءتغذیه نشوند، باید از مواد غذایی مقوی و مغذی استفاده کنند و بهترین توصیه به آنان اضافه کردن جوانه گندم، ماش، عدس یا پودر آن به غذاهایشان است.

جوانه‌ها با وجود حجم کم، اشتهاآور خوبی بوده و انرژی و پروتئین از دست رفته را جبران می‌کند. بسیاری از پزشکان مصرف جوانه‌ها را برای کاهش تورم، افسردگی و حتی استرس و بسیاری از مشکلات کبدی به سالمندان توصیه می‌کنند.

### ردپای جوانه‌ها در غذای مکمل کودک

اما بیشترین سوالی که خانواده‌ها از متخصصان و کارشناسان علوم غذایی می‌پرسند این است که آیا می‌توان در غذای مکمل کودک از جوانه‌ها استفاده کرد؟ در منابع جدید علمی در مورد استفاده از جوانه‌ها بخصوص جوانه گندم در رژیم غذایی کودک اختلاف نظر فراوان وجود دارد. ولی آنچه مورد تأیید استادان انجمن ترویج تغذیه با شیر مادر است، استفاده از گندم و فرآورده‌های آن به بعد از پایان هشت ماهگی کودک موکول شده است.

توصیه می‌شود برای بچه‌های بین دو تا پنج سال جوانه گندم را به ماست اضافه کنید. اگر هم کودک بالای پنج سال دارد، جوانه‌ها را به سالاد او بیفزایید. بهتر است جوانه عدس و ماش به سبب هضم آسان‌تر و مقوی و مغذی‌تر بودن در سوپ، آش یا در پوره و فرنی کودک استفاده شود. مصرف جوانه همراه با سالاد یا ساندویچ خانگی، میان وعده ای مناسب برای تمام افراد بخصوص دانش آموزان است. ♦

## افتتاح کانال رسمی رعد در سایت آپارات

به منظور ارتباط بهتر و بیشتر از طریق شبکه‌های اجتماعی؛ مجتمع آموزشی و نیکوکاری رعد کانال رسمی خود را در وب سایت آپارات راه اندازی کرد. در این وب سایت ویدیوهای زیادی در مورد رعد و اتفاقاتی که در این مجموعه رخ می‌دهد وجود دارد. شما می‌توانید با کلیک بر روی آدرس: [www.aparat.com/raadcharity](http://www.aparat.com/raadcharity) از اخبار تصویری این مجموعه با خبر شوید



## برگزاری چهاردهمین جشنواره غذای خیریه رعد

بار دیگر جشنواره غذای خیریه رعد با استقبال چشم‌گیر مردم مهرپیشه شهرمان در محیطی سرشار از عطر نوع‌دوستی و توانمندسازی با محوریت گروه همیاری بانوان و جوانان از روز چهارشنبه ۲۳ تا جمعه ۲۵ مهر برگزار شد.

با حضور برندهای معتبر صنایع غذایی، رستوران‌ها و فست‌فودهای معروف شهر در کنار عرضه انواع غذاهای بومی و محلی که به همت گروه همیاری بانوان تهیه شده بود، جشنواره غذای رعد را به فضایی پر از نشاط و شادی برای خانواده‌ها و نیکوکاران تبدیل کرد به نحوی که بارش باران پاییزی هم اجرای این مراسم را با وقفه و مشکل روبرو نکرد و مردم تا پایان مراسم علاوه بر خرید غذاهای مورد علاقه خود از برنامه‌های جانبی مانند جمع‌آوری کمک به مددجویان نیازمند و نیز حضور در قرعه‌کشی جوایز فرهنگی استفاده و استقبال کردند.

فارغ از فضای خوردنی‌های خوشمزه و نوشیدنی‌های گوارا مانند: آب میوه‌های طبیعی، چای و نسکافه، امکان برای عضویت فراهم شده بود تا دوستانی که برای نخستین بار به مجتمع رعد وارد شده بودند با تکمیل فرم ثبت نام به صف حامیان همیشگی حمایت از آموزش، توانبخشی و اشتغال توان‌یابان رعد به پیوندند.

یکی از نکته قابل توجه جشنواره امسال حضور مؤسسه بچه‌های سیب بود که با معرفی فعالیت‌ها و عملکرد خود ضمن آشنا ساختن مردم با برنامه‌های آن خیریه، امکان همکاری افراد علاقه‌مند را فراهم ساخته بودند.



## تجلیل شورای عالی ایرانیان خارج از کشور از پروفسور مریم میرزاخانی

لوح سیاسی شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور نهاد ریاست جمهوری به پاس کسب بالاترین جایزه علمی ریاضیات جهان به پروفسور مریم میرزاخانی اهدا شد. در این جلسه که مهندس احمد میرزاخانی رئیس هیأت مدیره و پدر پروفسور مریم میرزاخانی، دکتر سید مجید حلاج‌زاده مشاور دبیرکل و شورای عالی ایرانیان خارج از کشور و جمعی از اعضای هیأت مدیره مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد حضور داشتند، دکتر حلاج‌زاده نماینده دبیرکل شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور ضمن تبریک این موفقیت علمی به پدر و سایر اعضای خانواده پروفسور مریم میرزاخانی، افزود: کشور عزیز ایران به داشتن سرمایه‌های ارزشمندی هم‌چون پروفسور مریم میرزاخانی افتخار می‌کند و حضور این دانشمندان جوان در جهان باعث ارتقا دانش بشری خواهد بود.

در ادامه این نشست مهندس احمد میرزاخانی رئیس هیأت مدیره مجتمع رعد با ابراز تشکر از دقت نظر شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور نهاد ریاست جمهوری، افزود: تجلیل از نخبگان و دانشمندان ایرانی سنت پسندیده‌ای است که باعث

تشویق جوانان و دانشجویان به کسب مراتب علمی بالاتر خواهد شد. رییس هیأت مدیره مجتمع رعد با بیان ضرورت حمایت از استعدادها و جوان کشور برای رسیدن به قله‌های علمی و فرهنگی، افزود: مجتمع رعد با پیگیری همین سیاست اصولی پس از تأسیس نخستین مرکز آموزش عالی مناسب‌سازی شده برای تحصیل افراد دارای معلولیت و اعطای تسهیلات ارزشمند تحصیلی به این گروه از شهروندان در نظر دارد با برگزاری دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مسیر علم آموزشی

توان‌یابان را هر چه بیشتر هموار سازد. شایان ذکر است؛ پروفسور مریم میرزاخانی استاد ریاضی دانشگاه استنفورد و دانش‌آموخته کارشناسی ریاضی دانشگاه صنعتی شریف به عنوان نخستین زن دریافت‌کننده مدال فیلدز در جهان است که از این مدال به عنوان نوبل ریاضی یاد می‌شود.



## جشنواره توانمندی‌های توان‌یاب در رعد برگزار می‌شود

همزمان با روز جهانی معلولان و به منظور گرامیداشت سی امین سال فعالیت مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد نخستین دوره جشنواره علمی، فرهنگی و هنری توانمندی‌های توان‌یاب در این مجتمع برگزار می‌شود.

مدیر روابط عمومی مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد دبیر نخستین دوره جشنواره علمی، فرهنگی و هنری توانمندی‌های توان‌یاب با اعلام این خبر افزود: هدف از برگزاری این جشنواره معرفی توانمندی‌های علمی، فرهنگی و هنری افراد دارای معلولیت به جامعه، ایجاد انگیزه برای مخترعان این حوزه و قدرشناسی از فعالیت‌های مؤثر در حوزه معلولیت در سراسر کشور است.

وی ادامه داد: نخستین دوره جشنواره توانمندی‌های توان‌یابان در ۳ محور هنری در رشته نقاشی، محور علمی در رشته اختراع مرتبط به معلولان با هدف ارتقا و بهبود کیفیت زندگی توان‌یابان و محور فرهنگی، اجتماعی با معرفی تجربه موفق در حوزه معلولیت برگزار می‌شود. دبیر نخستین دوره جشنواره علمی، فرهنگی و هنری توانمندی‌های توان‌یابان ادامه داد: با هماهنگی‌های به عمل آمده هدایای ویژه ای برای برگزیدگان این دوره در نظر گرفته شده است که در محورهای هنری و اختراع سکه بهار آزادی به برگزیدگان اهدا خواهد شد.

وی افزود: در بخش داوری از کارشناسان خبره در هر ۳ محور برای انتخاب آثار دعوت به عمل آمده است و اسامی داوران جشنواره اوایل آبان ماه اعلام خواهد شد.

مدیر روابط عمومی مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد افزود: علاقمندان می‌توانند از پانزدهم مهرماه با مراجعه به سایت مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد به نشانی [www.raad-charity.org](http://www.raad-charity.org) برای ثبت نام و حضور در جشنواره مراجعه نمایند.





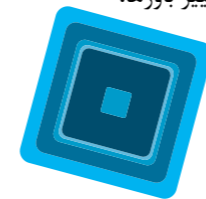
## سی سال رعد

(ویژه نامه سی سالگی تاسیس مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد)



**نام کتاب:** موفقیت نامحدود در ۲۰ روز  
**نویسنده:** آتونی رایبیز  
**مترجم:** فریبا جعفری نمینی  
**ناشر:** نسل نو اندیش  
 چاپ بیست هشتم، ۱۳۹۰

این کتاب در حوزه روانشناسی است و شامل یک برنامه آموزشی است. طی این برنامه آموزشی خوانندگان روش‌های دستیابی به قدرت درون را طی ۲۰ روز فرا می‌گیرند. در پایان هر روز تمریناتی نیز برای خوانندگان در نظر گرفته شده است. از عمده‌ترین مباحث این کتاب می‌توان به قدرت درونی، نیروهای کنترل کننده زندگی، راه‌های رسیدن به خواسته‌ها، تغییر باورها، رسیدن به موفقیت مالی، روابط موفق، روش‌های رویارویی با مشکلات و... اشاره کرده است.



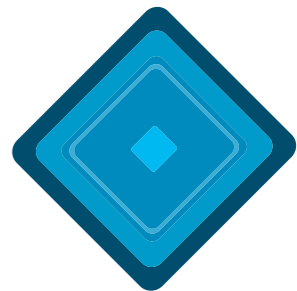
**نام کتاب:** رازهای دربارهی زندگی که هر فردی باید بداند  
**نویسنده:** باربارا دی آنجلیس  
**مترجم:** هادی ابراهیمی  
**ناشر:** نشر نو اندیش  
 چاپ ششم، ۱۳۸۹

این کتاب در حوزه روانشناسی است که شامل یک مقدمه به قلم نویسنده و ۱۰ فصل می‌باشد. در ابتدای هر فصل جملاتی از بزرگانی آورده شده که گوینده برخی از آنها ناشناس هستند. نویسنده در ابتدای هر فصل با داستانی شروع می‌کند و سپس نکته مفید روانشناسی را با عنوان «راز» بیان می‌کند. این کتاب درباره مسائلی است که همه انسان‌ها در زندگی در جستجوی آن هستند. مسائلی از قبیل دستیابی به آزادی واقعی که تمام عارفان به دنبال آن بوده‌اند. این آزادی از نوع آن چه که تغییرپذیر است نیست، بلکه برخاسته از دانش، توانایی، خوشحالی و رضایت و حفاظت از خویش علی‌رغم سختی‌ها و مشکلات زندگی است. این حس به ما اعتماد به نفسی می‌دهد که هر روز از زندگیمان را با خوشحالی، توانمندی و آرامشی بیشتر سپری کنیم. نکته مهم این است که این احساس‌رهایی چون از درون سرچشمه می‌گیرد، هیچ کس نمی‌تواند آن را از بین ببرد و به ما این امکان را می‌دهد تا در سفری خودآگاهانه، به کشف حقایق زندگی بپردازیم و به زندگی خود معنا و مفهوم ببخشیم.



معرفی کتاب





## همه چیز در مورد رعد، از زبان خانم مدیرعامل

مجتمع آموزشی، نیکوکاری رعد در فعالیت سی ساله‌اش شاهد حضور مدیران عامل زیادی بوده که هر کدام در دوره مدیریت خود، نقش‌های ارزنده‌ای در پیشبرد فعالیت‌های این مرکز داشته‌اند. مدیرعامل کنونی مجتمع، صدیقه اکبری است. او که ۵ سال است در این سمت فعالیت می‌کند از اولین کسانی است که در گروه همیاری بانوان از بیست سال قبل، با مجتمع رعد شروع به همکاری کرده است. مدیرعامل کنونی رعد، معمار داخلی و نقاش است اما او بیشترین فعالیت خود را معطوف به خدمت رسانی به افراد دارای معلولیت در مجتمع رعد کرده‌است.

### خانم اکبری، لطفاً در ابتدای گفتگو خودتان را بیشتر معرفی کنید.

صدیقه اکبری، مدیرعامل مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد هستم و مدت ۵ سال است که در این سمت مشغول به فعالیتیم. من رشته زبان انگلیسی را در ایران و رشته معماری داخلی را در لندن خوانده‌ام. علاوه بر آن نقاش هم هستم و به این کار علاقه زیادی دارم. البته من در رشته تحصیلی خودم فعالیتی نداشتم ولی از حدود بیست سال پیش که توسط یکی از دوستان با مرکز رعد آشنا شدم،



همکاری‌ام را با این مرکز، با عضویت در گروه بانوان همیار شروع کردم. این گروه در آن زمان گروهی اندک از بانوان خیری بودند که دور هم جمع شده و می‌خواستند در جهت اهداف مجتمع رعد فعالیت کنند. در آن زمان خانم‌ها توحیدی، رضیه رسولیان، عمرانی، منصوریان، من و خواهرم گروه بانوان را تشکیل می‌دادیم. در آن زمان آقای منصوریان مدیریت این مرکز را به عهده داشتند و همسر ایشان، فاطمه فرهنگ‌خواه، نیز مسئول گروه بانوان بودند. پس از مدتی آقای منصوریان از من خواستند که مسئولیت گروه بانوان را برعهده بگیرم و من هم با اینکه هیچ‌گونه تجربه‌ای در این زمینه نداشتم، قبول کردم. روزی که به اینجا آمدم، فکر نمی‌کردم زمانی این مرکز چنین گسترش و وسعتی پیدا کند و من مدیرعامل آن شوم! در آن زمان فقط یک اتاق داشتیم که پرده‌ای در آن زده بودیم، این طرف پرده ما کار می‌کردیم و پشت پرده هم، کلاس‌های موتورپیچی (سیم پیچی موتور) و تعمیر لوازم خانگی برگزار می‌شد. به هر حال مرکز این‌گونه شروع به کار کرد و با کمک گروه بانوان و بعد از آن گروه جوانان و کمک خیرین کم کم توسعه یافت.

### در مورد گروه بانوان همیار رعد بیشتر توضیح دهید؟

خانم‌هایی که در گروه بانوان مشغول به

فعالیتند، بسیار دلسوز و توانا هستند و نقش مادری را برای رعد بازی می‌کنند. همه آنها به نوعی مدیر هستند و همه چیز را به خوبی برنامه‌ریزی می‌کنند و دقت دارند که حیف و میلی صورت نگیرد. من به مدت ده سال مدیرگروه بانوان بودم و همیشه سعی کرده‌ام، کارگروهی را تقویت کنم. چون خیراتی که در کار گروهی و با همدلی اعضای آن و با یک هدف واحد به دست می‌آید، بسیار پربرکت است.

### گروه جوانان رعد هم یکی از استوانه‌های موثر رعد هستند، در مورد این گروه هم برایمان بگویید؟

گروه جوانان یک سال بعد از گروه بانوان شروع به کار کردند. این جوانان نیز با تعداد اندکی که بیشترشان فرزندان اعضای هیات مدیره و گروه بانوان بودند، تشکیل شد. آنها در سال‌های اول تشکیل گروه، نمی‌دانستند که چه کارهایی را می‌توانند انجام دهند. ولی هر چه گذشت، تعداد اعضایشان و فعالیتشان افزایش یافت و پیشرفت آنها حتی نسبت به گروه بانوان با شیب بیشتری جلو رفت. در اوایل آقای محمود توسلی مسئول گروه جوانان بودند. در آن زمان تعدادشان از ده، دوازده نفر بیشتر نبود. بعد از آن خانم نجفی‌زاده مسئولیت این گروه را برعهده گرفتند و سپس پسر من، رحمان علاقمند که از بچگی با رعد بزرگ شده بود و به این مرکز علاقه داشت، مدیر این گروه شد. به مرور تعداد جوانانی که به این گروه پیوستند افزایش یافت و با افزایش اعضا، ایده‌های نوینی مطرح شدند. گروه جوانان ایده‌هایی نو و بلندپروازانه‌ای را به اجرا گذاشتند که یکی از آنها؛ حراج آثار هنری بود که نتیجه خوبی هم داشت. حسن بزرگی که این گروه دارند این است که خیلی جسورانه فکر و عمل می‌کنند. پول برای آنان مثل گروه بانوان خیلی معنی‌دار نیست. به عبارتی آنها به راحتی پول خرج می‌کنند ولی بالاتر از آن را در می‌آورند. ولی گروه بانوان برای هر خرجی بسیار دقت و حساب و کتاب می‌کنند و سعی می‌کنند در هزینه‌ها بسیار صرفه‌جویی کنند. همان طوری که هر مادری و هر خانم خانه‌ای سعی می‌کند از حیف و میل جلوگیری کند.

گروه جوانان برنامه‌ریزی دقیقی دارند و فعالیتشان را به صورت تخصصی و حرفه‌ای مدیریت می‌کنند. آنها یک

گروه‌بندی تخصصی و حرفه‌ای ایجاد کرده و مسئولیت‌ها را بین خود تقسیم کرده‌اند. شاید علت موفقیت آنها نیز همین است. برای مثال؛ اولین جشنواره‌های غذا توسط گروه بانوان در حد محدودی انجام می‌شد. در آن زمان، هر کدام از بانوان، غذایی درست می‌کرد و در جشنواره غذا به فروش می‌رساند. البته این فعالیت بسیار موثر بود اما درآمدی کم و سودآوری محدودی داشت. بعد از آن تجربه، گروه به این نتیجه رسید که بهتر است در محل رعد غذا پخته شود که این اقدام باعث شد درآمد بهتری حاصل شود ولی باز هم این مبالغ خیلی چشمگیر نبودند. وقتی گروه جوانان با گروه بانوان همفکری کردند، پیشنهاد دادند به جای این‌که همه غذاها توسط بانوان تهیه شود، مقداری نیز از رستوران‌ها خریداری و عرضه شوند. در ضمن پیشنهاد جذب اسپانسر را هم دادند. تا آن زمان گروه بانوان اسپانسر گرفتن را در وسعت زیاد تجربه نکرده بودند. ولی گروه جوانان به کارخانجات و شرکت‌های مختلف سرمی‌زدند و اسپانسرها را خیلی خوبی جذب می‌کردند. که این اسپانسرها در جشنواره‌های غذا فعالیت گسترده‌ای دارند. در حال حاضر جشنواره غذا به صورت خیلی گسترده‌ای انجام می‌شود و درآمد خوبی دارد. مثال دیگر این‌که، ما قبلاً در جشنواره‌های غذا از بازدیدکنندگان ورودیه نمی‌گرفتیم چون فکر می‌کردیم در این صورت مردم شرکت نمی‌کنند. ولی گروه جوانان معتقد بودند که باید ورودیه گرفته شود چون اعتقاد داشتند کسانی که با هدف کمک به رعد در جشنواره غذا شرکت می‌کنند از پرداخت ورودیه دریغ نمی‌کنند. این کار انجام شد و از این طرق درآمد قابل توجهی به دست آمد.

باید گفت، تفاوت‌هایی که بین این دو گروه وجود دارد، تفاوت بین دو نسل است. من ایده‌های گروه جوانان را قبول دارم و در خیلی از کارها با آنها مشورت می‌کنم و می‌بینم که چه ایده‌های نو و قشنگی دارند. مثال دیگر این‌که در مناسبت‌های خاص مثل جشنواره‌ها و بازارچه‌ها، گروه جوانان چندین نفر را مسئول عضوگیری از شرکت‌کنندگان می‌کنند. البته گروه بانوان نیز میزبانی و فردی را به عضوگیری اختصاص می‌دهند که از افرادعلاقمند ثبت نام می‌کنند. ولی گروه جوانان که در بین جمعیت می‌چرخند و عضوگیری می‌کنند، بیشتر به نتیجه می‌رسند. البته

در طول این سال‌ها همیشه درآمد اصلی رعد مربوط به فعالیت‌های گروه بانوان بوده است ولی حدود یک سال و نیم است که درآمد گروه جوانان بالاتر رفته است که من فکر می‌کنم به خاطر برنامه‌ریزی دقیق این گروه است. به هر حال این دو گروه ارتباط بسیار خوبی با هم دارند و هر کدام به مثابه یک بازوی قوی برای موسسه رعد عمل می‌کنند.

### در مورد واحد آموزش موسسه رعد برایمان بگویید؟

هدف از تاسیس مجتمع رعد از ابتدا، آموزش مهارت به معلولان جنگی بود تا این افسراد حرفه‌ای یادگیرند و مشغول به کار شوند. این فعالیت آموزشی، ابتدا در محیط‌هایی کوچکتری آغاز شد اما با گسترش فعالیت‌ها مکان وسیع‌تر و مناسب‌تری نیاز بود. زمین فعلی را آموزش و پرورش در اختیار گذاشت و آموزش‌ها از یک اتاق شروع شدند. به تدریج با کمک خیرین و گروه‌های بانوان و جوانان، طبقه اول و زیرزمین این ساختمان تکمیل شد. در آن زمان طبقه اول، به آموزش اختصاص یافت. البته اگر بازارچه یا جشنواره‌ای هم داشتیم در همان طبقه اول، در راهروها و اطاق‌ها برگزار می‌کردیم. وقتی طبقه دوم توسط چندین مهندس نیکوکار تکمیل شد، طبقه اول به واحد آموزش اختصاص داده شد و در کنار آن واحدهای فیزیوتراپی، کاردرمانی و گفتاردرمانی و روانشناسی و مددکاری هم راه‌اندازی شدند. طبقه دوم این ساختمان پس از تکمیل، به فعالیت‌های ستادی اختصاص یافت؛ که شامل دفتر مدیریت، گروه بانوان، گروه جوانان، روابط عمومی و دفتر کارآفرینی و اشتغال است.

### از اهداف اولیه رعد، آموزش منجر به اشتغال بود. اما ایجاد اشتغال تا سال‌ها به صورت سستی پیش می‌رفت که اخیراً با راه‌اندازی دفتر کارآفرینی و اشتغال، این فعالیت حرفه‌ای‌تر شد. این ادعا درست است؟

بله، دقیقاً همین طور است. دفتر کارآفرینی مرکز رعد حدود یک سال است که فعالیت خود را شروع کرده‌است. این دفتر اولین مرکز کارآفرینی و اشتغال مخصوص افراد دارای معلولیت است. نقش بزرگ کار ما این بود که به توانیابان آموزش می‌دادیم



ولی گروه کمی به پچه‌ها به اشتغال می‌رسیدند. عده‌ای از این کارآموزان توقعاتی داشتند که کارفرما نمی‌توانست برآورده کند و عده‌ای هم به آن درجه از مهارت حرفه‌ای نرسیده بودند که بتوانند وارد محیط کار شوند. گروهی هم بودند که با وجود داشتن مهارت‌های حرفه‌ای، مشکلات شخصیتی داشتند چون در خانواده طوری با آنان رفتار شده بود که آمادگی رفتن سرکار و حضور در کنار افراد تندرست را نداشتند. ادعا می‌کنیم که بیش از ۵ هزار نفر کارآمخته داریم ولی از این تعداد تنها ده تا پانزده درصد به کار مشغول شده‌اند و این نشان دهنده یک نقص بزرگ بود. بنابراین ایجاد یک دفتر کارآفرینی و اشتغال مختص افسراد دارای معلولیت، یک ضرورت بود. این دفتر در اولین اقدامش یک بانک اطلاعاتی از کارآموزان این مرکز و دیگر افراد دارای معلولیت و حتی دانشجویانی که در مرکز علمی، کاربری رعد درس می‌خوانند وجویای کارند، تهیه کرد. کارکنان این دفتر با همکاری روانشناس مرکز با افرادی که در سایت کارآفرینی ثبت نام کرده و رزومه پر کرده‌اند، مصاحبه می‌کنند و توانایی‌ها و استعدادها را هر کدام را مشخص می‌نمایند و آنها را به کارفرمایان و کارآفرینان داوطلب معرفی می‌کنند. اخیراً کنفرانسی با عنوان کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولیت با همکاری این دفتر در مرکز رعد برگزار شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت و بسیار مفید بود. امیدواریم در آینده این دفتر در اشتغال افراد دارای معلولیت موفق باشد.

**مجتمع رعد مراکز در سایر شهرهای ایران هم دارد. ارتباط این مراکز با رعد مرکز چگونه است؟**

در مجتمع رعد دفتری به نام دفتر مراکز وجود دارد که وقتی افرادی بخواهند مرکزی مشابه رعد را در جای دیگری تاسیس کنند، به این دفتر مراجعه می‌کنند. از طرف این دفتر افرادی به آن محل می‌روند، محل را می‌بینند و با علاقمندان به تاسیس مرکز آشنا می‌شوند. در این ارتباطات، افراد خیر شناسایی می‌شوند و هیات امناء و سپس هیات مدیره آن مرکز تشکیل می‌شود. به این ترتیب مرکزی در آن شهر تاسیس می‌شود که از ابتدا، فعالیتش اصولی و مطمئن

بوده‌است. این روش بهتر از این است که ابتدا پولی جمع آوری شود و مرکزی راه بیفتد ولی بعد نتواند مخارج سالیانه‌اش را تأمین کند. وقتی هیات امناء و هیات مدیره به وجود بیایند، آنها خودشان افراد خیر را پیدا می‌کنند و مرکز را با کمک آنها راه اندازی می‌کنند. راه اندازی چنین مراکزی هزینه بسیار بالایی دارد و چنانچه زیادی در ادامه فعالیت روبرو می‌شوند. هدف دفتر مراکز در مجتمع رعد، این است که وقتی مرکزی می‌خواهد در جایی یا در شهری راه اندازی شود کمک‌های اولیه و توصیه‌های لازم را به آنها بدهد. در حال حاضر حدود ۱۵ مرکز راه‌اندازی شده است و در شرف تاسیس چند مرکز نیز هستیم، مثل مرکز آمل، بابل، گیلان و کرمانشاه و اخیراً خانمی ابراز تمایل کرد که در ارومیه چنین مرکزی تاسیس کند. همه این پیشنهادات، به دفتر مراکز ارجاع می‌شوند و طبق اصول کارها پیش می‌روند.

**چالش‌هایی که رعد در این سال‌ها با آن روبرو بوده، شامل چه چیزهایی بوده است؟**

گاهی یک سری مسایلی پیش می‌آید که رعد ناخواسته درگیر آنها می‌شود. مثلاً هر موقع که یک واقعه یا بلائی طبیعی مثل سیل یا زلزله اتفاق می‌افتد، بدون اینکه رعد فراخوان داده باشد و اعلام آمادگی کرده باشد، کمک‌های مردمی به این مرکز سرازیر می‌شود و این به دلیل اعتمادی است که مردم به رعد دارند. ما هرچه داریم از اعتماد مردم است. در زلزله

بیم و یا آذربایجان پس از اینکه از طریق صداوسیما اقلام مورد نیاز اعلام شدند مقادیر زیادی از این اجناس و اقلام توسط مردم به این مرکز فرستاده شد. در راهروها و اتاق‌ها جای راه رفتن نبود. وقتی با حجم بالای این کمک‌ها روبرو شدیم به ناچار اعلام کردیم که حاضریم این کمک‌ها را جمع‌آوری کرده و به مقصد برسانیم. مجبور شدیم اجناس اهدایی را جداسازی کرده و با کمک گروه بانوان و جوانان و مسئول روابط عمومی رعد، این اجناس را به مناطق زلزله‌زده انتقال دهیم. در زلزله آذربایجان مقادیری پول هم از طرف مردم و خیریه‌های دیگر در اختیار ما قرار گرفتند. این پول‌ها جمع شدند و با حضور نمایندگان سایر خیریه‌ها، یک مدیریت

بحران شکل گرفت و این مبالغ در جهت ساختمان‌سازی در مناطق آسیب دیده سرمایه‌گذاری شدند. حدود سی خانه در این مناطق ساخته شد و کمیته امداد امام خمینی (ره) نیز به مرکز رعد لوح تقدیر داد. دولت نیز متوجه شد که مراکزی مثل رعد چقدر می‌توانند در چنین شرایطی کمک کنند. البته ما حاضر نشدیم در کلیه این فعالیت‌ها نامی از رعد برده نشود چون این فعالیت‌ها نتیجه کمک‌های مردم و مراکز خیریه مختلفی بود. به هر حال چنین کارهایی جزو وظایف رعد نیست و بار اضافه‌ای است که در مواقع بحرانی بر دوش مرکز قرار می‌گیرد و این به خاطر اعتماد و اقبال مردم به رعد است.

**از نظر شما به عنوان مدیرعامل رعد، برنامه آینده این موسسه چیست؟**

بیشتر توجهمان را روی کارآفرینی و اشتغال برای افراد دارای معلولیت گذاشته‌ایم. از طرف دیگر مرکز آموزش علمی کاربردی رعد را در طبقه بالا داریم که چند سالی است که در جهت ارتقای علمی معلولان تاسیس شده‌است. امسال اولین سری فارغ التحصیلان این مرکز را خواهیم داشت. تاسیس این مرکز یکی از کارهای مثبت رعد بوده است چون خیلی از توانیابان علاقمند به ادامه تحصیل هستند ولی بسیاری از مراکز علمی و دانشگاه‌های ما جهت حضور این افراد مناسب‌سازی شده نیستند. این افراد می‌توانند در این مرکز ثبت نام کرده و در رشته‌های ارایه شده مشغول تحصیل شوند. امیدواریم بتوانیم مرکز علمی و کاربردی رعد را گسترش دهیم و تعداد بیشتری از این عزیزان را در این مرکز داشته باشیم.

**آخرین سخن شما.**

امیدوارم که در آینده در تمام مراکز استان‌ها یک مرکز رعد داشته باشیم و افراد بیشتری از مردم به ما بپیوندند تا بتوانیم امکانات بیشتری را برای افراد دارای معلولیت فراهم کنیم. ♦

## رعد از دیروز تا فردا!

● محمود عامری، دفتر هماهنگی و توسعه مراکز

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با هدف آموزش فنی و حرفه‌ای به عزیزان جانباز و معلولان به همت عده‌ای از مهندسان و تحصیلکرده‌های علاقمند به خدمت‌رسانی به مردم به صورت صد درصد رایگان، از سال ۱۳۶۳ آغاز به کار کرد. در آن زمان دغدغه آینده جوانانی که با ترک تحصیل و یا رهایی شغل خود، به سوی جبهه‌های جنگ تحمیلی روی آورده بودند، پس از مجروحیت در جنگ و پشت سر گذاشتن دوره نقاهت ذهن مهندسان رعد را به خود مشغول کرده بود.

با همین نیت چنین کاری آغاز گشت.

مجتمع رعد ارائه خدمات آموزشی به عزیزان جانباز و سایر افراد دارای معلولیت را هدف اصلی خود قرار داده بود، لکن از آنجایی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای منجر به اشتغال، تجربه خوبی بر جای گذاشته‌بود، هیات مدیره مجتمع، ادامه کار برای کلیه معلولان جسمی، حرکتی اعم از خانم‌ها و آقایان را در دستور کار خود قرار داد که تداوم آن را پس از سی سال شاهد هستیم.

**و اما رعد ...**

۱. فعالیت رعد در سال ۶۴-۶۳ در درمانگاه غیائی (یافت آباد تهران) با برگزاری دوره نقشه‌کشی صنعتی ساختمان آغاز شد.

۲. این فعالیت آموزشی، بعداً در پارکینگ مرکز نابینایان ابابصیر ادامه پیدا کرد. واگذاری این محل به همت مدیران وقت سازمان بهزیستی کشور بود. در این دوره علاوه بر نقشه‌کشی، دوره‌های الکتروتکنیک، موتورپیچی و تعمیر لوازم خانگی هم اضافه گردید.

۳. پس از اخذ مجوزات لازم از سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، دوره‌های آموزشی براساس استانداردهای آن سازمان، راه‌اندازی شدند. پس از طی این دوره‌ها به کارآموزان موفق، گواهینامه مهارت فنی بین‌المللی داده می‌شد.

۴. به منظور خدمت‌رسانی و آرایه خدمات هرچه بیشتر به عزیزان دارای معلولیت لازم بود ساختمانی با امکانات رفاهی خاص آنان طراحی و احداث گردد. به همین منظور طی درخواستی از سازمان‌های ذی‌ربط خواسته شد زمین مورد نیاز را به صورت رایگان در اختیار موسسه قرار دهند. بر این اساس، مدیر وقت سازمان نوسازی و عمران اراضی غرب تهران پس از طی مراحل، زمین فعلی را در اختیار گذاشتند. از سال ۱۳۶۶ ساخت این بنا آغاز شد و بعد از طی فازوفرودهایی، بالاخره در سال ۱۳۸۲ با پایان پروژه احداث سالن آمفی تاتر، کل ساختمان آماده بهره‌برداری کامل قرار گرفت.

۵. با توجه به وضعیت جسمی، حرکتی معلولان عزیز و پایه تحصیلی متفاوت آنان،

دوره‌های آموزشی متنوعی دایر گردید. در شرایط فعلی بیش از ۲۰ رشته آموزشی علاوه بر دوره‌های پیش نیاز و دوره‌های پرورشی، پاسخگوی نیاز مراجعان است.

۶. با توجه به مشکلات عدیده کارآموزان از نظر جسمی، حرکتی، روحی، روانی و وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، از همان سال‌های نخست (۱۳۷۳)، لزوم تاسیس کلینیک توانبخشی مطرح شد و با آماده شدن ساختمان کلینیک فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی و خدمات روانشناختی و مددکاری با وسایل پیشرفته، این کلینیک فعالیت خود را آغاز نمود و به کارآموزان نیازمند بنا به تشخیص کارشناسان ذی‌ربط خدمات توانبخشی ارائه نمود.

۷. با توجه به توانایی‌های افراد دارای معلولیت و لزوم شکوفایی استعدادهای نهفته آنها، با فراخوان کشوری در دو نوبت معلولان واجد شرایطی که توانایی علمی بالایی از خود نشان داده بودند در مسابقات بین‌المللی ایلیمپیا (مسابقات علمی ویژه معلولان در دنیا) شرکت داده شدند که دریافت مدال‌های رنگینی از کشورهای هندوستان و کره جنوبی، دست آورد این سفر علمی بود.

۸. با تشکیل گروه همیاری بانوان و جوانان فعالیت‌های زیرآغاز گردید:

تهیه یک وعده غذای گرم (ناهار ظهر) برای استفاده کارآموزان، راه اندازی



سررویس ایاب و ذهاب، فراخوان پزشکان متعهد و علاقمند به انجام عمل خیر در جهت ویزیت دوره‌ای کارآموزان، راه‌اندازی برنامه‌های سیاحتی و زیارتی یک روزه و چند روزه، برگزاری جشن‌ها و توجه خاص به مناسب‌ها به منظور بالا بردن سطح دانش و آگاهی فرهنگی، اجتماعی و آشنایی کارآوران با مسایل فردی و حقوق شهروندی خود، پیگیری کارآفرینی برای توانیابان جهت دسترسی به اشتغال مناسب، تهیه جهیزیه برای عروسان و دامادهای رعد، تخصیص وام قرض‌الحسنه به منظور خرید لوازم و تجهیزات کاری آنان و..... از دیگر خدمات رایگان این موسسه خیریه است.

۹. خدمات آموزشی و توانبخشی و تجربه سی سال فعالیت نشان داد که توانمندی‌های افراد دارای معلولیت بیشتر از تصورات اولیه است و چنانچه امکانات لازم مهیا شود، ایشان نیز می‌توانند همانند سایر افراد وارد دانشگاه شده و از تحصیلات عالی برخوردار گردند.

گرچه امکان ادامه تحصیل برای افراد دارای معلولیت در سطح کشور به صورت پراکنده وجود دارد، لکن با توجه به مشکلات جسمی، حرکتی این عزیزان و عدم مناسب‌سازی معابر، بالاخص ساختمان دانشگاه‌ها و نبود امکانات رفاهی ویژه آنان، ادامه تحصیل آنها یا به انصراف منجر می‌شود و یا با مشکلات عدیده و رنج آوری تا پایان تحصیل مواجه هستند. لذا

مجتمع رعد از سال ۱۳۸۴ اقدام به تاسیس مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی نمود و از سال ۱۳۹۰ رسماً اولین دوره آموزش عالی این مرکز مناسب‌سازی شده، در طبقه سوم ساختمان رعد راه‌اندازی شد. در شرایط فعلی به صورت تلفیقی حدود ۶۰۰ دانشجو با استفاده از دفترچه کنکور توانسته‌اند در رشته مورد علاقه خود ثبت نام نموده و به تحصیل ادامه دهند. شایان ذکر است ۱۵ درصد از دانشجویان از بین معلولان جسمی حرکتی می‌باشند که به صورت رایگان ثبت نام گردیده و سایر افراد شهریه پرداخت می‌نمایند.

۱۰. مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد، با کسب تجارب به‌دست آمده و براساس این‌که بین افراد جامعه بالاخص افراد دارای معلولیت نیابستی تبعیض قایل شد، هم و غم خود را معطوف به تاسیس مراکز مشابه در استان‌ها و شهرستان‌ها نمود. تاکنون بیش از بیست مرکز به همت خیرین محلی و با انتقال تجربه توسط این مرکز به سایر عزیزان دایسر و به معلولان منطقه سررویس می‌دهند.

#### نتایج حاصل از خدمات ۳۰ ساله

بیش از ۵۰۰۰ نفر از معلولان واجد شرایط در مجتمع رعد تهران ثبت نام نموده‌اند که:

- بیش از ۷۰ درصد آنان موفق به اخذ گواهی مهارت فنی از سازمان آموزش

فنی و حرفه‌ای گردیده‌اند. - بیش از ۲۰ درصد به استخدام سازمان‌ها ادارات دولتی و بخش خصوصی درآمده‌اند و کارآمختگان سنوات اولیه در مقطع بازنشستگی هستند.

- بیش از ۱۰ درصد در کارگاه‌های خصوصی یا شرکت‌های تعاونی که خود تشکیل داده‌اند پس از اخذ وام، مشغول به کار شده‌اند. نکته مهم: یکی از مشکلات بزرگ افراد دارای معلولیت، حضور محدود آنان در جامعه است که موجب می‌شود مردم از توانمندی‌های آنان آگاهی‌های لازم را نداشته‌باشند و همواره دید غیر واقعی و مصرف‌گرا و غیرمولد و نیازمند به کمک، به آنها دارند، که این خود یک تحقیر به شمار می‌آید.

مجتمع رعد در حد توان خود سبب تسهیل زمینه حضور افراد دارای معلولیت در جامعه شده است، که این حضور منجر به تغییر نگرش شهروندان و هم‌چنین دیده شدن نیازها و توانایی‌های آنان و به‌رهمندی از حقوق شهروندی گردیده است. ♦



## داستان رعد

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد در حالی به پیش‌سوز سی سالگی خود می‌رود که می‌تواند ادعا کند با پشت سر گذاشتن تجارب این سال‌ها و با فعالیت‌های هدفمندش توانسته نقشی موثر در تغییر نگرش جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت داشته‌باشد. به‌دست آوردن این نقش، مرهون فعالیت تعداد زیادی از افراد داوطلب و علاقمند به فعالیت‌های انسان‌دوستانه است. افرادی که گاه در نقش بنیان‌گذاران، گاه در نقش برنامه‌ریزان، گاه در نقش حمایت‌کنندگان مالی و گاه در نقش بازوی اجرایی و گاه در نقش کارکنان این مجتمع فعالیت کرده‌اند. نوشتن از همه این فعالیت‌های بشردوستانه و از قلم نینداختن همه آنها کاری است بسیار دشوار. اما سعی کرده‌ایم که گوشه‌ای از آنها را به ثبت برسانیم. با دو نفر از بنیانگذاران موسسه رعد که از اعضای هیات مدیره هم هستند، گفتگو کردیم: آقایان مهندس احمد میرزاخانی و مهندس عبدالله توسلی.

### در سی سالی که از شروع فعالیت مرکز رعد می‌گذرد، ۵ هزار نفر در این مرکز آموزش دیدند و خیلی از آنها مدرک گرفتند و وارد بازار کار شده‌اند

مهندس میرزاخانی یکی از ۴ بنیانگذار رعد در سال ۱۳۶۳ است. ایشان می‌گویند: «در سال ۶۳ و بعد از گذشت چند سال از شروع جنگ و افزایش جمعیت معلولان جسمی - حرکتی در جامعه، تعدادی از دوستان به فکر راه‌اندازی مکانی به‌منظور آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای کسانی افتادند که به علت جنگ معلول شده‌بودند. این ایده از جنگ شروع شد و بعد کلیه افراد دارای معلولیت را پوشش داد». رییس هیات مدیره رعد ادامه می‌دهد: «موسسه رعد فعالیتش را با آموزش رشته‌های فنی - حرفه‌ای از سی سال قبل آغاز کرد. رشته‌هایی که مطابق با استانداردهای سازمان فنی و حرفه‌ای برنامه‌ریزی می‌شدند و منجر به مهارت‌آموزی در افراد دارای معلولیت می‌گشتند. با این هدف که کارآموزان با گذراندن دوره‌های کوتاه مدت، توانایی شرکت در امتحان وزارت کار را پیدا کنند و مدرک مهارت فنی و حرفه‌ای را بگیرند. داشتن این مدرک می‌توانست به آنها کمک کند تا کسب و کاری راه بیاندازند یا جوازی از شهرداری یا وامی از بانک‌ها بگیرند.

مهندس میرزاخانی در ادامه می‌گوید: «



رشته‌هایی که در ابتدا در این مرکز آموزش داده می‌شد، رشته‌های سیم‌پیچی الکتروموتور و تعمیر لوازم خانگی بود. این آموزش‌ها متناسب با گذشت زمان به سمت رشته‌هایی مثل کامپیوتر و صنایع دستی و آنچه که مورد نیاز جامعه بود سوق پیدا کرد. در سی سالی که از شروع فعالیت مرکز رعد می‌گذرد، ۵ هزار نفر در این مرکز آموزش دیدند و خیلی از آنها مدرک گرفتند و وارد بازار کار شدند. بعدها با ارزیابی‌هایی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که بسیاری از توانیابان ما این آمادگی که بتوانند در مقاطع بالاتر و در مقاطع دانشگاهی هم تحصیل کنند را دارند. بنابراین ضرورت ایجاد یک دانشگاه برای این افراد در سال ۹۰ ما را به این سمت کشاند که در این جهت هم گام برداریم.»

به گفته این بنیانگذار رعد، دانشجویان درس‌خوان دارای معلولیت، در دانشگاه‌های دیگر نیز مشغول تحصیل هستند اما این دانشگاه‌ها فاقد امکانات مناسب برای این افراد مثل؛ مناسب‌سازی محیط و وسایل ایاب و ذهاب است که این کاستی‌ها، درس خواندن در این دانشگاه‌ها را با سختی‌های زیادی همراه کرده‌است، در حالی که در مجتمع رعد علاوه بر امکانات رفاهی اولیه، امکاناتی مثل فیزیوتراپی، روانشناسی و مهارت‌های زندگی هم در اختیار این دانشجویان قرار می‌گیرد.



مهندس میرزاخانی، می‌افزاید: «در موسسه رعد ما براساس توانبخشی مبتنی برجامعه حرکت می‌کنیم و می‌توانیم بگوییم رعد خانه این دانشجویان است. در دانشگاه رعد کلاس‌ها به صورت تلفیقی برگزار می‌شوند، یعنی افراد غیرمعلول نیز در این دانشگاه در کنار افراد دارای معلولیت، درس می‌خوانند. ولی این افراد در واقع مهمان این دانشکده هستند و میزبان، توانیابان هستند.



تجربیات ما در این مدت نشان داده که موفقیت افراد دارای معلولیت و توانیابان در رشته‌هایی که جنبه نظری دارند، بیش از دیگر رشته‌هاست.»

مهندس میرزاخانی ادامه می‌دهد: «در رشته‌هایی مثل حسابداری فارغ‌التحصیلان ما صددرصد جذب بازار کار می‌شوند. تعدادی از کارآموزان دانشگاه، در شرکت‌های بزرگ اقتصادی مسوولیت حسابداری را برعهده دارند و تعدادی کارمند زیرنظرشان کار می‌کنند. این نتایج به ما نشان داد که باید در این زمینه گام‌های بیشتری برداریم. دانشگاه علمی و کاربردی رعد در حال حاضر در چندین رشته در مقطع کارشناسی دانشجو دارد و امیدواریم با همکاری سایر دانشگاه‌ها، درمقاطع کارشناسی‌ارشد و دکتری هم پذیرش دانشجو داشته باشیم». ایشان می‌افزایند: «اکنون ۲۵ درصد از دانشجویان ما، یعنی حدود صد نفر را دانشجویان دارای معلولیت تشکیل می‌دهند. این افراد به صورت رایگان در این دانشگاه تحصیل می‌کنند. البته بهزیستی مبلغی را به ازای هر نفر از دانشجویان دارای معلولیت، به دانشگاه می‌پردازد. ولی افراد غیرمعلول، خودشان شهریه‌شان را می‌پردازند.»

به گفته ایشان، «دانشکده قصد دارد بیشتر به جنبه‌های تحقیقاتی بپردازد تا جایی که کار فقط به دروس تئوری

محدود نشود، خصوصاً در مورد افراد دارای معلولیت، گام بعدی ما توجه ویژه به حوزه پژوهش است.»

### وجود سیستم و انضباط مالی ضامن تداوم فعالیت یک موسسه خیریه موفق است

مهندس عبدالله توسلی از سال ۱۳۶۵ فعالیت خود را با مرکز رعد آغاز کرده‌است. ایشان در مورد چگونگی ارتباطات با رعد می‌گوید: «موسسین مرکز رعد آقایان مهندسان میرزاخانی، هندی، سلطانزاده و سجادی و ... از دوستان نزدیک من بودند. ما جلساتی با نام گروه هشت که مخفف همکاری شرکت‌های تاسیساتی بود را، از پیش از انقلاب با هم داشتیم. این ارتباط ادامه داشت تا این که این دوستان از من خواستند که با آنها در فعالیت‌های موسسه رعد همکاری کنم. من چون خودم هم به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علاقمند بودم و دوره‌هایی را در این زمینه در کشور آلمان دیده‌بودم، همکاری در کارهای فنی و حرفه‌ای را چه از نظر علمی و چه از نظر مالی از همان ابتدا برعهده گرفتم. در آن ایام نیازهای مالی موسسه بسیار زیاد بود و درآمدهای مرکز، عمدتاً توسط همان ۵، ۶ نفری که عضو هیات مدیره بودند تامین می‌شد. من هم این کمک‌ها را جمع‌آوری و پرداخت‌های مربوط به مرکز را انجام می‌دادم. بالاخره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را راه‌اندازی کردیم، دفاتر مالی را گرفتیم و سیستمی برای کار مالی طرح‌ریزی کردیم. البته در زمینه کارهای مالی تخصص نداشتیم ولی از افراد متخصص مشاوره گرفتیم و سیستم مالی را راه‌اندازی کردم. بعدها که ساختن ساختمان مرکزی را شروع کردیم نیاز به منابع مالی برای کار ساختمان بیشتر شد. زمین این ساختمان را در سال ۶۸ از آموزش و پرورش گرفتیم و به تدریج شروع به ساختن کردیم.

ساختن این مکان نیاز به هزینه بالایی داشت و مبلغی که هیات مدیره تامین می‌کرد، کفاف هزینه‌های آن را نمی‌داد. در آن زمان به دنبال جذب افراد خیر رقیم واز طریق کمک‌های مردمی توانستیم سقف اول این ساختمان را در سال ۷۱ بزنیم. باز در این مرحله پول کم آوردیم و بواسطه برخی از دوستان مبالغی جمع آوری و برای ساختمان هزینه گردید. در

آن زمان فشارهای مالی در حدی بود که نظرات متفاوتی وجود داشت و عده‌ای از دوستان در آن زمان عقیده داشتند که این محل را واگذار کنیم واز این مشکل خلاص شویم ولی عده‌ای هم مخالفت کردند و با پیگیری وحل مشکلات این مکان را حفظ کردیم.»

مهندس توسلی در مورد چگونگی جلب مشارکت‌های خیرین می‌گوید: «از طریق دوستان، تعدادی از خیرین را برای دیدار از مرکز دعوت کردیم و در حین بازدید اهداف مجتمع رعد را توضیح دادیم و نیازهای خود را مطرح کردیم. بدین وسیله بود که توانستیم کمک‌های آنها را جذب کنیم.» مهندس توسلی ادامه می‌دهد: «زمانی که سقف اول این ساختمان را زده بودیم باز دچار بی‌پولی شدیم و مجبور شدیم تعداد افراد هیات امنا را که هفت نفر بودند به پانزده نفر افزایش دهیم. اضافه شدن این افراد جدید مثل هوای تازه‌ای بود که در تن این مجموعه دمیده شد و خیلی موثر بود. با مشارکت اعضای جدید، توانستیم طبقه اول و زیرزمین را تکمیل کنیم، چون آنها هم تعداد دیگری از افراد خیر را به این مرکز جذب کردند.» عضو هیات مدیره مجتمع رعد در مورد شروع آموزش به مددجویان ادامه می‌دهد: قبل از شروع فعالیت مجتمع رعد، تفکر آموزش به افراد دارای معلولیت که از آموزش در ساختمان زیر زمین ساختمانی در بهزیستی بنام (بابیصر) و با تعدادی افراد محدود آغاز شده به شکلی سازمان یافته و با ابزار و تجهیزات جدید آغاز گردید که در ابتدا فقط در دو رشته سیم پیچی موتور و نقشه کشی و آن هم فقط برای آقایان کلاس آموزش برقرار گردید و با ورود به ساختمان جدید کار آموزش را توسعه دادیم و برای خانم‌های دارای معلولیت هم زمینه آموزش فراهم گردید و شرایط نسبت به قبل خیلی متفاوت شد. رشته‌ها افزایش یافتند و کلاس‌های کامپیوتر، خیاطی و کلاس‌های هنری اضافه شدند و چون فضای بیشتری در دسترس بود و مدیریت هم به نحو بهتری شکل گرفته بود، کم کم حوزه فعالیت گسترش پیدا کرد.

در فرایند ایجاد و ساخت ساختمان مجتمع رعد در مرحله دوم قرار شد طبقات اول و دوم ساخته شود، کمک‌های مهندسی و تامین مالی موثر توسط انجمن اسلامی

مهندسیین باعث گردید که با دغدغه‌ای کمتر و به لطف خدای مهربان فضای مفید و موثری برای آموزش ساخته شود و جای آن دارد که در این جا تشکر و سپاس ویژه خود را از ایشان بیان دارم»

مهندس توسلی در خصوص چالش‌های مالی که هنوز رعد با آن روبه‌روست، می‌گوید: «در حال حاضر نسبت به قبل با چالش کمتری در اداره امور رعد روبه‌رو هستیم، چون سیستم در طی این سال‌ها شکل گرفته اما هزینه‌ها خیلی بالاست و باید به این فکر کنیم که اگر بر فرض کمک‌های موردی به ما نرسد، چگونه می‌توانیم کار را ادامه دهیم؟ یک موسسه خیریه آموزشی باید حداقل نیاز مخارج چند ماه را در اختیار داشته باشد و اگر به این نقطه رسیده باشد می‌تواند مدیریت اثر بخش و کارائی داشته باشد. اما اگر فقط متکی به در آمد روز مره‌اش باشد کار مشکل می‌شود و امکان توسعه نخواهد داشت.» ایشان در پاسخ به این سوال که آیا رعد به این مرحله رسیده‌است، یا نه؟ پاسخ می‌دهد: «هنوز به این مرحله نرسیده‌ایم ولی باید در این جهت پیش برویم. موضوع عضویت و پرداخت حق عضویت ماهانه توسط اعضا خیلی مهم است. این مبلغ آن چیزی است که به عنوان ورودی‌های مستمر رعد محسوب می‌شود. این حق عضویت‌ها، هم به موسسه کمک مالی می‌کند و هم نشان دهنده پشتیبانی افراد زیادی است که این پشتیبانی از نظر استمرار خیلی مهم است. افراد خیر کمک‌های موردی می‌کنند ولی افرادی که حق عضویت می‌پردازند، حامیان و پشتیبانان مستمر موسسه هستند. این حامیان هر زمان که دعوت برای مراسمی گردند و در مواقعی که چالش‌های کمبود مالی اتفاق می‌افتد همواره حامی مجتمع رعد بوده‌اند و از این نظر سرمایه معنوی برای مجتمع محسوب می‌گردند.»

مهندس توسلی در مورد نحوه عضوگیری می‌گوید: «ما حدود پنج تا شش هزار نفر عضو ثابت داریم که البته تعدادی از این افراد ممکن است عضو باشند ولی حق عضویت پرداخت نکنند و عده‌ای هم دائماً هرماه حق عضویت خود را پرداخت می‌کنند. اعضای ثابت کسانی هستند که فرمی را پر کرده‌اند و تعهد کرده‌اند که ماهیانه یا هرچندماه یک بار و یا سالیانه مبلغی را پرداخت کنند. کمک‌های این

افراد مداوم است و ما تلاش داریم که این عضویت‌ها را افزایش دهیم، چون از این طریق هم حامیان بزرگی پیدا می‌کنیم و هم در تأمین منابع مالی مورد نیاز آنها بصورت مستمر را در دسترس قرار می‌دهد که برای ما بسیار مهم است. اولویت ما در این است که بتوانیم درآمدها و کمک‌های دائمی داشته باشیم و متکی به درآمدهای روزمره نباشیم. مثلاً افرادی سهام کارخانه‌ای را به رعد واگذار کنند و



موسسه از سود این سهام به طور مداوم برخوردارشود. اگر چنین اتفاقاتی بیافتد، نیازهای موردی ما کمتر خواهد شد. ما سالی دوبار بازارچه خیریه داریم که مردم از این طریق هم با مرکز رعد آشنا می‌شوند و نیز بعضی افراد به عضویت مرکز درمی‌آیند. منابع مالی جاری از این طریق افزایش می‌یابد و کمک موثری برای مجتمع می‌باشد»

مهندس توسلی در مورد انضباط مالی می‌گوید: «اعتقاد هیات امنا و هیات مدیره موسسه به انضباط مالی و شفافیت در امور مالی می‌باشد که باعث گردید در طول همه این سالها، انضباط مالی را سر لوحه کار خویش بعنوان یک نگاه استراتژیک قرار داده و خوشبختانه در طول فعالیت، همه ساله گزارش منابع و مصارف خود را برای رسیدگی به سازمان امور مالیاتی ارائه داده و همواره در رسیدگی با ارائه اسناد مثبت، از معافیت‌های مالیاتی قانونی برخوردار شده است.

مهندس توسلی در مورد موضوع مهم وقف می‌گوید: «مساله وقف دارای ریشه الهی تاریخی در فرهنگ دینی ما می‌باشد؛ وقف یک خیر جاری و مستمر است. از آنجائی که مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد موسسه خیریه‌ای است که در جهت اهداف متعالی خود که آموزش و ارتقاء سطح

دانش انسانهای دارای معلولیت جسمی می‌باشد حرکت می‌کند. وجود وقف از طرف انسانهای نیکوکار باعث استمرار ارائه خدمت توسط مجتمع میگردد. لذا توصیه می‌گردد در صورتیکه افراد نیکوکار تمایل به وقف قسمتی از اموال خود برای امور خیر هستند این مجتمع آمادگی پذیرش آن را دارد. هم چنین موضوع دیگری که لازم است یاد آوری گردد این است که بر اساس شرع مقدس اسلام افراد می‌توانند ثلث اموال خود را به امور خیر تخصیص دهند، از آنجائیکه آموزش به معلولان از اهداف اصلی این موسسه در جهت خودکفایی آنان است، افراد خیر می‌توانند این موسسه را جهت این امر خیر انتخاب نمایند.»



## با بانوان همیار رعد

هر بانوی ایرانی در زندگی شخصی خود، تجربه مدیریت مهمانی‌های زیادی را دارد. وقتی این مدیریت از محدوده دعوت‌ها و پذیرایی‌های کوچک خارج می‌شود، می‌تواند تأثیرات اجتماعی بزرگی را بیافریند. بانوان همیار رعد توانسته‌اند که از این ظرفیت مدیریتی در جهت ایفای وظیفه مسوولیت اجتماعی استفاده کنند و به عنوان یک اهرم پر قدرت در جهت فعالیت‌های موسسه رعد، نقش آفرینی نمایند. این بانوان سال‌هاست در روزهای دوشنبه هر هفته دور هم می‌نشینند و در جهت اهداف موسسه همفکری و برنامه‌ریزی می‌کنند. بیست سال از فعالیت مستمر این گروه می‌گذرد؛ گروهی که اغلب اعضایش در سنین بازنشستگی هستند اما بی‌تردید در این فعالیت دوباره، کمتر از قبل موثر نیستند.

**اگر روزی نتوانم برای رعد کار کنم، ناآرام می‌شوم**

**لطفا خودتان را معرفی کنید و از فعالیتتان در رعد بگویید.**

من فاطمه محمدبیگی هستم که با نام همسر، صادقپور شناخته شده‌ام. قبل از شروع کارم در رعد باعده‌ای از دوستانم از جمله خانم اکبری، با مجتمع سالمندان کهریزک همکاری می‌کردم. تا این‌که روزی ایشان گفتند که گروهی از بانوان خیر دور هم جمع شده و تصمیم دارند در زمینه معلولان فعالیت کنند. من قبول کردم و از همان اوایل به عضویت گروه همیاری بانوان رعد درآمدم. آن زمان آقای منصوریان مدیرعامل رعد بودند و همسرشان خانم فرهنگخواه، مسوولیت گروه بانوان را برعهده داشتند. ولی بعد از مدتی خانم اکبری مدیرگروه بانوان شدند. در آن زمان گروه بانوان یک اتاق در طبقه پایین داشت که جلسات هفتگی خود را در آنجا برگزار می‌کرد. آقای منصوریان در این جلسات شرکت می‌کردند و هر کدام

از ما را برای پیگیری کارهای اجرایی به جایی می‌فرستادند. تقریباً اکثر کارهای اجرایی مرکز در آن زمان، توسط گروه بانوان انجام می‌شد. به یاد دارم به محض این‌که طبقه همکف این ساختمان کامل شد، همان وقتی که کارگران در حال موزاییک کردن کف ساختمان بودند، ما در حال چیدن اولین بازارچه رعد بودیم. اوایل فقط در ۱۲ آذرماه هر سال، در روز جهانی معلولان، بازار خیریه داشتیم ولی بعد برای عید نوروز هم بازارچه می‌گذاشتیم. آن وقت‌ها همه محصولات که در بازارچه‌ها عرضه می‌شدند، توسط بانوان گروه تهیه می‌شد؛ انواع غذا و شیرینی را تهیه می‌کردند و می‌فروختند. ولی کم‌کم غرفه‌ها را به افرادی از بیرون هم اجاره می‌دادیم. درآمد این بازارها از لحاظ مالی به رعد کمک زیادی می‌کرد. در همان زمان، گروه بانوان شروع به عضوگیری کردند. اوایل حدود ده، دوازده نفر بودیم ولی الان ۵۰ نفر عضو ثابت داریم که هر هفته دوشنبه در رعد جمع می‌شوند. گروه بانوان، سه نوع عضویت دارد؛ اعضای پیوسته، اعضای ناپیوسته و اعضای افتخاری. اعضای افتخاری کسانی هستند که عضو گروه هستند

ولی در همه جلسات شرکت نمی‌کنند، هرگاه نیازی به کمک این افراد باشد به ما کمک می‌کنند. اعضای پیوسته یا ثابت، اعضای هستند که دائماً در جلسات شرکت می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها دخیل هستند. اعضای ناپیوسته هم کسانی هستند که اول هر ماه در جلسات شرکت کرده و از برنامه‌ها باخبر می‌شوند. در بازارچه‌ها و مراسم مختلف رعد، از حدود سیصد تا پانصد نفر از بانوانی را که می‌شناسیم برای دیدار از بازار دعوت می‌کنیم. در هر سال، دو جشنواره غذا یکی در اردیبهشت ماه و یکی در مهرماه همزمان با روز جهانی غذا برگزار می‌کنیم. دو بازارچه هم داریم که یکی را در دوازده آذرماه، همزمان با روز جهانی معلولان و یک بازارچه هم قبل از عید نوروز برگزار می‌کنیم. در بازارچه نوروز مقدار زیادی شیرینی توسط خانم‌ها در همین جا تهیه، بسته‌بندی و به فروش می‌رسند.

**بنابراین گروه بانوان یکی از پایه‌های اصلی تامین مالی مرکز به شمار می‌آیند؟**

بله. گروه بانوان یکی از پایه‌های تامین مالی برای رعد هستند. هر سال در برنامه‌ریزی بودجه سالیانه رعد، پیش‌بینی می‌شود که چه مقدار را گروه همیاری بانوان، چه مقدار را گروه جوانان و چه مقدار هم هیات مدیره و هیأت امناء باید تامین کنند. خوشبختانه تاکنون گروه بانوان همیشه بیش از میزان تعیین شده، درآمد داشته‌است.

**گروه بانوان از طریق چه سازوکارهایی مدیریت می‌شود؟**

گروه بانوان آیین نامه دارند و طبق آن، انتخابات برگزار می‌کنند. هیات مدیره برای دو سال، انتخاب می‌شود. هیات مدیره از میان خود، مدیر گروه را تعیین می‌کنند. تا خرداد ماه سال جاری من مدیرگروه بانوان بودم، ولی به دلیل مشکلات جسمی از مدیریت گروه کنار کشیدم و مسوولیت مدیریت گروه بانوان را خانم تفضلی برعهده گرفتند. همه ما بر این عقیده‌ایم که اعضای گروه بانوان باید بتوانند مسوولیت قبول کنند و انواع کارها را تجربه کنند. گروه بانوان به کار

گروه‌های مختلفی تقسیم شده‌اند و هر یک از آنها وظایفی برعهده دارند. یکی از این کارگروه‌ها که از همان اول شروع به کار کرد، کارگروه مددکاری است که بیست سال مسوولیت آن برعهده من بود. کارگروه مددکاری با مددکاری رعد ارتباط تنگاتنگی دارد. هر مشکلی که بچه‌ها داشته‌باشند چه در زمینه آموزش، چه در زمینه پزشکی و درمان یا تهیه دارو و وسایل توانبخشی و حتی در رفع مشکلات خانواده‌های کارآموزان مثل تهیه وسایل زندگی، جهیزیه و... گروه مددکاری کمک می‌کنند. هم اکنون حدود صد نفر دانشجوی دارای معلولیت در دانشگاه داریم که هزینه‌های بسیاری از آنان از طریق گروه بانوان تامین می‌شود. گروه بانوان، صندوق قرض الحسنه هم دارد (صندوق رضوی قلهدک) که به کارآموزان و حتی کارکنان وام می‌دهد.

**چه انگیزه‌ای باعث شد که شما بیست سال با رعد همکاری کنید؟**

وقتی من ازدواج کردم حدود ۱۹ سال بیشتر نداشتم که با همسرم به آمریکا رفتم، تحصیل کردم و برگشتم. من آدمی نبودم که در خانه بنشینم. به مدت ۵ سال تدریس زبان انگلیسی می‌کردم و در انجمن اولیا و مربیان مدرسه فرزندانم هم فعالیت داشتم. وقتی جنگ شروع شد با گروهی از دوستان از جمله خانم اکبری، برای کودکان جنگ‌زده لباس و وسایل تحصیل تهیه می‌کردیم و آنها را در مدارس ثبت نام می‌کردیم. وقتی جنگ تمام شد، با دوستانم، کار در خیریه



جامعه خدمت کنم. موضوع همکاری با رعد که پیش آمد، از آن استقبال کردم و به زودی در گروه بانوان فعال شدم. علاوه بر کار با گروه بانوان، مسوولیت گروه مددکاری را هم برعهده داشتم.

چون همیشه علاقمند بودم مشکلات این بچه‌ها را کاهش دهم. هر وقت احساس خستگی می‌کنم وقتی می‌بینم که کارآموزان کنار هم نشسته‌اند، می‌گویند و می‌خندند، روحیه‌ام عوض می‌شود. اگر روزی نتوانم در رعد کار کنم ناآرام خواهم بود و آرامش خود را از دست خواهم داد.

**بچه‌های دارای معلولیت برای همه ما بسیار ارزشمندند**

**خودتان را معرفی کنید و بگویید وظیفه شما در گروه بانوان چیست؟**

من حشمت تفضلی (کوچک‌بزدی) هستم که اکنون به عنوان مسئول گروه همیاری بانوان در خدمت مرکز رعد هستم.

**در مورد همکاری و آشنایی خود با رعد توضیح دهید؟**

خانم اکبری که مدیریت مرکز را برعهده دارند از دوستان خانوادگی ما هستند. ۲۵ سال پیش به دعوت ایشان به رعد آمدم. نیتیم این بود که بتوانم کاری هرچند کوچک برای بچه‌های دارای معلولیت به خصوص افرادی که نیازهای فراوانی دارند انجام بدهم.

**از گروه بانوان بگویید؟**

گروه بانوان در آغاز با تعداد کمی از خانم‌های خیر، فعالیتش را شروع کرد. اوایل، کارمان این بود که برای بچه‌هایی که برای آموزش به مرکز رعد می‌آمدند، غذا در خانه بپزیم و بیاوریم. چون در آن زمان هنوز آشپزخانه رعد راه‌اندازی نشده بود. از همان زمان بازارچه‌های خیریه و کنسرت‌هایی به نفع بچه‌های مرکز برپا می‌کردیم. بچه‌های دارای معلولیت برای ما بسیار مقدس و ارزشمند بودند. اول با هدف کمک به این بچه‌ها و سپس در جهت درآمدزایی برای رعد مشغول به فعالیت شدیم. کم‌کم توانستیم با برگزاری بازارچه، کنسرت و جشنواره، وسایل و



تجهیزات آموزشی و توانبخشی را تهیه کنیم. بعد آشپزخانه را راه‌اندازی کردیم و در مرحله بعد گروه‌های مختلف بانوان را تشکیل دادیم که هر گروه در یک حوزه تخصصی فعال شد.

### چه گروه‌هایی تحت لوای گروه بانوان تشکیل شدند؟

به تدریج که تعداد بانوان همیار رعد افزایش یافت، این افراد در گروه‌های مختلفی تقسیم‌بندی شدند. یکی از گروه‌های ما گروه مددکاری است که کمک‌های مالی به بچه‌های دارای معلولیت و خانواده‌هایشان می‌کند. چه برای درمان آنها و چه برای خرید تجهیزات توانبخشی. در صورتی هم که نیاز به عمل جراحی داشته باشند، در تماس با مددکاری بیمارستان‌ها، شرایط عمل جراحی را فراهم می‌کنیم. گروه مددکاری بانوان با مددکار مرکز رعد، کاملاً هماهنگ هستند و در تأمین کمک‌های مالی به ایشان کمک می‌کنند. گروه دیگر ما گروه روابط عمومی است که اصلی‌ترین کار این گروه ارتباط تنگاتنگ با مردم، ارگان‌ها و سازمان‌هاست. این گروه با صداوسیما، رادیو و سازمان‌های تبلیغاتی در ارتباط است. گروه روابط عمومی بانوان، با دفتر روابط عمومی مرکز رعد همکاری می‌کند. گروه روابط عمومی بانوان در مراسم مختلف، ایجاد



نظم و انضباط مراسم را برعهده دارد و در امر عضوگیری برای رعد نیز نقش فعالی دارند. گروه دیگر، گروه آشپزخانه است که خانم آزادی مسئول آن هستند. این گروه علاوه بر تدوین جدول غذایی مرکز و نظارت بر آن، در برگزاری مراسم و جشنواره‌ها هم کمک می‌کنند. گروه دیگر، گروه برنامه‌ریزی است که کارشان تأمین هزینه برای برنامه‌های مختلف رعد

است. این گروه از طریق برگزاری جشنواره و مراسم مختلف مثل کنسرت، سخنرانی، همایش و سمینارها فعالیت می‌کنند. گروه دیگر، گروه تدارکات است. این گروه مسوول حفظ و نگهداری وسایلی است که در برنامه‌های مختلف در اختیار ما قرار می‌گیرد و در ضمن وسایل مورد نیاز در هر برنامه را هم مشخص می‌کنند. یکی دیگر از گروه‌ها، گروه تشریفات است که در مراسم و جشنواره‌ها میزها را مرتب می‌کنند و فرم و روپوش خانم‌های گروه را طراحی می‌کنند؛ این‌که رومیزی‌ها چگونه باید باشند و چگونه تزئین شوند و...

گروه بازار، گروهی است که دوبار در سال؛ یک بار در ۱۲ آذرماه و یک بار در اسفندماه بازار برگزار می‌کند. اعضای گروه بازار، برای برگزاری بازارچه‌ها فراخوان می‌دهند و با کسانی که مایل به شرکت هستند، تماس می‌گیرند. از شهرستان‌ها نیز در این بازار شرکت می‌کنند که معمولاً سودآوری بسیار خوبی هم دارند.

وقتی برنامه جشنواره غذا یا بازار داریم، تمام گروه‌ها درگیر می‌شوند. یعنی در این مراسم همه اعضای گروه کمک می‌کنند، هر کدام در قالب گروهی که عضو آن هستند.

تعداد خانم‌هایی که عضو گروه همیاری بانوان هستند خیلی زیاد است و بسیاری از آنها در حوزه‌های مختلفی تخصص دارند. گروه با توجه به تخصص این افراد آنها را به قسمت‌های مختلف رعد معرفی می‌کند.

وظیفه من به عنوان مسئول گروه بانوان، ایجاد هماهنگی میان فعالیت گروه‌های مختلف است.

### تفکیک این فعالیت‌ها تحت لوای گروه‌های مختلف، به تازگی صورت گرفته است؟

این گروه‌ها قبلاً هم فعالیت داشتند ولی سعی کرده‌ام فعال‌ترشان کنم. به این ترتیب هم بار مسوولیت خودم کمتر می‌شود و هم خانم‌هایی که عضو گروه بانوان هستند، همه می‌دانند که وظایفی برعهده دارند و هیچکدام بیکار نیستند.

### چه برنامه‌ای برای آینده گروه بانوان دارید؟

یکی از مسایلی که من به آن اهمیت می‌دهم، ایجاد برنامه‌های فرهنگی برای گروه است. که علاوه بر فعالیت‌هایی که می‌کنند خودشان هم از لحاظ روحی و روانی تغذیه شوند. به همین دلیل از چند کارشناس که در زمینه‌های روانشناسی، یوگا و یا نویسندگی کتاب تخصص داشته‌اند دعوت کردم که در جلسات ما شرکت کنند و درباره موضوعات مختلفی برای خانم‌های گروه، برنامه بگذارند. خودم هم خانم‌ها را به کتابخوانی تشویق می‌کنم.

### چه آرزویی دارید؟

امیدوارم که کیفیت فعالیت‌های گروه بانوان ارتقا پیدا کرده و موثرتر شوند. نکته‌ای که دوست دارم در انتهای این گفتگو به آن اشاره کنم این است که همه بانوان بدانند که دوره بازنشستگی یک دوره تلایی است. دوره‌ای است که فرد هنوز انرژی و انگیزه کافی برای زندگی دارد و از تجارب فراوانی هم برخوردار است، پس چه خوب که از این دوره بهترین بهره را ببریم و هم به خودمان و هم به دیگران، فایده برساییم.

### هر روز، غذای سالم و تازه در رعد

#### لطفاً خودتان را معرفی کنید و از ارتباطتان با رعد بگویید:

من ناهید آزادی لیسانسیه بیولوژی هستم و از سال ۸۴ با مجتمع رعد آشنا شده و به عضویت گروه همیاری بانوان درآمدم. چون من ۱۴ سال در صنایع غذایی به عنوان مسوول فنی و مسوول آزمایشگاه و کنترل کیفیت کار کرده‌بودم، از من خواسته شد که در حوزه تغذیه فعالیت کنم. در شروع کار سعی کردم نسبت به این بچه‌ها شناخت پیدا کنم. این‌که مختصات معلولیت چیست؟ و با یک پزشک متخصص تغذیه در مورد

نیازهای تغذیه‌ای آنان صحبت کردم، به هر حال برنامه غذایی تهیه کردم و از یک خانم و آقای آشپز دعوت نمودم و به آنها روش‌های بهداشتی کار در آشپزخانه را آموزش دادم و بعد از اطمینان پیدا کردن از سلامت جسمی‌شان کار را شروع کردیم. البته با مشکلاتی هم روبرو بودیم ولی توانستیم برنامه‌های خود را پیش ببریم.

### چند وعده غذایی در مرکز در اختیار بچه‌ها قرار داده می‌شود؟

در اینجا یک وعده ناهار گرم و دو وعده چای و شیرینی به بچه‌ها داده می‌شود. سعی می‌کنیم نیاز غذایی بچه‌ها را در وعده ظهر آنها برآورده کنیم.

### روزانه چه تعداد غذا سرو می‌کنید؟

در شروع کار حدود ۳۵ کارآموز داشتیم و پرسنل هم تعداد کمی بودند. ولی الان تعداد پرسنل زیادتر و تعداد کارآموزان هم بیشتر شده‌اند. در بعضی از روزها تا صد نفر غذا سرو می‌کنیم. من مقید هستم که غذا به روز تهیه شود. یعنی اگر ساعت ۴ بعدازظهر به آشپزخانه بیایید اثری از غذای فردا دیده نمی‌شود. غذای فردا همان فردا تهیه می‌شود. البته آماده‌سازی‌های اولیه مثل پاک کردن برنج یا خرید مواد اولیه، روز قبل انجام می‌شود ولی پخت غذا در همان روز انجام می‌شود. این یکی از نکاتی است که من روی آن اصرار دارم. این مورد تأکید آموزه‌های اسلام هم هست. چون من چند سالی است که روی مسایل غذایی که در قرآن مطرح شده، تحقیق می‌کنم. یکی از چیزهایی که قرآن روی آن تأکید دارد این است که غذا تازه باشد و من سعی می‌کنم این دستورات را در کار خود رعایت کنم. من مسئول گروه غذایی در گروه بانوان هم هستم و باید از دوستان گروه همیاری که در گروه غذا به من کمک می‌کنند تشکر کنم چون این کار یک کار گروهی است و من به تنهایی قادر به انجامش نیستم.

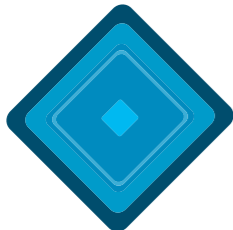
### آیا شما به ایده‌آل‌های تغذیه‌ای خود در فعالیتتان رسیده‌اید؟

همه ما ایده‌آل‌هایی داریم، چون انسان

کمال طلب است و هیچگاه به نهایت ایده‌آل‌هایش نمی‌رسد. من هم برنامه‌های زیادی برای انجام دارم ولی حقیقت این است که وضعیت مالی به ما اجازه بلندپروازی نمی‌دهد. ما سعی می‌کنیم که در تهیه غذای روزانه، از رعد کمک بگیریم و از طریق جذب کمک‌های خیرین و تبلیغات بیشتر، هزینه‌های غذای کارآموزان را تأمین کنیم.

### رعد را چگونه دیدید و چه چیز باعث ادامه همکاری با این مرکز شد؟

من از ابتدای جوانی‌ام علاقمند به کارهای خیریه‌ای بودم. ولی تحصیل، کار و بچه‌داری این فرصت را در اختیارم نگذاشته بود. بعد از ۱۴ سال که خودم را باز خرید کردم، به دنبال این بودم که ببینم در کجا می‌توانم خدمتی بکنم و چون منزلمان در همین نزدیکی بود، جذب اینجا شدم. چندماهه که در اینجا کار کردم، احساس کردم کار در اینجا با ایده‌آل‌هایم متناسب است. خصوصاً که دیدم در زمینه تغذیه بچه‌های مرکز که به تخصص و تجربه‌ام نزدیک بود می‌توانم فعالیت کنم. کار من در رابطه با بچه‌ها و رضایتمندی آنهاست. وقتی می‌بینم بچه‌ها هر روز می‌آیند، غذای سالم می‌خورند و خوشحالند، لذت می‌برم. ♦



## گروه جوانان، بازوی توانمند رعد

فعالیت گروه همیاری جوانان رعد توسط جمعی از جوانان دوستدار مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد از سال ۱۳۷۴ آغاز شد. این گروه به عنوان یک بازوی اجرایی، خلاق و مشورتی موثر در پیشبرد اهداف رعد، با مجتمع همکاری می‌کند. با دو نفر از اعضای گروه؛ محمود توسلی و رحمان علاقیند به گفتگو نشستیم و در مورد ضرورت‌هایی که به تشکیل این گروه انجامید و فعالیت‌هایی که در این سال‌ها توسط آن‌ها انجام گرفته، سوال کردیم.

**بیشتر از این که ما به رعد کمک کنیم، رعد به ما کمک می‌کند**



**ضرورتی منجر به پیدایش گروه جوانان رعد شد؟**

بعد از تشکیل گروه بانوان، این صحبت پیش‌آمد که چه خوب می‌شد که جوانان علاقمند نیز در قالب یک گروه در کنار گروه بانوان فعالیت کنند. در کنار برگزاری اولین بازارچه خیریه در آذرماه سال ۱۳۷۴ توسط گروه بانوان، در جلسه‌ای با آقای منصوریان (مدیرعامل وقت رعد) در مورد تشکیل گروه همیاری جوانان صحبت کردیم که مورد استقبال قرار گرفت. در این جلسه به همراه آقایان امید علایی، احسان توسلی و احمد توسلی شرکت داشتیم و در بهمن ماه سال ۱۳۷۴، اولین جلسه گروه همیاری جوانان با تعدادی از افراد جوان مثل آقایان نوید بازرگان، احسان توسلی، امید علایی، احمد توسلی، علی رضوی‌زاده، مسعود بابایی، رامین صالح‌خو تشکیل شد. بعد از یکی، دو جلسه آقای

مهندس لواسانی نیز به عنوان جوان‌ترین عضو هیات مدیره به جمع ما اضافه شدند. این اولین هسته مرکزی گروه جوانان بود که بعدها بعضی از دوستان از هیئت مرکزی جدا و دوستان دیگری به جای آنها به هیئت مرکزی گروه جوانان پیوستند. در آن موقع بیشتر فعالیت ما، در زمینه‌های ساختاری رعد بود. ما افرادی بودیم که هر کدام، در زمینه خاصی تخصص داشتیم و هدفمان را فعالیت در زمینه تخصصی خودمان گذاشتیم. مثلاً در آن زمان احساس کردیم که برای آموزش بهتر، لازم است سایت کامپیوتر رعد به صورت شبکه کامپیوتری باشد و آموزش‌ها تحت شبکه انجام شود. در سال ۷۵ با تهیه سرور و دیگر ملزومات آن شبکه کامپیوتری رعد را راه‌اندازی کردیم. یکی از مشکلات رعد در آن زمان، کمبود دستگاه کامپیوتر بود که هزینه‌اش را از طریق خیرین جمع‌آوری و ۴ دستگاه کامپیوتر تهیه کردیم. از دیگر فعالیت‌هایمان کمک به ارتقای کیفیت کلاس‌های آموزشی در قالب تهیه سرفصل دروس؛ برای رشته‌های مختلف بود. در آن زمان یکی از اولین دوره‌های کامپیوتری که در مرکز رعد برگزار می‌شد، دوره اتوکد بود. با بررسی‌هایی که انجام دادیم احساس کردیم آموزش‌های این کلاس‌ها کاربردی نیستند و با بازار کار فاصله دارند. گروه جوانان در این زمینه وقت زیادی گذاشت و جزوهای نوشت که آموزش‌ها باید از کجا آغاز و چگونه انجام شوند؟ در کنار فعالیت‌هایمان، ارتباطاتی را هم با سازمان‌های مردم‌نهاد دیگر برقرار کردیم و هدفمان تبلیغ رعد و شناساندن آن به مردم بود. بر این اساس با گروه‌هایی مثل «جوانان شهرک» و گروهی دیگر در کیان‌شهر ارتباط برقرار کردیم. سعی می‌کردیم از لحاظ فنی، پشتیبان برنامه‌های رعد باشیم. عکسبرداری‌ها و فیلمبرداری‌ها، دوربین مدار بسته همگی توسط گروه ما انجام می‌گرفت. حتی اگر برای بازارچه‌های رعد قرار بود چادر برپا شود، خودمان این کار را انجام می‌دادیم. طی این سال‌ها خیلی کارها انجام دادیم که توضیحات آن می‌تواند خود یک مصاحبه جدا شود.

**بیشتر از این که ما به رعد کمک کنیم، رعد به ما کمک می‌کند**



**ضرورتی منجر به پیدایش گروه جوانان رعد شد؟**

بعد از تشکیل گروه بانوان، این صحبت پیش‌آمد که چه خوب می‌شد که جوانان علاقمند نیز در قالب یک گروه در کنار گروه بانوان فعالیت کنند. در کنار برگزاری اولین بازارچه خیریه در آذرماه سال ۱۳۷۴ توسط گروه بانوان، در جلسه‌ای با آقای منصوریان (مدیرعامل وقت رعد) در مورد تشکیل گروه همیاری جوانان صحبت کردیم که مورد استقبال قرار گرفت. در این جلسه به همراه آقایان امید علایی، احسان توسلی و احمد توسلی شرکت داشتیم و در بهمن ماه سال ۱۳۷۴، اولین جلسه گروه همیاری جوانان با تعدادی از افراد جوان مثل آقایان نوید بازرگان، احسان توسلی، امید علایی، احمد توسلی، علی رضوی‌زاده، مسعود بابایی، رامین صالح‌خو تشکیل شد. بعد از یکی، دو جلسه آقای

۷۶ پیشنهاد احداث صندوق را دادیم. برای ایجاد این صندوق برنامه‌ای نوشتیم و از آن به بعد یکی از وظایف گروه جوانان مدیریت صندوق در هر بازارچه بود که هم‌چنان ادامه دارد. در این سیستم گروه جوانان از دریافت پول از مردم تا شمردن و حساب و کنترل فاکتورها به مدیریت حوزه مالی بازارچه‌ها کمک می‌کنند.

از سال ۱۳۷۶ به بعد در برگزاری بازارچه‌ها همکاری بیشتری داشتیم و کم‌کم به یکی از بازوهای اصلی رعد در برنامه‌های رعد تبدیل شدیم.

**اعضای گروه جوانان در آن زمان چند نفر بودند و اکنون چند نفر هستند؟ افراد چگونه می‌توانند عضو این گروه شوند؟**

گروه جوانان در ابتدا با حدود ده نفر آغاز کردیم، جلوتر که آمدیم به حدود شصت، هفتاد نفر رسید و بعد به حدود دویست، سیصد نفر و حالا هم در حدود هشتصد نفر عضو گروه جوانان هستند. البته تعداد افراد این گروه در طول دوره‌های مختلف، کم و زیاد شده‌اند. اگر همه جوانانی که طی این دوره با گروه جوانان همکاری داشتند را با هم جمع کنیم، تعدادمان بیشتر از دوهزار نفر خواهد شد. گروه جوانان بیشتر به دنبال ایجاد درآمدهای ثابت برای رعد است تا مجتمع نگران هزینه‌های جاری نباشد.

**اعضای گروه جوانان چگونه با هم ارتباط دارند؟**

بعد از این که تعداد گروه جوانان بیشتر شد، تغییراتی در گروه جوانان به وجود آوردیم تا بتوانیم بین همه اعضا گروه جوانان ارتباط برقرار کنیم. در گروه جوانان یک هسته مرکزی تشکیل دادیم که برنامه‌های مختلف گروه را برنامه‌ریزی می‌کرد و نسبت به هر برنامه با اعضا ارتباط برقرار می‌کردیم. این جلسات تا حدود دوازده، سی‌زده سال به صورت هفتگی ادامه داشت. در حال حاضر جلسات با توجه به برنامه‌های رعد برگزار می‌شود. با توجه به برنامه، و با همکاری گروه منابع انسانی برنامه ریزی برای مراسم پیش‌رو انجام و از طریق اینترنت و پیامک به اعضا گروه جوانان اطلاع می‌دهیم. در صورت لزوم جلساتی هم در رعد برگزار و پیشرفت کارها را بررسی می‌کنیم.

**به ایسن ترتیب گروه جوانان یکی از بازوهای مالی مجتمع رعد هم هستند، درست است؟**

دقیقا، گروه جوانان در کنار نقش همفکری که دارد، یکی از بازوهای کمکی رعد است. گروه جوانان در برگزاری بازارچه‌ها و مراسم مختلف با گروه بانوان همکاری می‌کنند. در سال قبل حراج کارهای هنری را برگزار کردیم که خیلی موفق بود. ما به دنبال افزایش فعالیت‌های این چنینی هستیم.

**و چه چیزی باعث شد که همکاریتان را ادامه داده‌اید؟**

از روز اولی که گروه جوانان تشکیل شد، در کنار کار خیر، می‌خواستیم که یک کار جمعی انجام دهیم. و این کار سختی بود، در ضمن در دوره‌های اول فعالیت دوست نداشتیم که جلوی چشم باشیم. امروز که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم بیشتر از اینکه ما به رعد کمک کنیم، رعد به ما کمک کرده‌است. به ما کمک کرد در کنار توان‌یابان، ناتوانی‌ها و توانایی‌هایمان را بشناسیم. ما در این مرکز با کسانی در ارتباطیم که به ما یاد می‌دهند که توانایی چیست و چطور می‌شود پیشرفت کرد و چطور می‌توان با همه مشکلات به اهدافمان نزدیک شویم. در کنار همه این‌ها، یاد گرفتیم که چطور کار جمعی انجام دهیم. هر وقت که زمان خالی پیدا کنیم، در حد توانم با رعد همکاری می‌کنم و خوشحالم که در خدمت رعد هستم.

**به اعتقاد من رعد هنوز ناشناخته است**

**از چه زمانی در گروه جوانان رعد مشغول به فعالیت شدید؟**

من از سال ۱۳۷۸ عضو گروه همیاری جوانان شدم. قبل از آن من جزو گروه همیاران رعد بودم و در برنامه‌های رعد کمک می‌کردم، هنوز بحث مدیریت گروه جوانان مطرح نبود. بعد از آن چندسالی برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفتم و وقتی که برگشتم وقت بیشتری برای گروه جوانان گذاشتم و مسوولیت گروه را به عهده گرفتم. از آن به بعد بیشتر وقت و انرژی را برای درآمدزایی مرکز و شناساندن رعد به جامعه صرف کردم. این دو هدف اصلی گروه جوانان رعد است ولی در کنار آن در هر فعالیتی که رعد انجام می‌دهد، ما به عنوان یک بازوی کمکی در کنارش هستیم. مثلاً در سال قبل، در جشنواره حضرت علی اکبر (ع) که برگزاری آن را رعد برعهده گرفت، ما در قالب گروه جوانان، هم به عنوان بازوی اجرایی و هم در

تبلیغات و اطلاع‌رسانی در کنار رعد فعالیت کردیم. در پروژه‌های درآمدزایی برای رعد، سالی پنج، شش مراسم ثابت داریم مثل؛ جشنواره‌های غذا و بازارچه‌های خیریه و. البته به صورت سنتی بازارچه‌ها و جشنواره‌ها زیرنظر گروه بانوان انجام می‌شوند ولی گروه جوانان همراه آنها در این مراسم فعالیت می‌کنند. گروه جوانان در تبلیغات و ایجاد ارتباط با اسپانسرها کمک می‌کنند و سعی دارند در ارتقای کیفیت برگزاری جشنواره‌ها و بازارچه‌ها تأثیرگذار باشند. جشنواره‌های غذای رعد در جامعه کاملاً شناخته شده‌اند. هدف ما برای درآمدزایی این است که از این جشنواره‌ها و بازارچه‌ها فراتر برویم و اقدامات جدیدی انجام دهیم. چون مانند این فعالیت‌ها در تهران زیاد است. سال قبل پروژه جدیدی راه‌انداختیم که آن اولین حراج آثار هنری به نفع خیریه رعد بود. این پروژه خیلی موفق بود و از آن استقبال زیادی شد. امسال هم درصدد هستیم این کار را با کیفیت بهتری در دی ماه انجام دهیم. سعی می‌کنیم چنین کارهایی را سالانه برگزار کنیم.

**این آثار هنری، را چگونه تهیه کردید؟**

بیشتر کارهای عرضه شده، کارهای هنری هنرمندان معروفی بودند که توانستیم با همکاری گالری‌های مطرح به نفع مرکز رعد آن‌ها را به حراج بگذاریم.

**گروه جوانان چه تعداد عضو دارد؟**

در حال حاضر اعضای گروه جوانان حدود هشتصد نفر هستند که البته همه آنها فعال نیستند. گروهی را تقریباً از دو سال قبل در گروه جوانان به نام گروه منابع انسانی تشکیل دادیم که وظیفه‌شان عضوگیری برای گروه جوانان، آموزش این دوستان و کمک گرفتن از آنها در مراسم رعد است. در سال ۷۶-۷۵ گروه جوانان ۵۰ نفر بودند که همگی همدیگر را می‌شناختند ولی الان حدود ۸۰۰ نفر عضو داریم که شاید تنها ۲۰۰ نفر آنها فعال باشند.

**همه این ۸۰۰ نفر عضو رعد هستند؟**

بله. همه این ۸۰۰ نفر فرم پر کرده‌اند و اطلاعاتشان را داده‌اند. اعتقاد ما این است که اگر کسی عضو گروه جوانان می‌شود، حتماً باید عضو رعد شده‌باشد. همه اعضای رعد فرم عضویت پر کرده‌اند و ماهیانه هم کمکی به رعد می‌کنند که گرچه مبلغ زیادی نیست، ولی یک پشتوانه مالی کوچک است. دوستانی که عضو گروه جوانان می‌شوند حتی

اگر فعال هم نباشند، حداقل همیشه دوستدار رعد و دوستدار افراد دارای معلولیت می‌مانند. ما دوستانی داریم که مشغول به کار شده و از این گروه رفته‌اند ولی هنوز با ما در ارتباطند و گه‌گاه تماس می‌گیرند و از ما می‌خواهند که بگوییم که چه کاری می‌توانند انجام دهند؟ این حس خوبی است که در این بچه‌ها ایجاد شده‌است. خود من وقتی به رعد می‌آیم این حس را دارم که کار مفیدی را در یک سمن باسابقه‌ی سی ساله و شناخته شده انجام می‌دهم. این حس در بچه‌ها هم هست که وقتی به دنبال کار و زندگیشان هم می‌روند این ارتباط هنوز باقی می‌ماند.

**برنامه آینده شما برای گروه جوانان چیست؟**

ما گروه منابع انسانی را درست کردیم و مشغول گروه‌بندی جوانان هستیم. گروه‌های کاری مثل، گروه گرافیک و گروه روابط عمومی راه‌انداخته‌ایم. اعضای این گروه را به‌صورت تخصصی گروه‌بندی کرده‌ایم تا



بتوانند مستقلاً با هم جلسه داشته‌باشند و کارهایشان را انجام دهند. آقای قاسم‌خانی به عنوان مدیریت منابع انسانی گروه جوانان، در این مدت بسیار زحمت کشیده‌اند و جا دارد از زحمات ایشان تشکر کنم. بدون همکاری ایشان نمی‌توانستیم این حجم، کار انجام دهیم.

به اعتقاد من رعد به‌عنوان یک خیریه سی ساله که فعالیت‌های گسترده‌ای هم دارد هنوز ناشناخته‌است. چشم‌انداز ما این است که بتوانیم منابع مالی بیشتری برای رعد به‌دست بیاوریم و بتوانیم با اطلاع‌رسانی، رعد را به جامعه بیشتر بشناسانیم. رعد حدود بیست مرکز در شهرهای مختلف ایران دارد و از لحاظ جغرافیایی بزرگ‌ترین سازمان غیردولتی در ایران است. ولی هنوز تعداد زیادی هستند که آن را نمی‌شناسند. ♦

سی سال رعد





## آموزش، یکی از دغدغه‌های اصلی و همیشگی من در رعد

دلیل اصلی و اولیه ایجاد مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد از سالیان گذشته، ارایه آموزش‌های کاربردی و فنی و حرفه‌ای به افراد دارای معلولیت و توانمند کردن آنها در اجتماع بوده است. آموزش‌هایی که طی سال‌ها تداوم فعالیت در مجتمع، موضوعات نشان گسترده‌تر و عملکردشان کیفی‌تر شده‌اند.

یکی از افرادی که از سال‌ها قبل با گروه آموزش در مجتمع رعد همکاری می‌کرده و اکنون به عنوان معاون آموزشی فعالیت می‌کند، محمود توسلی است. کسی که در کیفی‌تر کردن و به‌روز کردن آموزش‌ها و ارتقای آموزش‌های سنتی قبلی به همراه اعضای این گروه، تلاش بسیاری کرده است. با او گفتگو نشستیم.

### چه زمانی در زمینه آموزش در مجتمع رعد فعال شدید؟

شروع همکاری من با مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با فعالیت در حوزه آموزش کارآموزان رعد در زمینه کامپیوتر آغاز شد. در آن زمان هم‌زمان با ورود کامپیوتر به ایران، به غیر از دوره‌های جاری آن زمان (سیم پیچی موتور، نقشه کشی دستی، تایپ دستی و...)، دوره‌هایی مثل اپراتوری کامپیوتر اضافه شده بود که شروع همکاری من نیز بود. بعدتر دوره‌هایی مثل اتو کد، زنگار و نقش را به دوره‌های موجود اضافه کردیم، این کار باعث شد تا در آن دوره‌ها تا حدود ۹۵ درصد از کسانی که در این مرکز آموزش دیده بودند، وارد بازار کار شوند. همین فعالیت‌ها باعث شد که آموزش یکی از دغدغه‌های اصلی من در رعد بشود. بعد از تشکیل گروه همیاری جوانان این همکاری‌ها در غالب گروه جوانان تا حدود سال ۱۳۸۰ ادامه یافت. در این دوره

### منظور از هدفمندتر کردن چیست؟

ما دوست داریم که تمام کارآموزانی که در دوره‌های ما شرکت می‌کنند، وارد بازار کار شوند. به همین منظور سعی داریم دروسی را آموزش دهیم که به نیازهای بازار کار نزدیک‌تر باشد. علاوه بر آن سعی داریم تادر کنار این آموزش‌ها، برای کارآموزان مجتمع هدایت تحصیلی داشته باشیم. یکی از مشکلاتی که در چند سال اخیر با آن روبرو بودیم عدم تمرکز توانیابان در یک رشته خاص و تغییر مداوم رشته کاری آنان بوده است. دلیل این کار هم این بوده است که کارآموزان یک رشته را آموزش می‌دیدند و تا می‌دیدند در این رشته نمی‌توانند وارد بازار کار شوند، به جای این‌که در رشته اصلی خود تخصص بیشتری پیدا کنند، وارد یک رشته جدید می‌شدند. این باعث شد تا تعدادی از آنها بدون اینکه بتوانند شغل مناسبی را پیدا کنند در بسیاری از کلاس‌ها شرکت کنند.

برای حل این مشکل ابتدا ارزیابی از وضعیت

کارآموزان انجام دادیم تا با توجه به توانایی‌ها و نوع معلولیت آنها، برای هر کارآموز یک مسیر شغلی انتخاب و در آن مسیر پیشرفت کارآموز را پی‌گیری کنیم. تا کارآموزان در کنار آموزش به یک تخصص مشخص برسند. با تخصص است که آنها می‌توانند وارد بازار کار شده و به استقلال اجتماعی برسند. مساله دیگری که کارآموزان با آن مواجه هستند، ناآشنایی آنها با محیط کار است. برای حل این مشکل، با کمک بعضی از دوستان داوطلب، دوره‌هایی تحت عنوان «آینده بهتر» و «توانمندسازی جوانان» برای کارآموزان این مرکز به صورت کلاس و کارگاه یک یا چندروزه برگزار کردیم.

در این دوره‌ها مباحثی مثل «چگونه باید به آرزوهایمان برسیم؟»، «چگونه باید هدف‌گذاری کنیم تا به نتیجه برسیم؟»، «پیدا کردن نقاط قوت خود»، «نحوه نوشتن رزومه»، «نحوه شرکت در مصاحبه شغلی»، «تاثیر هوش هیجانی در محیط»، «تیپ‌شناسی شخصیت» را مطرح می‌کنیم. حتی به مباحثی مثل اینکه چطور خودشان را ارایه دهند، چطور لباس بپوشند، چگونه صحبت کنند یا در محیط کار چه کلماتی را نباید به کار ببرند و... می‌پردازیم. در کنار این آموزش‌ها، مصاحبه‌های شغلی هم برای کارآموزان ترتیب دادیم تا ترس آنها از مصاحبه از بین برود و بدانند که چطور باید صحبت کنند. دوره‌هایی هم با عنوان «هوش هیجانی» برگزار کرده‌ایم تا در کنار دوره‌هایی که برگزار می‌کنیم، هوش هیجانی کارآموزان بالا رفته تا بهتر بتوانند با محیط کارشان ارتباط برقرار کنند. اکنون روی تخصصی‌تر شدن مهارت‌های بچه‌ها کار می‌کنیم تا بتوانند به اشتغال مناسب‌تر برسند. دوره‌های کارآفرینی هم در کنار کلاس‌های آموزشی برگزار می‌شوند، چون کارآفرینی ارتباط نزدیکی با آموزش دارد و باید با آن هماهنگ باشند تا اثر پذیر شوند.

### تا به حال این اتفاق افتاده که کسی بیاید و شما به علت کمبود جا او را نپذیرید؟

ظرفیت ما با توجه به کلاس‌هایمان در هر دوره، چیزی در حدود دویست نفر است. در زمان‌هایی که تعداد کارآموزان بالاتر رفته با هماهنگی با بقیه قسمت‌ها، از بقیه فضاها بعنوان کلاس استفاده کردیم و تا به حال این اتفاق نیفتاده که کسی را به دلیل کمبود جا نپذیریم.

به امید اینکه هیچ فرد دارای معلولیتی از آموزش به‌دور نماند!



## جایی که مثل هیچ کجا نیست! در گفتگو با کارآموزان رعد

و می‌گوید: «تا دوره دبیرستان به سختی راه می‌رفتم ولی اکنون چندسالی است که از ویلچر استفاده می‌کنم.» ندا در کلاس‌های نقاشی و نویسندگی مجتمع رعد شرکت می‌کند و علاوه بر شرکت در این کلاس‌ها، از خدمات فیزیوتراپی و کاردرمانی هم استفاده می‌کند. ندا عقیده دارد؛ مرکز رعد اجتماع خاصی است که علاوه بر آموزش مهارت، باعث ایجاد ارتباطات دوستانه میان افراد می‌شود. به گفته او، آشنایی با کسانی که مشکلاتی کمتر یا بیشتر از خودشان



دارند، باعث ایجاد صمیمیت و دوستی بین آنها می‌شود. ندا از ارتباطش با رعد بسیار راضی است و امیدوار است فعالیت‌های این موسسه ادامه پیدا کند و بتواند به متقاضیان بیشتری کمک کند.

برده‌است. او علاوه بر شرکت در کلاس‌های آموزشی، از خدمات فیزیوتراپی و توانبخشی این مرکز نیز به طور مداوم استفاده می‌کند. این کارآموز، رعد را به یک صندوق گنج شبیه می‌داند و کارکنان آن را به جواهرات این صندوق تشبیه می‌کند. او می‌گوید: «من در رعد دوستان زیادی پیدا کردم و ارتباط با آنها برایم بسیار ارزشمند است. در طول این دو سال چه از لحاظ رفتاری و اجتماعی و چه از لحاظ جسمی شرایطم خیلی بهتر شده است.» محمدولی از سال‌ها قبل به فروشنده‌ای اشتغال داشته و هنوز هم به این حرفه مشغول است. او ادامه می‌دهد: «تا پیش از این که به رعد بیایم خیلی کم حوصله بودم و در محیط کار از شرایط روحی خوبی برخوردار نبودم، ولی الآن حالم خیلی بهتر است و خانواده‌ام نیز از این بابت بسیار خوشحال هستند.» این کارآموز، یادگیری هنر سفالگری را با شرکت در کلاس‌های آن، هدف بعدی خود می‌داند و امیدوار است که بتواند ارتباط با رعد را هم‌چنان ادامه دهد.

ندا بیات، از دیگر کارآموزان رعد است. او که از ۵ سال قبل با موسسه رعد آشنا شده، از آن تاریخ تا کنون، از کلاس‌های آموزشی و خدمات توانبخشی رعد استفاده می‌کند. او مشکل دیستروفی عضلانی دارد

کارآموزان رعد در محیطی که متعلق به خودشان است هم از آموزش‌های فنی و مهارتی بهره‌مند می‌شوند، هم از خدمات توانبخشی استفاده می‌کنند و هم دوست پیدا می‌کنند. دوستی‌ای که اثراش کمتر از فعالیت‌های دیگرشان در رعد نیست، اینها همه در کنار هم، به افزایش توانمندی آنها می‌انجامد. با تعدادی از این کارآموزان در مورد علت ارتباطشان با موسسه رعد سوالاتی پرسیدیم.



محمدولی رحیمی ۲۹ ساله است و از دو سال قبل با مجتمع رعد در ارتباط است. او که مبتلا به CP است، در این دو سال از کلاس‌های زبان انگلیسی مرکز بهره

**پدرام حسین پور** سی ساله و یکی از کارآموزان رعد است. او که در اثر عمل جراحی بر روی کمر دچار ضایعه نخاعی شده، فارغ التحصیل رشته مهندسی کشاورزی و دامپروزی است. او می‌گوید: «پس از فارغ التحصیل شدنم برای کاریابی، به سازمان بهزیستی مراجعه کردم و از طریق این سازمان با رعد آشنا شدم.» او ادامه می‌دهد: «هدفم از آمدن به این مرکز یادگیری مهارت‌های شغلی و رسیدن



به اشتغال پایدار است.» او محیط رعد را محیطی بسیار مطلوب و مناسب برای کارآموزان می‌داند و عقیده دارد، آموزش‌های ارائه شده در رعد بسیار کاربردی و قابل استفاده برای شرکت کنندگان است. او دوستان خوبی در رعد پیدا کرده که می‌توانند اوقات فراغت خوبی را با هم سپری کنند. پدرام می‌گوید: «شرکت در کلاس‌های رعد به تقویت مهارت‌های شغلی در کارآموزان کمک زیادی می‌کند.» او عقیده دارد اگر بچه‌ها با پشتکار، کلاس‌های رعد را دنبال کنند و پیگیر این آموزش‌ها باشند، توانایی‌های زیادی را کسب می‌کنند، خصوصاً که این کلاس‌ها به صورت رایگان ارائه می‌شود و اگر می‌خواستند این کلاس‌ها را در خارج از رعد بگذرانند باید متقبل هزینه‌ها زیادی می‌شدند.» پدرام آرزوی موفقیت برای مرکز رعد و کارکنان دلسوز آن دارد.

**حسین مردانی** از کارآموزانی است که شش سال قبل از طریق یکی از دوستانش با مرکز رعد آشنا شده است. او که به کار روی چوب علاقه دارد، از همان بدو ورود، در کلاس‌های معرق رعد ثبت نام کرده و در طول این شش سال به طور پیگیر و مداوم در این کلاس‌ها کارورزی می‌کند.

این کارآموز اکنون به مرحله‌ای رسیده که می‌تواند هنرش را به دیگران آموزش دهد و در خانه شاگرد خصوصی داشته‌باشد. حسین می‌گوید: «معرق برای من تبدیل به یک حرفه و شغل شده و از طریق آن توانسته‌ام به درآمد اندکی برسم، گرچه این میزان زیاد نیست ولی کمک می‌کند که دستم در جیب خودم باشد و تا حدودی استقلال مالی داشته باشم.» حسین عقیده دارد، کلاس‌های رعد در سطح خوبی ارائه



می‌شوند، ولی این خود بچه‌ها هستند که باید از این کلاس‌ها بیشترین استفاده را برده و سعی کنند از آموخته‌هایشان در جهت رسیدن به اشتغال استفاده کنند، نه اینکه برای وقت گذرانی به این مرکز بیایند و بروند. حسین، محیط رعد را محیطی خوب و صمیمی می‌داند و قدردان کارمندان مهربانی است که بین بچه‌ها فرقی نمی‌گذارند. او روابط دوستانه‌ای با بقیه کارآموزان دارد و امیدوار است این مرکز بیش از پیش در رسیدن به اهدافش موفق باشد.

**محمدرضا حیدری** که مشکل cp دارد، از سال ۸۰ تاکنون به مرکز رعد می‌آید. او در کلاس‌های زیادی مثل؛ کلاس ماشین‌نویسی، دوره‌های مختلف کامپیوتر و کلاس طراحی شرکت کرده و مدرک این دوره‌ها را دریافت کرده است. محمدرضا در طول این مدت از خدمات توانبخشی مرکز نیز استفاده می‌کند. او که دانشجوی رشته تکنولوژی اطلاعات در دانشگاه علمی کاربردی است، می‌گوید: «رعد مکان بسیار خوبی است چون افرادی مانند ما را که در دیگر جاه‌ها به راحتی نمی‌پذیرند را قبول می‌کند. ساختمان رعد مناسب سازی شده‌است و این به ما کمک می‌کند که به راحتی در کلاس‌ها شرکت کنیم. او می‌گوید: «من در ابتدا بیشتر به خاطر دریافت خدمات درمانی

مثل فیزیوتراپی و کاردرمانی به این مرکز می‌آمدم ولی بعدها در کلاس‌های مختلف آن هم شرکت کردم». کلاس‌هایی که در این مرکز گذراندم به رشته دانشگاهی‌ام خیلی کمک کرد و دوستانی هم که در رعد پیدا کردم خیلی بیشتر از دوستانی هستم که در دانشگاه پیدا کرده‌ام، چون افرادی هستند که مانند خودم دچار مشکل هستند و به همین دلیل یکدیگر را خیلی خوب درک می‌کنیم.»



## چرا رعد؟

مجتمع رعد در طول سی سال فعالیت پرتلاش خود از همکاری تعداد بی‌شماری افراد علاقمند و توانا برخوردار بوده‌است. همکاری‌های مسئولانه‌ایی که اگر نبود، رعد نمی‌توانست تاکنون با این کیفیت به فعالیتش ادامه دهد.

متأسفانه به دلیل محدودیت حجم نشریه، نتوانستیم با تعداد زیادی از همکاران موسسه رعد گفتگو کنیم. مجبور شدیم که سه نفر را انتخاب کرده و از آن‌ها بپرسیم؛ چرا به رعد آمدید و چرا ماندید؟

### باید به کارهای نیکوکارانه اعتقاد داشت تا موثر باشند

**حدیقه اسماعیل پور،** مسوول دفتر مدیرعامل مجتمع رعد است. با او که یکی از قدیمی‌ترین کارکنان این مجتمع است، گفتگو کردیم. او در پاسخ به این سوال که از چه زمانی فعالیتش را در رعد شروع کرده‌است، می‌گوید:

«من در سال ۷۴ از طریق برادرم که به رعد آشنا بود به این مرکز معرفی شدم و از همان زمان شروع به کار کردم. در ابتدا به



عنوان منشی آمدم ولی چون در آن زمان رعد مربی ماشین‌نویسی نداشت به عنوان مربی هم ایفای نقش کردم. به بچه‌ها کار با ماشین تحریرهای قدیمی را آموزش می‌دادم. علاوه براین چون در آن زمان تعداد کارکنان رعد خیلی کم بود، مسوول بایگانی هم بودم.» اسماعیل پور ادامه می‌دهد: «رعد فضای بسیار خوبی دارد و مکان مناسبی

است برای کسانی که مشکلات جسمی و اقتصادی دارند. این دوستان به رایگان از خدمات آموزشی و درمانی این مرکز بهره‌مند می‌شوند. کلاس‌های رعد مختلط است و دختران و پسران در کنار هم در کلاس‌ها شرکت می‌کنند که این خود به نوعی آموزش است که چگونه بتوانند در اجتماع نیز با جنس مخالف برخورد داشته‌باشند. این موضوع به رشد اجتماعی آن‌ها کمک زیادی می‌کند. آموزش‌های این مرکز برای کارآموزان، کاملاً رایگان است و این فرصت خوبی است برای این بچه‌ها. چون متأسفانه خیلی از خانواده‌ها به اشتباه فکر می‌کنند که هزینه کردن برای کسانی که مشکل جسمی دارند بی‌فایده است و همین طرز تفکر باعث عقب‌ماندن آن‌ها از زندگی می‌شود. کارآموزانی که در کلاس‌های رعد آموزش می‌بینند، رشته‌های فنی - حرفه‌ای و هنری را می‌آموزند و بسیاری از آن‌ها به اشتغال می‌رسند و اعتماد به نفس پیدا می‌کنند.

### با توجه به سابقه طولانی همکاری شما با رعد، کدام دوره مدیریتی آن را موفق‌تر می‌دانید؟

هر کدام از مدیرانی که به رعد آمدند سیاست‌ها و برنامه‌های خاص خودشان را داشتند و همه آن‌ها به نوعی در پیشرفت فعالیت‌های رعد موثر بوده‌اند. ولی شاید یکی از اشکالات رعد در دوران‌های قبلی این بود که تغییرات مدیریتی زیادی داشت. هر مدیری که با برنامه خاصی می‌آمد، مدتی زمان نیاز داشت تا بتواند برنامه‌هایش را اجرا کند. ولی خیلی وقت‌ها قبل از این‌که کارش به نتیجه برسد اینجا را ترک می‌کرد و می‌رفت. اما به نظر من در چندسال اخیر که خانم اکبری مسوولیت مدیریت رعد را برعهده گرفته‌اند، شرایط رعد خیلی بهتر شده‌است. ایشان از ابتدا با رعد در ارتباط

بوده و این مرکز را خیلی خوب می‌شناسند و واقعا از صمیم قلب به آن علاقه‌مندند. این دلسوزی به پیشرفت کارهای مرکز خیلی کمک کرده‌است. خصوصاً که خانم اکبری با تمام افراد خانواده‌شان یعنی همسر و فرزندان‌شان تمام وقت، در اینجا هستند. باید به کارهای نیکوکارانه اعتقاد داشت تا بتوان موثر بود. من در این سال‌های همکاری با

رعد، این را احساس کرده‌ام که هرکسی که از صمیم قلب کار نمی‌کند و با علاقه حضور نداشت، ناخودآگاه دفع می‌شود. آنهایی که در این مرکز مانده‌اند و ادامه داده‌اند کسانی هستند که اینجا را دوست دارند و برای ماندن انگیزه قوی دارند. کارکنان رعد، صرفاً به خاطر حقوق کار نمی‌کنند، علاقمندی به کار خیر است که آن‌ها را نگه داشته‌است.

### چه شد که شما در این سال‌ها اینجا ماندید و به فکر جای دیگر نیفتادید؟

من اینجا را دوست دارم. وقتی به اینجا آمدم سنم کم بود و تجربه کاری هم نداشتم. بعداً شرایط کار در جاهای دیگر برایم پیش آمد ولی به خاطر علاقه‌ای که به مرکز، همکاران و بچه‌ها داشتم ترجیح دادم در همین جا بمانم

### کار کردن در رعد لیاقت می‌خواهد

**سیامک خسروی گهر،** مدیر اداری، مالی مجتمع رعد است. او کسی است که همه کارکنان رعد با او در ارتباط نزدیک و صمیمانه‌ای هستند. از او هم در مورد شروع فعالیتش در رعد سوال کردیم:



من از سال ۷۹ افتخار کار کردن با رعد را پیدا کردم. قبل از اشتغال در مرکز رعد، در بازار تهران در صنف پارچه‌فروشان کار حسابداری می‌کردم. در آن زمان دانشجوی بودم ولی چون دوست داشتم خودساخته باشم و با محیط کاری آشنا شوم، از همان زمان کار می‌کردم. متأسفانه یا خوشبختانه کار در محیط بازار با روحیه من سازگار نبود



و فضایی را که به دنبالش بودم را در آنجا پیدا نکردم، به همین دلیل از بازار بیرون آمدم. بعد از آن از طریق یکی از اقوام با مرکز رعد آشنا شدم. اگر بگویم این خواست خدا بود که با رعد آشنا شوم، دروغ نگفته‌ام، چون همیشه از خدا خواسته‌ام که بهترین‌ها را در جلوی پایم بگذارد و رعد یکی از این بهترین‌ها بود. چیزی که از خدا خواسته بودم کار خوب و نه به معنی پول خوب بود. فضای معنوی کار برایم بسیار مهم بود. کار در رعد همان خواست خدا برای من بود که من به این همکاری همیشه افتخار می‌کنم.

**چه چیزی در رعد شما را جذب کرد؟**

اولین باری که به رعد آمدم، با همان سابقه ذهنی که از کار قبلی داشتم، با خود گفتم مگر می‌شود که کسانی برای افراد دارای معلولیت کار کنند، پول بدهند و از دولت هم هیچ کمکی نگیرند؟ اولش برایم باور کردنی نبود. کمی که گذشت و با محیط آشنا تر شدم و شور و اشتیاق خیرین را دیدم، هیات مدیره را شناختم و با کارکنان مجتمع آشنا شدم، فهمیدم که محیط اینجا با بازار خیلی متفاوت است. اینجا همه‌اش عشق و معنویت است. این یکی از دلایل ماندگاری من و سایر کسانی است که در اینجا کار می‌کنند. به نظر من هر کسی که در اینجا مشغول به کار می‌شود و یا سروکارش به رعد افتاده‌است، خدا به او نظر داشته‌است. به نظر من امکان ندارد کسی با رعد همکاری کند و آدم بدی باشد. آن چه که افراد را در اینجا ماندگار می‌کند، صداقت و خوبی آنها است. همه کارکنان این مرکز، از اعضای هیات مدیره و گروه بانوان گرفته تا گروه جوانان و سایر کارکنان رعد، همه با عشق کار می‌کنند. مساله بعدی برای من، برکتی است که رعد به زندگی من داده‌است. حقوق یک حسابدار با سابقه شاید در جاهای دیگر بیشتر از اینجا باشد و من این را در مورد دوستانم که در کارخانجات و شرکت‌های دیگر کار می‌کنند، دیده‌ام. اما خداراشکر، تاکنون به بهترین شکل زندگی کرده‌ام و هر جا هم که کم آورده‌ام خدا می‌خواهم که کمک کند و او همیشه راهی را پیش پای من قرار می‌دهد و مشکل حل می‌شود. به نظر من اینها از برکت وجود رعد است.

**ارتباط شما با بچه‌ها و کارآموزان رعد چگونه است؟**

همه ما برای این بچه‌ها کار می‌کنیم. ممکن است من به واسطه مسوولیت شغلیم، به‌طور مستقیم با بچه‌ها در ارتباط نباشم

ولی وجود خودم را به خاطر این بچه‌ها می‌دانم. دیدن این بچه‌ها برای من عادت شده و تعجب می‌کنم که ممکن است کسی به آن‌ها ترجم کند چون من توانایی‌هایشان را از نزدیک دیده‌ام. خوشحالی این دوستان به من انگیزه می‌دهد. وقتی ویلچر یکی از این بچه‌ها را حرکت می‌دهم و او از من تشکر می‌کند، احساس می‌کنم کار خیری انجام داده‌ام و خوشحال می‌شوم. همین کاری که در مرکز انجام می‌دهم، برایم به عنوان عمل خیر محسوب می‌شود. من با این نیت کار می‌کنم و فکر می‌کنم کار کردن در رعد لیاقت می‌خواهد، چون خدمت به کسانی است که از بهترین‌ها هستند.



**لذتی که قابل تعریف نیست**

کتابیون حقیقی فیزیوتراپیست است و سابقه ۱۵ سال فعالیت در قسمت فیزیوتراپی مجتمع رعد را دارد. با او هم که از همکاران قدیمی مجتمع رعد است، گفتگو کردیم.

**چرا مجتمع رعد را برای کار کردن انتخاب کرده‌اید؟**

کار در رعد، کاری انسانی است و لذت، در چنین کاری است. لذتی که قابل تعریف نیست. من از این که چیزی را به کسی یاد می‌دهم و او را یک قدم به جلو می‌برم و به استقلال نزدیک‌ترش می‌کنم، لذت می‌برم. من ۱۵ سال است که در رعد کار می‌کنم و فقط به همین خاطر رعد را انتخاب کرده‌ام.

**حتماً امکان کار کردن در جاهای دیگر را هم داشته‌اید؟**

بله، حتماً این امکان وجود داشته‌است. من اینجا روزی بیست نفر را می‌بینم که خیلی از آن‌ها با معلولیت‌های شدید درگیر هستند. ولی به نظر من کسی که در رعد می‌ماند و کار می‌کند، دید مادی ندارد. چون با این نگاه، شاید رعد چیزی برایش نداشته‌باشد ولی چیزی که باعث می‌شود در اینجا ماند، عشقی

است که بین او و بچه‌های رعد ایجاد می‌شود. من از این که به کسی که ناتوانی دارد، کمک می‌کنم لذت می‌برم. این احساس لذت است که باعث می‌شود افراد در رعد بمانند، نه پولی که از اینجا به دست می‌آید.

**آیا این لذت، برای شما ارضاکنده است؟**

حتماً ارضا کننده بوده که ۱۵ سال اینجا مانده‌ام. البته من نیاز مادی به شکل جدی نداشته‌ام و قرار نبوده که زندگی را بچرخانم، به همین دلیل توانسته‌ام از درآمد بیشتر چشم‌پوشی کنم و برای دلم کار کنم. البته منظورم این نیست که کسی که در رعد نمی‌ماند نمی‌خواهد برای دلش کار کند، به هر حال زندگی و مسایل مادی شوخی نیست و افراد باید بتوانند زندگی‌شان را اداره کنند. اگر من بتوانم زندگی‌ام را اداره کنم، آن وقت است که می‌توانم به معنویات هم بیشتر بپردازم و برای دلم کار کنم. دلیل ماندن من در رعد آن لذت انسانی و آن آرامشی است که در کار با این بچه‌ها وجود دارد. آن دنیای قشنگی است که این بچه‌ها دارند. این بچه‌ها علی‌رغم این که نعمت خدا به آنان تمام نیست، بسیار شاکر هستند. در حالی که بزرگ‌ترین نعمت سلامتی است و بسیاری از کسانی که خداوند نعمت را بر آنان تمام کرده‌است، مدام شکایت می‌کنند و ناسپاسند. یکی از دلایلی که من را اینجا نگه داشته همین است که این نعمت را فراموش نکنم.

**چه آرزویی برای رعد دارید؟**

امیدوارم رعد بتواند به بچه‌های بیشتری کمک کند و بیشتر به اهدافش نزدیک شود و من هم توان آن را داشته‌باشم که به افراد بیشتری کمک کرده و بتوانم به همکاران جوانم آنچه را آموخته‌ام را یاد بدهم، چون من در طی این ۱۵ سال، چیزهایی یاد گرفته‌ام که در دانشگاه نمی‌توان یاد گرفت. من سعی می‌کنم تجربیم را به جوانترها بیاموزم.

**شما یک بار گفته‌اید که معجزه رعد؛ ارتباط بچه‌ها با هم است، هنوز هم به این اعتقاد دارید؟**

بله، معجزه رعد در همین است. بچه‌های رعد به همدیگر یاد می‌دهند و از همدیگر روحیه می‌گیرند. آن‌ها در اینجا باهم تعامل دارند، همین طور که ما با هم تعامل داریم. به همین خاطر دنیایشان مثل دنیای من و شماست. در رعد همه با هم هم‌سطح هستند. امیدوارم که رعد صدسالگی‌اش را هم جشن بگیرد. ♦

**مراکز رعد**



## □ مرکز رصد طالقان

مجتمع آموزشی نیکوکاری رصد طالقان در سال ۱۳۸۵ با همت نیکوکاران این شهر راه اندازی شده است. در این مرکز خدمات آموزشی، توانبخشی و حمایتی به عزیزان دارای معلولیت به ویژه افراد کم توان ذهنی ارائه می شود.

توان یابان طالقانی در کارگاه های آموزشی معرق، طراحی، گل سازی، موسیقی و رایانه آموزشی می بینند و از کلاس های سواد آموزی، مهارت های زندگی و قرآن هم استفاده می کنند. شطرنج، دарт، پینگ پنگ و طناب کشی و ... از جمله برنامه های ورزشی برای توان یابان است که در این مرکز ارائه می شود.

همچنین کارگاه پخت نان سنتی و کاشت و برداشت در زمین کشاورزی برای کارآموزان در نظر گرفته ایم.

قریب ۲۰۰ نفر از افراد دارای معلولیت و ۱۰۰ خانواده ساکن در شهر و روستاهای اطراف طالقانی تحت پوشش مرکز رصد طالقان هستند و از سبد کالای حمایتی به صورت ماهانه و فصلی استفاده می کنند. گروه های نیکوکاری بانوان، بهداشت و درمان، مددکاری، آموزش، عمران، حقوق، روانشناسی و مشاوره از بخش های فعال این مرکز هستند.

این مرکز در تهران به توان یابان و خانواده هایی که از شهرستان برای امور توانبخشی و درمانی به تهران سفر می کنند؛ خدمات اقامتی کوتاه مدت چند روزه ارائه می دهد که با هماهنگی قبلی قابل استفاده است. هدف بینانگذاران و مؤسسين مرکز رصد توانمندسازی توان یابان طالقانی بود و جای بسیار خرسندی است که در مدت زمانی اندک تعدادی از توان یابان شهر توانسته اند با بهره مندی از خدمات آموزشی و توانبخشی این مرکز در زندگی فردی و شغلی خود موفقیت های چشمگیری به دست آورند.

برای نمونه می توان به ازدواج و اشتغال یکی از توان یابان مرکز در دانشگاه پیام نور طالقان یا اشتغال به کار دو نفر از دختران توان یاب در فروشگاه بانوان نیکوکار مجتمع رصد طالقان اشاره کرد.

در مرکز رصد طالقان علاوه بر افراد دارای معلولیت به سایر نیازمندان و خانواده های بد سرپرست و بی سرپرست، بیماران و کهنسالان خدمات حمایتی، توانبخشی و پزشکی ارائه می شود.

## □ مرکز رصد فاطمیّه قم

مجتمع آموزشی نیکوکاری خیریه رصد فاطمیّه قم به همت وارثان مرحوم حاج غلامحسین امجدی کاشانی با اهداف آموزش و توانبخشی و اشتغالزایی معلولان جسمی حرکتی از سال ۹۲ در استان قم تأسیس شده است.

در این مجتمع خدمات آموزشی، توانبخشی بر اساس نیازهای توان یابان استان قم ارائه می شود.

خدمات آموزشی مجتمع در قالب کلاس های علمی و هنری تحت استانداردهای فنی حرفه ای کشور است.

این کلاس ها شامل: کامپیوتر، حسابداری، خیاطی، معرق، قرآن، زبان انگلیسی، نقاشی، خوشنویسی، قلاب بافی، گل های شیشه ای، تئاتر، سرود و کلاس سواد آموزی است.

کارآموزان مرکز رصد فاطمیّه قم از خدمات فیزیوتراپی، کاردرمانی و مددکاری

اجتماعی، مشاوره فردی و خانوادگی در بخش توانبخشی و کلاس های کارآفرینی و آموزش های فنی حرفه ای در بخش اشتغالزایی بهره مند می شوند.

خدمات آموزشی، توانبخشی به صورت رایگان در اختیار این گروه از کارآموزان قرار می گیرد و در صورت نیاز هزینه های دارویی و درمان توان یابان تأمین می شود.

از دیگر اقدامات مرکز رصد قم می توان به برگزاری کلاس های گروه درمانی با موضوع مهارت های زندگی، مراسم مذهبی و مراسم افطاری و مسابقات ورزشی در رشته های تنیس روی میز، دارت، شطرنج و فوتبال دستی، اشاره کرد.

ایجاد انگیزه و نشاط، خروج توان یابان از انزوای در منزل و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی، ایجاد گروه های متنوع دوستی با هدف هم افزایی جمعی و تشکیل گروه های تئاتر و سرود با هدف تعامل جمعی و ارائه هنرهای دستی کارآموزان در بازارچه های خیریه، از دستاوردهای مهم این مرکز در طول یک سال گذشته است.

همچنین تاکنون ۴۰ نفر از کارآموزان دختر و پسر در آزمون فنی حرفه ای کامپیوتر و ۵ نفر در آزمون انجمن خوشنویسان و ۱۰ نفر در آزمون صنایع دستی رشته معرق موفق به کسب دیپلم شده اند.

# فعالیت های جانبی رصد

## فعالیت های ملی و بین المللی

معرفی توانمندی های افراد دارای معلولیت از برنامه های استراتژیک مجتمع رصد بوده است و تاکنون هم در سطح ملی و هم بین المللی اقدامات موثری انجام شده است از جمله حضور در دو دوره المپیاد توانمندی های فنی و حرفه ای افراد دارای معلولیت در کشورهای هندوستان و کره جنوبی، برگزاری جشنواره های ملی از قبیل جشنواره ملی حضرت علی اکبر(ع) (انتخاب جوانان نمونه ملی دارای معلولیت) و جشنواره فضای مجازی و توان یابان، نمایندگی نمایشگاه و مسابقه نقاشی پارآرت آسیایی در ژاپن برخی از این فعالیت ها است.

## المپیاد توانمندی های فنی و حرفه ای افراد دارای معلولیت

اولین دوره حضور ایران در المپیاد بین المللی توانمندی های فنی و حرفه ای افراد دارای معلولیت در سال ۱۳۸۲ در هندوستان است که مجتمع رصد با تامین هزینه های برگزاری مسابقات انتخابی در ایران و اعزام تیم امکان حضور توان یابان ایرانی را این دوره فراهم کرد. دومین دوره این مسابقات نیز در سال ۱۳۹۰ مجتمع رصد با برگزاری مسابقات انتخابی در ساختمان مرکزی مجتمع در تهران و تامین تمامی هزینه و با همکاری اجرایی انجمن باور تیم المپیاد را به کشور کره اعزام کرد.

در این مسابقات توان یابان در رشته های کار با نرم افزار اتوكد / معماری - طراحی شخصیت / طراحی پویانمایی - مونتاژ رایانه - برنامه نویسی رایانه - طراحی صفحات وب - نشر رومیزی - فعالیت انتشارات - طراحی و ساخت لباس / پیشرفته - عکاسی در محیط آزاد - عکاسی در استودیو - طراحی پوستر - نقاشی روی ابریشم به رقابت پرداختند.

## جشنواره ملی حضرت علی اکبر(ع) انتخاب جوانان نمونه ملی دارای معلولیت

مجتمع آموزشی نیکوکاری رصد از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان مجری جشنواره حضرت علی اکبر(ع) در بخش جوانان دارای توانایی های خاص (جوان معلول) در سال ۱۳۹۱ انتخاب شد.

این جشنواره در دو محور شاخص های کلی و موضوعی با محورهای علمی و پژوهشی، هنری، ورزشی، خلاقیت، استقلال فردی و خودشکوفایی، فعالیت های اجتماعی و بخش ویژه برگزار شد و از جوانان نمونه برگزیده در مراسم ویژه ای با حضور مسئولان عالی رتبه کشور تقدیر به عمل آمد.

## جشنواره فضای مجازی و توان یابان

مجتمع آموزشی نیکوکاری رصد با مشارکت توان یابان و دستداران جامعه بزرگ افراد دارای معلولیت کشور، حاضر در فضای مجازی دو دوره جشنواره افراد توان یاب و فضای مجازی را برگزار کرده است.

در بخش اصلی این جشنواره توان یابان دارای سایت یا وبلاگ و مدیران سایت ها و وبلاگ ها با موضوع معلولیت به رقابت پرداختند. در بخش جانبی از سایت های فعال انجمن های حوزه معلولان، سایت های برتر اطلاع رسانی حوزه معلولان، خبرگزاری برتر اطلاع رسانی حوزه معلولان، و فعالان دارای معلولیت در حوزه خبر تقدیر شد.

آیین اختتامیه اولین دوره جشنواره مجازی و توان یابان در گنبد آسمان برج میلاد و دومین دوره در سالن همایش مجتمع رصد همزمان با روز جهانی معلولان برگزار شد و به برگزیدگان جوایز ارزشمندی اهدا شد.

## مسابقه نقاشی پارآرت آسیایی در ژاپن

مسابقات نقاشی و خوشنویسی پارآرت آسیایی ژاپن با عنوان « عبور هنر فراتر از مرزها و معلولیت ها» با هدف افزایش اعتماد به نفس و خود اتکائی افراد معلول از طریق هنر، ارتقاء درک و آگاهی عمومی مرتبط با موضوعات معلولیت و پیشسبرد ارتباطات بین المللی میان کشورهای آسیایی در زمینه هنرهای مرتبط با معلولیت در شهر توکیو ژاپن برگزار شد.

مجتمع آموزشی نیکوکاری رصد به عنوان نماینده ویژه این دوره با جمع آوری آثار برتر از سراسر کشور امکان حضور هنرمندان توان یاب ایرانی را در این رقابت ها فراهم کرد.

۱۰ اثر از توان یابان به بخش نمایشگاه نهایی راه یافت و ۲ اثر موفق به کسب دیپلم افتخار شدند. اصل آثار نیز برای نمایش به توکیو ارسال شد.





به روایت تصویر

# سی سال رعد















conversing with them. Firouzeh Ahmadi is suffering from muscular dystrophy and her husband Mehradj Barimani is without disability. A conversation has been done with these artists about their married life

- I want to swim against the stream Murmur, by Hossein Mohseni Taha
- Don't give up hope, be diligent in order to succeed

Conversing with successful entrepreneurs with disabilities who-having founded the company "Boland Hematan Iran Kaghaz"- are doing a great job in packing papers and in publishing

- People with disabilities' employment;



yes or no?  
An article by Arezoo Hobouti with respect to people with disabilities' need for employment

- The first exhibit of assistant rehabilitation appliances and equipment was held. In this topic, a report has been prepared of this exhibit that was held for the first time with the cooperation of the welfare organization. In this report,

conversations have been carried out with gentlemen Mansour Borjian, the executive secretary of the exhibit and the managing director of the company "Tavan Hamgam", Mohammed and Omid Barati who are respectively the chairman of B.O.D and the production manager of the factory "Techno Pishbord", and



last but not least, Fereydoon Kheshtzar, the managing director of the company "wheelchair Sporteg"

- Luminaries with disabilities

Introducing Albert Einstein

- You should consider cutting down on salt in your food

Health

- Two poems that have been said by a person with spinal cord injury
- Murmur
- Introducing two books

The books are entitled "unlimited success in twenty days" and "secrets about life which everyone should know"

- Raad news



### The list for our 30th anniversary special paper

- Everything about Raad according to her Excellency the managing director

Conversing with Sediqe Akbari, the



manager of Raad educational charity institute about the institute's entire activities

- Raad, from yesterday to tomorrow

A report of Raad's 30 years of activities by Mohammed Ameri who's in charge of the head office

- Raad's story

Conversing with Raad's founders gentlemen Mirzakhani and Tavassoli about how they found Raad and the rise and slumps that the institute has been through over the course of these 30 years



- Along with our female aid workers

Conversing with 3 of the members of the female aid worker group about the group's activities

- The group of "the youth"/ Raad's robust

muscle

Conversing with gentlemen Mahmoud Tavassoli and Rahman Alagheband about the activities that this group has carried out throughout its twenty years of work with Raad

- Education has always been one of my concerns

Conversing with Mahmoud Tavassoli, Raad's deputy for education about the trainings that have been provided in Raad over the years; trainings that have grown



bigger and have become of higher quality day after day

- Along with Raad's trainees

Conversing with five of Raad's trainees who are using Raad's educational classes and rehabilitation services

- Why Raad?

Conversing with three of Raad's experienced personnel about the reason why they started working for Raad and the reason why they carried on working for Raad

- Raad's collateral activities

A report of Raad's collateral activities

- Along with the offices

A report of Raad's offices in other cities and provinces



- Leading article
- World's day of the people with disability
- Creativity; making a living and solving social challenges are three sides of social entrepreneurship

Conversing with Alireza Omidvar, the founder and member of B.O.D of the center of promoting sovereignty and responsibility of partnership and founder and member of B.O.D of Iran's



entrepreneurship institute about a social entrepreneur

- Our goal is creating sustained employment for students

Conversing with Fatima Ghafourian, the person in charge of Raad's office of entrepreneurship and employment about the office's activities in helping people with disabilities find jobs

- Anyone-regardless of what their abilities are-can find a job that suits them

Conversing with Shahrzad Chehrenegar and Shadi Karimkhani, two psychologists



who collaborate with Raad's employment

and entrepreneurship office; in this conversation, they have made a reference to the activities they have got underway in preparing people with disabilities who are looking for jobs to enter work

- Interest is the top condition of supported employment

Conversing with Mansoureh Panahi, the manager of MISA professional rehabilitation center in the country Sweden about the center's activities in recognizing the working interests of people seeking rehabilitation who are looking for jobs and preparing them for and supporting them in their workplace

- We are looking forward to that day

An article by Fatima Ghafourian

- People with spinal cord injuries' state of being well dressed up and the role this has in their socializing with others

An article by Hamid Mirza Aghaei-from the publication of the center of spinal cord injuries



- Buy from us instead of buying Chinese products

Conversing with a few artists; all of whom are Raad's trainees, having completed their training courses, they have formed a group together and are currently busy working and making money in one of the centers affiliated with the municipality

- An able person

An article by Dr. Forough Jafari about the features of a successful person

- When love bridges all the gaps

Introducing a successful couple and